

گزارش

نخستین همایش ملی
هنر انقلاب اسلامی

نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، با تاکید بر مطالعات میان رشته‌ای
در حوزه هنر، ادبیات، معماری، شهرسازی، ارتباطات و رسانه



دانشگاه بین‌المللی سوره

فروردین ۱۴۰۴

گزارش
نخستین همایش ملی
هنر انقلاب اسلامی



دانشگاه ملی اراک

فروردین ۱۴۰۴

فهرست

- مقدمه / ۳
- شناسه همایش / ۴
- اسامی سخنرانان / ۵
- محورهای همایش / ۶
- فرهنگستان هنر / ۷
- دانشکدهٔ هنر / ۵۳
- دانشکدهٔ فرهنگ و ارتباطات / ۹۵
- دانشکدهٔ معماری و شهرسازی / ۱۳۳

گزارش نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی

- زیر نظر دکتر احمد رضا کاویار
- گردآوری: زهرا سادات قدیری، افسانه آقا رضائی، سیده نرگس زمانی
- گزارش نویسی: فاطمه سادات احسانی، طهورا کاردل
- طراحی، آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: وحید روزبهانی
- با تشکر از همهٔ همکارانی که در برگزاری این برنامه یاری رساندند.

مقدمه

هنر انقلاب اسلامی، به مثابه ساحتی زنده، پویا و در حال تکوین از اندیشه و بیان هنری ایران پسا انقلاب و همسو با اهداف آن، همواره نیازمند گفت‌وگو، بازاندیشی و صورت‌بندی نظری دقیق بوده است. دانشگاه‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین بسترهای تولید و تبادل دانش، نقشی بنیادین در تعمیق این گفت‌وگو و پیوند آن با تجربه‌های هنری، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کنند. دانشگاه بین‌المللی سوره طی چهار سال گذشته، در قالب «هفته هنر انقلاب اسلامی»، کوشیده است فضایی مستمر برای طرح مباحث نظری، ارائه تجربه‌های هنری و ایجاد هم‌افزایی میان استادان، پژوهشگران، هنرمندان و دانشجویان فراهم آورد. استمرار این رویداد و تنوع برنامه‌های آن، ضرورت گذار از شکل رویدادمحور به چارچوبی علمی، نظام‌مند و ماندگارتر را آشکار ساخت.

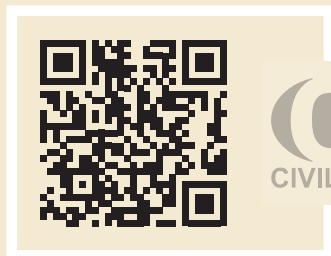
بر همین اساس، در فروردین‌ماه سال جاری، نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی با نمایه علمی ISC، به عنوان گامی ساختارمند در امتداد این مسیر، در دانشگاه بین‌المللی سوره برگزار شد. این همایش با تمرکز بر پژوهش‌های علمی، سخنرانی‌های تخصصی و گفت‌وگوهای میان‌رشته‌ای، کوشید بستری برای تبیین ابعاد مختلف هنر انقلاب اسلامی در نسبت با تحولات نظری، تاریخی و معاصر فراهم آورد.

کتابچه پیش‌رو گزارش اجرایی و علمی این همایش است و با هدف مستندسازی فرآیند برگزاری، معرفی محورهای اصلی و انعکاس کلی فضای علمی رویداد تدوین شده است. شایان ذکر است مجموعه مقالات پذیرفته‌شده و همچنین پیاده‌سازی و تدوین سخنرانی‌های برگزیده، به صورت مستقل و در قالب کتابی جداگانه منتشر خواهد شد.

برگزاری این همایش، با استعانت از خداوند متعال، سرآغاز مسیری مستمر و رو به تعالی است و برنامه‌ریزی شده است که در سال‌های آینده با محورهای مرتبط و در عین حال متفاوت تداوم یابد. افق این رویداد علمی، فراهم‌آوردن بستری دانشگاهی برای تعریف و بازتعریف هنر انقلاب اسلامی نه صرفاً به عنوان یک مقطع تاریخی یا رویکرد موضوعی، بلکه به مثابه یک «مکتب هنری» با مبانی نظری، مؤلفه‌های زیباشناختی و ظرفیت‌های بین‌رشته‌ای است.

امید است این گزارش، ضمن ثبت تجربه نخستین دوره همایش، گامی مؤثر در مسیر تقویت ادبیات علمی هنر انقلاب اسلامی و تعمیق پیوند میان دانشگاه، پژوهش و جامعه هنری کشور باشد.

زکیه‌السادات طباطبایی
معاون پژوهشی
دانشگاه بین‌المللی سوره



نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی
رییس همایش: دکتر محمد حسین ساعی
دبیر علمی همایش: دکتر امید علی مسعودی
دبیر اجرایی همایش: دکتر مرتضی صدیقی فرد

شورای سیاستگذاری

دکتر محمد حسین ساعی
 دکتر شهریار زرشناس
 دکتر کاظم نظری

کمیته علمی

دکتر امید علی مسعودی
 دکتر زکیه السادات طباطبائی

هویت بصری

مسعود احمدی

دکتر زکیه السادات طباطبائی
 دکتر نجمه دشتکی
 دکتر محمد علی رجبی

دکتر وحید یامین پور
 دکتر مرتضی صدیقی فرد
 دکتر امید علی مسعودی

دکتر مهران هوشیار
 دکتر مرتضی صدیقی فرد

استاد آزاده حاجی سلیمی
 دکتر شهریار زرشناس

آمار موضوعی مقالات

مقالات ارائه شده: ۱۶۳ هنر: ۵۷ | فرهنگ و ارتباطات: ۵۲ | معماری و شهرسازی: ۲۹
میان رشته ای: ۲۵ | مقالات پذیرفته شده (منتشر شده): ۵۵ مقاله

سخنرانان

فرهنگستان

دکتر محمد حسین ساعی	آیت الله میرباقری
دکتر مجید شاه حسینی	حجت الاسلام والمسلمین خسرو پناه
دکتر بیژن عبدالکریمی	حجت الاسلام والمسلمین قمی
دکتر علی اصغر فهیمی فر	دکتر سید غلامرضا اسلامی
دکتر امید علی مسعودی	دکتر محمد علی رجبی
دکتر احمد رضا معتمدی	دکتر حسن رحیم پورازغدی
	دکتر شهریار زرشناس

دانشکده هنر

دکتر محمد علی روزبهانی	لیلا نیرومند	استاد عبدالحمید قدیریان
دکتر سجاد صفار هرندی	دکتر مهناز احتشامی	امیر حسین آقایی
استاد آزاده حاجی سلیمی	دکتر ساناز باحجب قدسی	مسیحا ربیعی
	دکتر مرتضی صدیقی فرد	سید حسین شهرستانی

دانشکده فرهنگ و ارتباطات

دکتر سمیرا خطیب زاده	خاطره اسدی	امیر هوشنگ سبزواری
دکتر فرزانه شریفی	مهسا خلعت آباد	مهدی قائمی تهرانی
سید رضا نقیب السادات	عاطفه مظلوم	حسین کیا
دکتر محمدرضا وحیدزاده	کوثر مهرزاده	میثم یوسفی

دانشکده معماری

دکتر نجمه دشتکی	دکتر سید غلامرضا اسلامی
دکتر لیلا مقیمی	دکتر ناصر براتی
دکتر عبدالحمید نقره کار	دکتر امیر مسعود دباغ

محورهای همایش

۱) هنر

- _ حقیقت و مبانی نظری هنر انقلاب اسلامی
- _ هنر اعتراضی و انقلابی در جهان
- _ منشور امام و هنر انقلاب اسلامی
- _ هنر متعهد و آموزش هنر
- _ مواجهه هنر انقلاب اسلامی با جریان‌های معارض
- _ جلوه‌های زیبایی‌شناسی هنر انقلاب اسلامی

۲) فرهنگ و ارتباطات

- _ دین و ارتباطات در انقلاب اسلامی
- _ هنر و ادبیات پایداری و حماسه
- _ رسانه‌های انقلاب اسلامی
- _ دین و رسانه‌های دیجیتال
- _ رسانه‌های انقلاب اسلامی
- _ مدیریت رسانه و انقلاب اسلامی
- _ فرهنگ پایداری در انقلاب اسلامی

۳) معماری و شهرسازی

- _ تبیین مؤلفه‌های نظری معماری و شهرسازی انقلاب اسلامی
- _ تأثیرات اجتماعی - فرهنگی معماری و شهرسازی پس از انقلاب اسلامی
- _ شهرهای انقلابی
- _ هویت‌های انقلابی در معماری و شهرسازی
- _ شهرسازی عمومی در انقلاب اسلامی
- _ منظومه نظری انقلاب اسلامی در حفاظت و توسعه معماری و شهرسازی انقلاب اسلامی

۴) میان‌رشته‌ای

- _ زیبایی، خیال و واقعیت در عالم هنر و معماری انقلاب اسلامی
- _ نسبت هنر انقلاب اسلامی با امر اجتماعی و امر سیاسی
- _ مستندسازی و تاریخ‌نگاری هنر انقلاب اسلامی
- _ رابطه معماری و شهرسازی با سایر هنرهای انقلاب اسلامی

فرهنگستان هنر

آیین افتتاحیه نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ با حضور گرم مسئولین، صاحب نظران حوزه فرهنگ و هنر، پژوهشگران، اساتید و مدیران و دانشجویان دانشگاه بین المللی سوره در فرهنگستان هنر با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه بین المللی سوره در دو نوبت صبح و عصر برگزار گردید.

دکتر محمدحسین ساعی، رئیس دانشگاه بین المللی سوره در اولین سخنرانی از نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، پس از سلام و درود بر روان پاک شهدای انقلاب اسلامی به ویژه هنرمند و متفکر شهیر هنر انقلاب اسلامی، شهید سیدمرتضی آوینی، در ابتدای سخنانشان به عدم پرداخت نظری به مقوله هنر اسلامی طی سالیان گذشته اشاره و بیان نمودند: پس از انقلاب اسلامی کار جدی



نظری و مطالعاتی در خصوص هنر و ادبیات انقلاب اسلامی صورت نگرفته است. به پیشینه که رجوع می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم که ما اولین همایش دارای نمایه علمی در موضوع هنر انقلاب اسلامی هستیم که استقبال ویژه‌ای از آن شد. علاوه بر این، در چهل و هفت سال گذشته در دانشگاه‌های ما به این موضوع با این عنوان پرداخته نشده، یا دست کم عناوین مختصری در این حوزه تولید شده و یا در قالب‌های عمومی‌تر در دانشگاه‌ها و در فرمت دانشگاهی به آن پرداخته شد.

او در ادامه به مردمی‌تر شدن فضای دانشگاه‌ها اشاره کرد و افزود: تحولات جدی دیگری بعد از انقلاب در حوزه هنر، رسانه، معماری و ادبیات داشتیم که در جای خود قابل مطالعه است. همچنین در همه حوزه‌ها جهش‌های چندبرابری داشتیم. روند رشد خیلی از این شاخص‌ها پیش و پس از انقلاب وجود داشته؛ در این میان، روند پیش از انقلاب نگران‌کننده بود اما بعد از انقلاب روند رشد فزاینده‌ای در بسیاری از رشته‌ها داریم.

او در ادامه بیان کرد: دغدغه طراحی این همایش این است که در این حوزه‌ها، مطالعات در هنر معاصر کم بوده. تجربه‌هایی که در شعر و هنر و گرافیک بوده، پربار است و مطالعه آن نیز جذاب خواهد بود؛ ولی در حوزه‌های دیگر مثل معماری و شهرسازی کمتر به آن پرداخته شده است. این همایش حتی می‌تواند برای خارج از مرزهای ایران نیز جذب شوند.

رئیس دانشگاه بین‌المللی سوره به آثار و نتایج به دست آمده از همایش‌ها اشاره و خاطر نشان کرد: خوشبختانه استقبال چشمگیری نسبت به همایش ملی هنر انقلاب وجود داشته که منجر به چاپ کتابی در این زمینه شده. همچنین برای توسعه بیشتر در این حوزه پیشنهاد تأسیس پژوهشگاه را داده‌ایم.

او با تأکید بر ظرفیت دانشگاه‌ها برای تحلیل علمی هنر انقلاب بیان نمود: حتی اگر به عنوان یک دانشگاهی خالص و بدون داورى ارزشی به موضوع بنگریم، ظرفیت‌های بسیاری برای کار علمی در این حوزه می‌یابیم. متأسفانه گاه قدر آنچه داریم را نمی‌دانیم؛ مانند ماهی‌ای که در آب است و آب را نمی‌بیند.

او ادامه داد: از یک سو خوشحالیم که این باب گشوده شد و از سوی دیگر متأسفیم که ۴۷ سال طول کشید تا چنین برنامه‌ای برگزار شود. در دوره جدید مدیریت دانشگاه، احساس کردیم که برای تربیت هنرمند انقلاب اسلامی، باید محتوای مناسبی در اختیار دانشجویان قرار گیرد؛ اما محتوای آماده‌ای وجود نداشت. از همان سال اول، به بهانه هفته هنر انقلاب اسلامی، که به برکت خون شهید آوینی پایه‌گذاری شده، همایش‌هایی برگزار کردیم.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی یادآور شد: در چهار دوره از این همایش‌ها، بیش از ۱۰۰ اندیشمند و متفکر شرکت کردند. خروجی نشست‌های سال اول به همت آقای دکتر فهمی فر به صورت کتاب منتشر شد و با استقبال خوبی نیز روبه‌رو شد. این بازخورد باعث شد که به این نتیجه برسیم که ظرفیت لازم برای برگزاری همایشی علمی با قالب و استانداردهای دانشگاهی وجود دارد.

وی گفت: در ابتدا پیش‌بینی می‌کردیم حدود ۳۰ تا ۴۰ مقاله دریافت کنیم، اما



همین تعداد برای شروع کفایت می‌کند. برگزاری این همایش را آغازی می‌دانیم برای جدی‌تر شدن مواجهه دانشگاهی با هنر انقلاب اسلامی.

رئیس دانشگاه بین‌المللی سوره با اشاره به استقبال گسترده از نخستین همایش دانشگاهی هنر انقلاب اسلامی گفت: استقبال از این همایش، فراتر از انتظار ما بود. بیش از ۱۸۰ چکیده مقاله به دفتر همایش ارسال شد. با توجه به سرعت عمل ما در اطلاع‌رسانی، اگر زمان بیشتری در اختیار داشتیم، این عدد به بیش از ۲۵۰ چکیده می‌رسید. وی ادامه داد: این استقبال نه تنها برای ما غافلگیرکننده بود، بلکه مسیر پیش‌روی همایش را نیز برای مان روشن‌تر کرد. به همین دلیل، تصمیم داریم این همایش را ادامه دهیم و ایستگاه بعدی را چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۴۰۷ قرار داده‌ایم. امیدواریم در آن سال، نخستین محصولات علمی و محتوایی مرتبط با هنر انقلاب اسلامی را رونمایی کنیم.

او با اشاره به نیاز به نهادسازی علمی در این حوزه اظهار داشت: با توجه به این استقبال، به فکر تأسیس یک پژوهشگاه یا حداقل پژوهشکده در حوزه هنر انقلاب اسلامی افتاده‌ایم. در حال حاضر حدود ۲۰۰ نفر از اندیشمندان و پژوهشگران فعال در این حوزه، از دل این همایش‌ها و نشست‌ها شناسایی شده‌اند. هدف ما این است که این ظرفیت علمی را در قالبی سازمان‌یافته گردآوریم و از آن بهره‌برداری کنیم.

وی در ادامه افزود: در نظر داریم طی دو سال آینده نشریه‌ای علمی با موضوع هنر انقلاب اسلامی راه‌اندازی کنیم. همچنین تدوین دانشنامه‌ای در این حوزه را در دستور کار قرار داده‌ایم. می‌دانم که این کار، بسیار بزرگ و سنگین است، اما با توجه به حمایتی که تاکنون دریافت کرده‌ایم، امیدواریم نخستین نتایج آن را در پنجاهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ارائه کنیم.

در پایان، دکتر ساعی با قدردانی از همه دست‌اندرکاران برگزاری همایش گفت: از همه عزیزانی که در برگزاری این رویداد نقش داشتند تشکر می‌کنم. دانشگاه بین‌المللی سوره علی‌رغم کمبود امکانات و زیرساخت‌ها، با همکاری دوستان حوزه هنری و سازمان تبلیغات اسلامی، توانست این رویداد را برگزار کند.

آیین افتتاحیه نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ با حضور گرم مسئولین، صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و هنر، پژوهشگران، اساتید و مدیران و دانشجویان دانشگاه بین‌المللی سوره در فرهنگستان هنر با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه بین‌المللی سوره در دو نوبت صبح و عصر برگزار گردید.

در این همایش، دکتر امیدعلی مسعودی، رئیس دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره و دبیر علمی همایش هنر انقلاب اسلامی به اهمیت هنر و نقش آن در تعالی معنوی و روحی انسان تأکید کردند و وضعیت هنر در جامعه قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دادند. ایشان بیان کردند که پیش از پیروزی انقلاب، هنر در ایران تحت تأثیر هنر مدرن غرب بود و نمونه‌هایی از آن مانند نمایش‌های خلاف عادت و نقاشی‌های بی‌معنا و تقلیدی، نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب هنر آن زمان بودند. ایشان بیان نمودند که



در آن دوران، هنر بیشتر به عنوان ابزاری برای انعکاس درد و رنج مردم نبود و در موسیقی و شعر، مشکلات محتوایی و فرمیک دیده می‌شد، به گونه‌ای که شعر از وزن و معنای واقعی فاصله گرفته بود و مجلات روشنفکری درگیر مناقشات بین شعر نو و کلاسیک بودند.

او بیان کرد: با پیروزی انقلاب اسلامی، هنر به سمت معنویت و اعتلای روح انسان سوق پیدا کرد. در این دوره، هنرمندان و جوانان به جای وابستگی به فرهنگ غرب، به مساجد روی آوردند و نشست‌های شعرخوانی و قصه‌نویسی در کتابخانه‌های مساجد رونق گرفت. در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، با شکل‌گیری جنبش‌های انقلابی، آثار هنری و ادبی متعددی در قالب کتاب، شعر، تئاتر، موسیقی و فیلم‌های دینی تولید شد که نقش مهمی در تقویت روحیه مقاومت و دفاع از میهن و انقلاب داشتند. در دوران جنگ تحمیلی، هنرمندان و شاعران با خلق آثار هنری، نقاشی‌های دیواری و سرودهای انقلابی، نقش مؤثری در تقویت روحیه رزمندگان و حمایت از جبهه‌ها ایفا کردند.

او توضیح داد: پس از پایان جنگ، انتظار می‌رفت که هنر انقلاب اسلامی مورد بازخوانی و نظریه‌پردازی قرار گیرد، اما در دانشگاه‌های کشور کمتر به این گنجینه توجه شده است. در این راستا، دانشگاه بین‌المللی سوره که در سال ۱۳۷۲ تأسیس شده، نقش مهمی در پرورش هنرمندان و محققان در حوزه هنر انقلاب ایفا کرده است. این دانشگاه تلاش دارد تا نظریه‌پردازی در زمینه‌های هنر، ارتباطات، معماری و شهرسازی انجام دهد و نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی را برگزار کند که هم‌زمان با هفته هنر و سالروز شهادت شهید سید مرتضی آوینی در ۲۰ فروردین ۱۳۷۲ برگزار شده است.

او در ادامه گفت: در این همایش، بیش از ۱۸۱ مقاله در حوزه‌های هنر، فرهنگ و ارتباطات، معماری و شهرسازی و رشته‌های میان‌رشته‌ای ارائه شده است. از این تعداد، ۱۱۳ مقاله توسط یک نویسنده، ۵۷ مقاله با دو نویسنده و ۱۱ مقاله با بیش از دو نویسنده نگاشته شده است. همچنین، ۶۰ عنوان مقاله پذیرفته شده

است که نشان‌دهنده رعایت موازین علمی در داوری است و هدف این است که حدود ۳۳ درصد از مقالات کاربردی و قابل استفاده در سایر حوزه‌ها باشند. در پایان، دکتر مسعودی از حضور و مشارکت اعضای هیئت علمی، دانشجویان و محققان در این همایش، ابراز خرسندی کردند و از زحمات کمیته‌های اجرایی و علمی قدردانی نمودند. همچنین، خاطره‌ای از دوران ۳۸ سال پیش و همکاری با استادان و شخصیت‌های فرهنگی ذکر کرده و از همه حاضران برای شرکت در این رویداد ارزشمند سپاسگزاری کردند.

آیین افتتاحیه نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ با حضور گرم مسئولین، صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و هنر، پژوهشگران، اساتید و مدیران و دانشجویان دانشگاه بین‌المللی سوره در فرهنگستان هنر با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه بین‌المللی سوره در دو نوبت صبح و عصر برگزار گردید.

در این سخنرانی که به صورت پیام تصویری انجام شد، آیت‌الله میرباقری، رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم با نام خداوند شروع کردند و به دعا و درخواست برای ظهور امام زمان (عج) پرداختند. ایشان پس از ابراز احترام و تشکر از برگزارکنندگان و اساتید، نکاتی درباره هنر و نقش آن در جامعه را بیان نمودند: نکته اول این است که هنرمند حقیقی کسی است که از آینده‌های مطلوب و جهان‌های آرمانی تصویر می‌سازد و احساس و تصویر آن جهان را در جامعه منتقل می‌کند. این فرآیند باعث تغییر زیباشناسی اجتماعی و انتظارات می‌شود و می‌تواند بستر انقلاب‌های اجتماعی بزرگ را فراهم آورد. هنر در این راستا باید علاوه بر تحریک عواطف، تصویرهای روشن و امیدبخش از آینده‌های مطلوب ارائه دهد و نقش جهاد تبیین را در این زمینه ایفا کند.

نکته دوم این است که هنر بر پایه تخیل اجتماعی و عمق روح انسان شکل می‌گیرد، نه صرفاً بر پایه خیال فردی. این هنر از عمق اراده، روح و اندیشه انسان سرچشمه می‌گیرد و متعالی‌تر از سطح خیال است. بنابراین، هنر باید با عمق روح و تفکر انسان ارتباط داشته باشد و از جوشش‌های درونی انسان ناشی شود.

سومین نکته به دو جهان در عالم ارض اشاره دارد: یکی جهان حیات دنیا که به تعبیر قرآن «لهو و لعب» است و دیگری جهان حیات آخرت که «ذکر و حکمت» نامیده می‌شود. این دو جهان در قرآن و معارف اسلامی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته‌اند. حیات دنیا زودگذر و پر از فریب است، در حالی که حیات آخرت پایدار و بر پایه حکمت و ذکر است. در روایتی از سیدالشهدا (ع) آمده است که در قیامت، هر گروهی با امام خود محشور می‌شود و دو نوع امامت وجود دارد: امام

هدایت و امام ضلالت، که هر کدام عاقبت متفاوتی دارند.

در ادامه، آیت الله میرباقری تأکید کردند که هنر در هر زمان و در هر جامعه، در یکی از این دو جهان متولد می‌شود؛ یعنی یا در جهان «لهو و لعب» و «موت» یا در جهان «ذکر و حکمت» و «حیات» قرار دارد. ایشان بیان نمودند: هر هنرمندی که در حیات دنیا زندگی می‌کند، هنر او متناسب با یکی از این دو جهان است و از آنجا شکل می‌گیرد. هنر در جهان «لهو و لعب» ممکن است احساسات سطحی و فریبنده ایجاد کند، اما هنر در جهان «ذکر و حکمت» بر پایه عمق روح و اندیشه انسان استوار است و هدف آن هدایت و تربیت جامعه است.

ایشان بیان نمودند که در قرآن، حیات دنیا به عنوان «نباته ثم یذهب کلُّ هذا» توصیف شده است، یعنی مانند رویش بهاری است که با بادهای پاییزی از بین می‌رود و به خاکستر تبدیل می‌شود. این نشان می‌دهد که حیات دنیا زودگذر و فانی است و نباید به آن دلبسته شد. در مقابل، حیات آخرت پایدار و بر پایه حکمت و ذکر است.

ایشان در ادامه این سخنرانی، بر اهمیت هنر متعهد و نقش آن در تبیین و هدایت جامعه اسلامی و جهانی تأکید کردند و بیان نمودند که هنر باید از مبانی و غایات الهی و اسلامی سرچشمه گیرد و در مسیر حیات اخروی و معنوی انسان‌ها قرار داشته باشد.

آیت الله میرباقری در ادامه به سخنانی از امام خمینی(ره) اشاره نمودند که تأکید داشتند هنر باید در میدان درگیری بین کفر و ایمان، در مسیر جهاد و مقاومت قرار گیرد و نقش آن، آسیب‌شناسی معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی باشد. ایشان بیان کردند که هنر باید نقاط کور و مبهم این معضلات را نشان دهد و عدالت، شرافت و انصاف را ترسیم کند و در مقابل جریان‌هایی قرار گیرد که فرهنگ اصیل اسلامی را تضعیف می‌کنند و فرهنگ‌های غربی و مادی‌گرایانه را ترویج می‌نمایند.

ایشان همچنین توضیح دادند: هنر باید در راستای ساختن جهان مطلوب،

پرورش احساسات و تصویرسازی از آینده‌ای برتر و تمدن نوین اسلامی نقش‌آفرینی کند. این هنر باید احساس غلبه تمدن مادی بر معنویت را در جامعه کاهش دهد و تصویری از پیروزی اسلام و تمدن اسلامی در آینده ارائه دهد. در بیانیه‌های امام، هنر متعهد باید در خدمت اسلام ناب و ارزش‌های اسلامی باشد و از آن در برابر تهدیدات فرهنگی و تمدنی غرب و شرق محافظت کند.

در ادامه ایشان بیان نمودند: نقش پیشران در تولید هنر در جامعه‌های مادی و اسلامی بر عهده مراکز علمی، دانشگاه‌ها و هنرمندان است. هنرمندان باید احساس مسئولیت کنند و جامعه را در مسیر تعالی و مقاومت در برابر فرهنگ‌های بی‌دین و مادی‌گرایانه هدایت نمایند. در عصر فناوری‌های نوین و ابزارهای ارتباطی، به ویژه هوش مصنوعی، غرب تلاش می‌کند که هنر را در خدمت اهداف سلطه‌جویانه و فرهنگ مصرف‌گرایانه قرار دهد، بنابراین هنرمندان باید هوشیار باشند و راهبری جامعه در مسیر هنر اسلامی و انقلابی را بر عهده گیرند.

ایشان نکته مهم دیگر را آسیب‌های موجود در جامعه اسلامی بیان نمودند که شامل بی‌تفاوتی نسبت به غرب فرهنگی و بی‌موضع بودن در مقابل اسلام و آمریکا می‌شود و در ادامه گفتند که هنرمندان باید مواضع روشنی در مقابل این تهدیدات داشته باشند و درک صحیحی از اسلام ناب و اسلام آمریکایی ارائه دهند. ایشان بیان کردند که امام خمینی(ره) تأکید می‌کند که اسلام ناب، اسلامی است که پرچمداران آن ائمه‌هدی(ع) و مستضعفان و پابرهنگان هستند و هنر باید جامعه را با این تفاوت‌ها آشنا کند تا در مقابل چالش‌های جهانی سربلند باشد.

آیت‌الله میرباقری همچنین بیان نمودند: در دوره عبور از دنیای مدرن، هنرمندان باید نقش فعال در تصویرسازی آینده جهان بر اساس اسلام ناب ایفا کنند و از اسلام آمریکایی، که در خدمت سلطه‌طلبی است، فاصله بگیرند. امام مکرراً بر اهمیت شناخت صحیح اسلام ناب و مقابله با اسلام آمریکایی تأکید داشتند و وظیفه هنرمندان را در این مسیر مهم می‌دانستند.

در بخش دیگری از سخنان، بر ضرورت ایجاد ساختارهای منطقه‌ای و جهانی جدید در عرصه هنر تأکید شد و بیان کردند که با توجه به تغییر نظم جهانی، باید پیمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و جهانی شکل گیرد تا بتوان نقش فعال‌تری در آینده جهان ایفا کرد.

در پایان، آیت‌الله میرباقری بر اهمیت آینده‌پژوهی و تصویرسازی از جهان‌های آینده تأکید کردند و بیان نمودند: جامعه هنری باید درک کند که جهان وارد نظم جدیدی می‌شود و نقش خود را در شکل‌گیری آینده تمدن اسلامی ایفا کند. آینده‌پژوهی و تصور جهان مطلوب، راهی برای عبور از آسیب‌ها و ساختن تمدن نوین اسلامی است. بنابراین، هنر باید در این مسیر نقش فعال و مؤثری ایفا کند و با توجه به تحولات جهانی، آینده هنر اسلامی را ترسیم و آن را وارد مدار نظم نوین جهانی کند. این مسئولیت بر عهده هنرمندان و نخبگان است تا با خلق آثار متعهد، جامعه اسلامی را برای مشارکت فعال در آینده جهان آماده سازند و نقش مؤثری در غلبه تمدن اسلامی بر تمدن مادی ایفا نمایند.

آیین افتتاحیه نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ با حضور گرم مسئولین، صاحب نظران حوزه فرهنگ و هنر، پژوهشگران، اساتید و مدیران و دانشجویان دانشگاه بین المللی سوره در فرهنگستان هنر با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه بین المللی سوره در دو نوبت صبح و عصر برگزار گردید.

در این همایش، حجت الاسلام و المسلمین قمی، ریاست محترم سازمان تبلیغات اسلامی با ابراز احترام و سلام، به اهمیت و جایگاه هنر متعهد و مکتبی اشاره کردند که ویژگی‌های خاص و متمایزی دارد. ایشان معتقد است که این هنر، علاوه بر جنبه‌های ظاهری و طراحی‌های اولیه، عمیقاً انسانی، اخلاقی، صادقانه و مردمی است و دغدغه حق و حقیقت در آن مشهود است. ایشان بیان نمودند که این هنر، نماد اتصال زمین به آسمان و تجلی روحانی است که غالباً متکی بر وحی و عقل است و در عین حال، ناپیدا و آسمانی است.



ایشان معتقد است هنر انقلاب اسلامی، ارتباط نزدیکی با وحی دارد و راهی برای سلوک معنوی هنرمند و فرد است که نقش بیدارگر و تذکردهنده در جامعه دارد. ایشان بیان کردند که این هنر، برخلاف نگاه ستیزه‌جو، موضع مبارزه و مقاومت دارد و در مقابل ظلم و ستم می‌ایستد، چنان‌که امام خمینی(ره) بر ساختن چارچوبی جدید برای مقابله با ظالمان تأکید کرده‌اند.

ایشان در ادامه بر اهمیت مرور و تحلیل ویژگی‌ها و مؤلفه‌های این هنر تأکید نمودند و خواهان حمایت و پژوهش‌های گسترده در این حوزه از جمله توسط دانشگاه بین‌المللی سوره، فرهنگستان، حوزه هنری و مجموعه‌های پژوهشی بودند و بیان کردند که هدف این است که مسیر روشن و مؤثری برای پیشرفت و تبیین این هنر ترسیم شود و بتواند در راه تعالی هنر انقلاب مؤثر باشد.

در پایان، حجت الاسلام و المسلمین قمی از اساتید و محققانی که در این مسیر تلاش می‌کنند، قدردانی کردند و ابراز امیدواری نمودند که این مباحث و همکاری‌ها منجر به نتایج مفید و گره‌گشا شود. ایشان بر اهمیت ادامه این راه و نقش آن در تقویت هنر انقلاب تأکید کردند و از همه حضار و همراهان درخواست نمودند که با همکاری و همت، این مسیر را پیش ببرند تا در نهایت، این حرکت به نفع هنر و جامعه باشد.

آیین افتتاحیه نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ با حضور گرم مسئولین، صاحب نظران حوزه فرهنگ و هنر، پژوهشگران، اساتید و مدیران و دانشجویان دانشگاه بین المللی سوره در فرهنگستان هنر با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه بین المللی سوره در دو نوبت صبح و عصر برگزار گردید.

در این همایش، حجت الاسلام و المسلمین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی به بررسی نظریه هنر انقلاب اسلامی پرداختند و آن را بر پایه اصول و مفاهیم کلیدی تبیین نمودند. ایشان ابتدا هنر را به عنوان «آفرینش عینی تخیلات مبتنی بر خرد ناب» تعریف نمودند که شامل اصول شش گانه عقلانیت، عبادت، فضیلت، معنویت، مقاومت و خدمت به مردم است. ایشان بیان کردند که این اصول، پایه و اساس هنر انقلاب اسلامی را تشکیل می دهند و هنر را محصولی می داند که بر تخیل عینی و حکمت، یعنی جمع عقل نظری،



عملی، معاش و معاد استوار است.

ایشان بر تفاوت‌های میان هنر حکمی، هنر سنتی و هنر مدرن تأکید کردند و هنر حکمی را ترجیح دادند، زیرا بر خرد ناب و حکمت تأکید دارد. ایشان خرد ناب را ترکیبی از چهار عقل برشمردند: عقل نظری، عملی، معاش و معاد که در هنر اسلامی و هنری که بر حکمت استوار است، نقش مهمی دارند. همچنین، مفهوم انقلابی‌گری را توضیح دادند و آن را به معنای بهره‌برداری منطقی و خردمندانه از عقلانیت، بندگی و اخلاص و تقویت فضیلت‌هایی چون عدالت، اخوت، حیا، صداقت و مهار نفس دانستند و بیان نمودند که انقلابی‌گری را نباید با تندروی و بی‌منطقی اشتباه گرفت، بلکه باید بر اصول فطری و جهانی مانند آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت و بردباری استوار باشد.

حجت الاسلام و المسلمین خسروپناه در ادامه بیان نمودند که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم و سخنرانی‌های دیگر، اصولی مانند خودسازی، جامعه‌پردازی، تمدن‌سازی، پایبندی به ارزش‌های اسلامی و انقلابی، هدف‌گیری آرمان‌ها، استقلال، حساسیت در برابر دشمن، تقوا و خدمت به مردم را برای انقلابی بودن برمی‌شمردند. ایشان نتیجه‌گیری کردند که هنر انقلاب اسلامی، بر پایه آفرینش عینی تخیلات مبتنی بر حکمت و خرد ناب است و نمونه‌ای از آن، قصه حضرت یوسف در قرآن است که تمامی اصول شش‌گانه در آن قابل مشاهده است.

در پایان، ایشان تصریح کردند که هنر انقلاب اسلامی محدود به هنرهای نمایشی، تجسمی، ادبی و موسیقی نیست، بلکه تمامی اقسام هنرهای هفتم و دیگر هنرها می‌توانند مصداق این نوع هنر باشند. همچنین، هنرمندانی چون شهید آوینی، نادر طالب‌زاده، سید حسن حسینی و دیگران را از نمونه‌های بارز هنرمندان هنر انقلاب اسلامی معرفی کردند. در نهایت، حجت الاسلام و المسلمین خسروپناه تأکید نمودند که هنر انقلاب اسلامی، ریشه در بستر فرهنگی و تاریخی ایران دارد و تا ظهور حضرت ولی عصر(عج) ادامه خواهد یافت.

آیین افتتاحیه نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ با حضور گرم مسئولین، صاحب نظران حوزه فرهنگ و هنر، پژوهشگران، اساتید و مدیران و دانشجویان دانشگاه بین المللی سوره در فرهنگستان هنر با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه بین المللی سوره در دو نوبت صبح و عصر برگزار گردید.

در این همایش، دکتر مجید شاه‌حسینی، پژوهشگر، مدرس حوزه سینما و رئیس فرهنگستان هنر با ادای احترام و ارادت، خیرمقدم ویژه‌ای به حضار فرهیخته، دانشجویان، هنرجویان و جوانان شرکت‌کننده در این رویداد گفتند و بیان کردند که هدف اصلی این همایش، تبیین و بررسی نقش و جایگاه هنر در انقلاب اسلامی و اثرات آن بر جامعه است و تاکید داشتند که مخاطب اصلی این برنامه، جوانان و نسل آینده‌ساز کشور هستند که با همت جمعی، آینده‌ای بهتر برای ایران رقم خواهند زد. ایشان در ادامه، به تاریخچه‌ای از مفهوم هنر انقلابی اشاره نمودند و تصاویری



از میراث‌های خونین و ترسناک انقلاب‌های گذشته، مانند انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹، کاتاکومب‌های پاریس و کمون پاریس، که نمادهای خشونت و خونریزی هستند، ارائه دادند. ایشان معتقدند که در نگاه عمومی، هنر انقلابی اغلب با تصاویری تاریک، خونین و ترسناک همراه است که در آن، میراث‌های خونین و خشونت‌های انقلابی به عنوان جاذبه‌های توریستی و فرهنگی به نمایش گذاشته می‌شود، در حالی که این تصویر، نادرست و ناپسند است. در مقابل، دکتر شاه‌حسینی بر اهمیت نگاه متفاوت و انسانی به هنر انقلابی تأکید کردند و افزودند که در این همایش، از انقلابی رحمانی سخن گفته می‌شود؛ انقلابی که بر پایه ارزش‌های الهی، اخلاقی و انسانی استوار است، نه بر میراث خونین و خشونت‌آمیز. او به تاریخ فلسفه و حکمت اشاره نموده و بیان نمود که فلسفه در قرن نوزدهم، انسان را فاعل تاریخ و جبرگرایانه می‌دانست، اما انقلاب اسلامی ایران، با رویکردی متفاوت، تاریخ مقدس و تاریخ الهی را معرفی می‌کند؛ تاریخی که فاعل آن خداوند است و انسان‌های موحد، در مسیر اراده الهی، فصل جدیدی از تاریخ را رقم می‌زنند. ایشان بر تفاوت عمده تاریخ مقدس با تاریخ عرفی تأکید نمودند و بیان داشتند که در تاریخ مقدس، خدا فاعل است و آینده را می‌داند، نه گذشته و این تاریخ شامل آینده و قیامت است؛ از خلقت انسان تا روز قیامت و روایت قرآن نمونه‌ای از این نگاه است که از آینده و آخرالزمان سخن می‌گوید. ایشان همچنین به شهید آوینی اشاره نمودند که از «قرن پانزدهم هجری» سخن می‌گوید و معتقد است که انقلاب اسلامی، در این قرن رخ داده است؛ قرن‌ی که در آن، بسیجیان و جوانان، فرزندان قرن پانزدهم محسوب می‌شوند و آینده را این‌گونه می‌دیدند. در پایان، دکتر شاه‌حسینی بر اهمیت هنر دینی و شهادت‌محور تأکید و ابراز امیدواری نمودند که نسل جوان، با بهره‌گیری از فضای معنوی و الهی انقلاب اسلامی، هنر ناب و مبتنی بر فضایل اخلاقی را خلق کند. ایشان از زحمات و مقالات ارسال شده برای برگزاری این همایش قدردانی کردند و تأکید نمودند که هنر انقلاب، باید نماد فضایل انسانی و اخلاقی باشد و نتیجه تلاش و همت نسل جوان است.

آیین افتتاحیه نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ با حضور گرم مسئولین، صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و هنر، پژوهشگران، اساتید و مدیران و دانشجویان دانشگاه بین‌المللی سوره در فرهنگستان هنر با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه بین‌المللی سوره در دو نوبت صبح و عصر برگزار گردید.

در این همایش، دکتر بیژن عبدالکریمی، فلسفه‌دان و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی به معرفی و نقد وضعیت فرهنگی و هنری نسل جدید در ایران پرداختند و بر اهمیت خودآگاهی تاریخی و فرهنگی تأکید نمودند. ایشان ابتدا اشاره کردند که دعوت به سخنرانی در دانشگاه بین‌المللی سوره، برای نسل جوانی است که نسبتشان با انقلاب، اسلام، هویت تاریخی و میراث دینی و معنوی



سست شده است. او معتقد است که نسل‌های امروز در معرض شکاف تمدنی قرار دارند و باید این موضوع را در نظر گرفت. آقای عبدالکریمی، سه نقد اصلی را درباره هنر و هنرمندان نسل جدید مطرح کردند:

۱. نقد اول: بخشی از هنرمندان ایرانی در حوزه‌هایی مانند سینما، تئاتر و نقاشی، در آپاراتوس غربی تنفس می‌کنند. او مفهوم «آپاراتوس» را از نظریه پردازانی چون ژان لوی بودری و لویی آلتوسر نقل کرد. او گفت: آپاراتوس به نظامی اشاره دارد که تصاویر و روایت‌ها را ساخته و القا می‌کند و در واقع، سینما و رسانه‌های تصویری نقش این نظام را بازی می‌کنند. این نظام، روایت‌های مختلفی را بر اساس منافع خود تولید می‌کند و شخصیت‌ها و وقایع را به گونه‌ای شکل می‌دهد که در جهت منافع آن نظام باشد. او مثال‌هایی مانند زلنسکی را ذکر کرد که نظام آپاراتوس، آن‌ها را بسته به نیازهای سیاسی و رسانه‌ای، قهرمان یا دلقک می‌سازد. بنابراین، هنرمندان باید آگاه باشند که در این نظام قرار دارند و نباید اسیر آن شوند، چرا که جایزه‌ها و ارزش‌های هنری بر اساس معیارهای این نظام تعیین می‌شود، نه بر اساس ارزش‌های واقعی هنر.

۲. نقد دوم: او بیان کرد: نظام‌های معرفتی غربی، بر اساس نظریه شرق‌شناسی ادوارد سعید، انسان شرقی را تصویر می‌کنند که اسیر استبداد و احساسات منفی است، در حالی که انسان غربی، نماد تمدن، عقل و مدرنیته است. این نگاه، بر پایه کلیشه‌های نادرستی استوار است و در فرهنگ و هنر ما نفوذ کرده است. هنرمندان و نخبگان ایرانی باید از این عینک غربی بیرون بیایند و خود را با فرهنگ و هویت ایرانی ببینند، نه با مقولات غربی.

۳. نقد سوم: هنر معاصر ایرانی از بی‌تاریخی و بی‌خانمانی رنج می‌برد. او بر اهمیت پیوند عمیق میان هنر و تاریخ قوم تأکید نمود و گفت: هنرمند باید خودآگاهی تاریخی داشته باشد، یعنی بداند چه چیزی او را ایرانی می‌کند و چه عنصری در هنر ایرانی است که آن را متمایز می‌سازد. این خودآگاهی، حاصل

تجربه زیسته و شناخت عمیق از هویت و میراث فرهنگی است، نه فقط دانستن اطلاعات تاریخی سطحی. او همچنین نمونه‌هایی مانند معماری، موسیقی، عزاداری و ورزش‌های باستانی را ذکر کرد که نشان‌دهنده عناصر فرهنگی خاص ایرانی هستند و باید در هنر معاصر نیز تجلی یابند.

او در ادامه به بررسی و تحلیل عناصر بنیادین و هویتی ملت ایران پرداخت و تأکید نمود که سرآغازهای تاریخی و تجربیات بنیادی از هستی و جهان، قوام بخش لوگوس و خرد ایرانی هستند. او گفت که این عناصر در شعر و ادبیات بزرگانی مانند مولانا، حافظ، سنایی و عطار تجلی یافته و ملت ایران را از دیگر اقوام و فرهنگ‌ها متمایز ساخته است. او در ادامه بیان نمود که متأسفانه، نه دانشگاه‌ها، نه شبه‌روشنفکران، نه دانشکده‌های هنر و نه هنرمندان، به اندازه کافی به این مقولات مهم نپرداخته‌اند و هنوز در پی شناخت و تجربه عمیق این لوگوس و عالمیت تاریخی نیستند.

در پایان، دکتر عبدالکریمی بر ضرورت آگاهی و شناخت عمیق از هویت ملی و فرهنگی تأکید نموده و هشدار دادند که بدون این شناخت، هنر و فرهنگ ما در معرض خطر قرار دارند و نمی‌توانند نقش مؤثری در شکل‌گیری هویت ملی ایفا کنند. ایشان خواستار توجه هنرمندان و نخبگان به میراث فرهنگی و تاریخی ایران هستند تا بتوانند هنر اصیل و تأثیرگذاری خلق کنند که ریشه در هویت و تجربه تاریخی ملت دارد.

آیین افتتاحیه نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ با حضور گرم مسئولین، صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و هنر، پژوهشگران، اساتید و مدیران و دانشجویان دانشگاه بین‌المللی سوره در فرهنگستان هنر با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه بین‌المللی سوره در دو نوبت صبح و عصر برگزار گردید.

در این همایش، دکتر علی اصغر فهیمی فر، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس به بررسی و تحلیل عمیق مفاهیم مرتبط با هنر، انقلاب اسلامی و تئوری‌های فلسفی و فرهنگی پرداختند. ایشان با اشاره به اینکه پس از حدود ۴۵-۴۶ سال، هنوز به طور کامل درباره هنر انقلاب اسلامی فکر نشده است، تأکید نمودند که پرسش‌های اصلی ما باید درباره ماهیت هنر انقلاب، تراز آن و زیبایی‌شناسی آن



باشد. او گفت که هنر انقلاب باید ادامه‌دهنده ارزش‌های فکری و فرهنگی ایرانی-اسلامی باشد و فرم و زبان هنری آن باید برآمده از این ارزش‌ها باشد، اما متأسفانه هنوز پشتوانه تئوریک قوی و آثار هنری متناسب با این مبانی وجود ندارد.

او معتقد است که برای فهم صحیح هنر انقلاب، باید ابتدا تئوری و مبانی نظری انقلاب اسلامی را به خوبی تبیین کنیم. او بیان کرد که انقلاب اسلامی که مجدد اسلام است، هدف‌هایی مانند اخلاق و عدالت داشت، اما هنوز در تحقق کامل این اهداف و رفع مشکلاتی مانند اختلاف طبقاتی و نظام سرمایه‌داری غربی ناکام بوده است. او بر اهمیت داشتن یک مکتب نظری برای انقلاب و هنر انقلاب تأکید نمود، چرا که فرهنگ، پایه و زیرساخت تمدن است و بدون آن، هنر نمی‌تواند شکل بگیرد.

در ادامه، آقای فهیمی‌فر به نقش فلسفه و تئوری‌های نظری در شکل‌گیری تمدن و فرهنگ اشاره کرد و بیان داشت که در ایران، متأسفانه، فلسفه و نظریه‌پردازی در حوزه هنر و انقلاب کم‌رنگ است. او گفت که بسیاری از پایان‌نامه‌ها و تحقیقات در این حوزه فاقد چارچوب نظری مناسب هستند، زیرا این چارچوب‌ها بیگانه با مبانی انقلاب اسلامی است. او بر ضرورت توسعه فلسفه‌ای خاص برای فهم و تبیین زمان حال و آینده تأکید نمود و معتقد است که فلسفه باید بتواند نظام‌های عقلانی و نظریه‌های عملی برای حوزه‌های مختلف مانند شهر، رسانه، معماری و هنر ارائه دهد.

او همچنین به اهمیت معرفت‌شناسی و نقش فضای مجازی در انتقال معرفت اشاره و بیان کرد که ابزارهای ارتباطی جدید، مانند فضای مجازی، نیازمند الگوهای معرفتی و زیبایی‌شناسانه خاص خود هستند. او بر این باور است که در حال حاضر، ما در ابتدای راه توسعه نظریه‌های فلسفی و فرهنگی در حوزه هنر و انقلاب قرار داریم و باید از شعارهای کلی و سطحی پرهیز کنیم و به عمق مسائل بپردازیم.

در نهایت، دکتر فهیمی‌فر تأکید کردند که برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، نیازمند تفکر فلسفی عمیق و نظام‌مند هستیم که بتواند مبانی نظری و عملی لازم را فراهم کند.

آیین افتتاحیه نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ با حضور گرم مسئولین، صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و هنر، پژوهشگران، اساتید و مدیران و دانشجویان دانشگاه بین‌المللی سوره در فرهنگستان هنر با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه بین‌المللی سوره در دو نوبت صبح و عصر برگزار گردید.

در این همایش، دکتر محمدعلی رجبی، نویسنده، نگارگر و پژوهشگر حوزه فلسفه هنر به بررسی و تبیین مفهوم هنر انقلاب اسلامی پرداختند و تأکید نمودند که هنر انقلاب، هنری زنده و پویا است که نمی‌توان آن را به صورت کالبدشکافی و تحلیل مرده بررسی کرد. ایشان معتقدند که هنر انقلاب در قالب‌های ثابت و مرده قابل شناخت نیست، بلکه باید آن را در حال و هوای زمانه و در ارتباط با



صاحب آن، یعنی خداوند، شناخت. ایشان بر اهمیت شناخت ریشه‌های هنر انقلاب تأکید کردند و بیان داشتند که این هنر، ریشه‌دار و متعلق به زمان است و جهت کمال دارد، چراکه آینده‌نگر است و به سمت موعود حرکت می‌کند.

دکتر رجبی بر این باورند که انقلاب اسلامی، پیش از آنکه یک انقلاب سیاسی و اجتماعی باشد، یک انقلاب معنوی و روحانی است که از ملکوت و عالم غیب شکل گرفته است. بنابراین، شناخت هنر انقلاب باید به سرچشمه‌های آن در عالم ملکوت بازگردد و از صاحب آن، یعنی خداوند، سرچشمه گیرد.

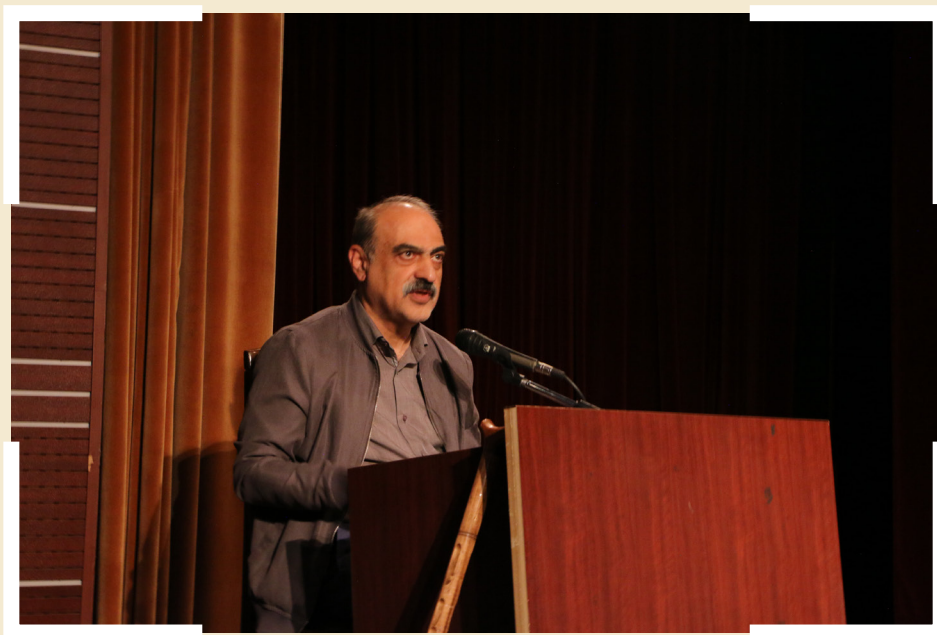
در ادامه، ایشان ویژگی‌های هنر مقاومت را برشمردند و گفتند که هنر انقلاب باید ریشه‌دار، در زمان حاضر، حضور فعال داشته باشد و جهت کمال و تحقق موعود، حرکت کند. ایشان بر اهمیت مقاومت، صبر، تقوا و عدم حسابگری در مسیر هنر انقلاب تأکید داشتند، زیرا این هنر باید در مقابل هر نوع هنر غیرانقلابی و ضداسلامی مقاومت کند و در مسیر تحقق کلمات الله و رسیدن به وحدت امت توحیدی قرار گیرد.

ایشان همچنین به نقش و اهمیت رهبر در هنر انقلاب اشاره نموده و گفتند که بدون رهبری، حرکت در مسیر حقیقت ممکن نیست و رهبر باید راهنمای اصلی باشد. ایشان بر عدم سازش و مقاومت در برابر دشمنان تأکید کردند و بیان داشتند که هنر انقلاب باید نماد حماسه و مقاومت باشد، همان‌طور که در تاریخ، جنگ‌ها و قیام‌های بزرگ، حماسه‌های عظیم آفریده شده است.

در پایان، دکتر رجبی بر این نکته تأکید نمودند که هنر انقلاب، هنر بیداری و آگاهی است، نه هنر سرگرمی و اوقات فراغت و باید در مسیر مهدویت حرکت کند. ایشان افزودند که هنر انقلاب، ارزش‌گذاری و قیمت‌گذاری ندارد و از آنجا که با حقیقت مرتبط است، نمی‌توان آن را با معیارهای معمولی سنجید. در نهایت، ایشان بیان نمودند که هنر انقلاب، هنری است زنده، جاوید و متصل به حقیقت که باید در جهت تحقق وعده‌های الهی قرار گیرد.

آیین افتتاحیه نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ با حضور گرم مسئولین، صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و هنر، پژوهشگران، اساتید و مدیران و دانشجویان دانشگاه بین‌المللی سوره در فرهنگستان هنر با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه بین‌المللی سوره در دو نوبت صبح و عصر برگزار گردید.

در این همایش، دکتر احمدرضا معتمدی، کارگردان و فیلمنامه‌نویس به بررسی وضعیت هنرهای نمایشی، سینما و ادبیات نمایشی در ایران و جهان پرداختند و بر مشکلات و چالش‌های موجود در این حوزه تأکید نمودند. او وضعیت فعلی این هنرها را «دراماتیک» توصیف کرد و معتقد است که این وضعیت، ناشی از ضعف‌های عمده در آموزش، پژوهش و تولیدات هنری است.



او اشاره کرد که فعالیت‌های صورت‌گرفته در این حوزه غالباً فاقد دانش عمیق از تاریخ و ادبیات نمایشی است، به‌ویژه در زمینه سینما که تنها ۱۲۰ سال قدمت دارد و بسیاری از فیلم‌های قدیمی و آثار مهم آن نادیده گرفته شده‌اند. او بر اهمیت شخصیت‌پردازی در آثار نمایشی تأکید داشته و بیان نمود که در بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های معاصر، شخصیت‌ها به‌طور سطحی و بدون تاثیرگذاری عمیق ارائه می‌شوند، در حالی که نمونه‌های جهانی مانند فیلم‌های سر توماس مور یا شخصیت‌های تاریخی در سینما نشان می‌دهد که شخصیت‌پردازی قوی می‌تواند اثرگذاری و ماندگاری اثر را تضمین کند. او همچنین، به نقش قرآن و متون دینی در غنی‌سازی ادبیات نمایشی اشاره کرد و گفت که در قرآن، شخصیت‌های متعددی مانند موسی، هارون، فرعون و سامری وجود دارند که هرکدام نمادهای قوی از مفاهیم انسانی، دینی و اجتماعی هستند، اما در آثار نمایشی ما این شخصیت‌ها به‌صورت سطحی و کم‌اثر نمایش داده می‌شوند. او بر اهمیت تحلیل و بررسی داستان‌های قرآنی و شخصیت‌های پیامبران تأکید نمود و معتقد است که این داستان‌ها در ساختار نمایشی بسیار غنی و پریتانسیل هستند، اما در ادبیات نمایشی ما کمتر به آن‌ها توجه شده است.

آقای معتمدی، همچنین به نمونه‌هایی از ادبیات کلاسیک و اسطوره‌های ایرانی و بین‌المللی اشاره نمودند، مانند اسطوره گیلگمش که اخیراً کشف شده و نشان می‌دهد که ادبیات ایرانی در این حوزه غنی است، اما متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

او در ادامه به مشکلات اجرایی و فنی در تولید آثار هنری اشاره داشت، از جمله ناتوانی در ترجمه مفاهیم ادبی و فلسفی به زبان سینما، مانند مفهوم «تعلیق» که در فیلم‌سازی اهمیت دارد. او معتقد است که بسیاری از کارگردانان و محققان درک درستی از عناصر ادبیات نمایشی ندارند و نمی‌دانند چگونه باید مفاهیم عمیق را در قالب ساختارهای دراماتیک و تصویری پیاده کنند. وی بر اهمیت

پرسشگری و تحقیق در فرآیند تولید اثر تأکید داشته و گفت که باید قبل از ساخت، هدف و پیام اثر مشخص شود و سپس آن را به زبان سینما ترجمه کرد، نه اینکه صرفاً بر اساس کلیشه‌ها و امکانات فنی کار را پیش برد.

او همچنین به وضعیت نقد هنری و رسانه‌ای اشاره و بیان کرد که در فضای فعلی، نقد آثار هنری محدود و محدودکننده است و جرات نقد کردن وجود ندارد، زیرا این کار نوعی مخالفت با نظام تلقی می‌شود. او تأکید کرد که باید به جای تقلید از هنر غربی، به میراث فرهنگی و ادبیات غنی خودمان رجوع کنیم و از آن بهره‌مند شویم، چون ادبیات و اساطیر ایرانی و اسلامی سرشار از مفاهیم عمیق و پتانسیل‌های نمایشی است که هنوز به درستی کشف و بهره‌برداری نشده است. در پایان، دکتر معتمدی بر اهمیت شناخت و درک صحیح عناصر ادبیات نمایشی، از جمله شخصیت‌پردازی، پیرنگ، زمان و مکان و عناصر تصویری و صوتی در سینما تأکید نمودند. ایشان بیان داشتند که باید زبان هنرهای مختلف را به درستی فهمید و ترجمه کرد، مانند نور در نقاشی، دکوپاژ در سینما و عناصر دیگر، تا بتوان اثر هنری را به شکل مؤثر و اثرگذار ارائه داد. ایشان انتقاد داشتند که بسیاری از هنرمندان و کارگردانان، به جای تمرکز بر مفاهیم عمیق و میراث فرهنگی، صرفاً به ظاهر و امکانات فنی بسنده می‌کنند و این باعث می‌شود هنر ما از عمق و غنای واقعی فاصله بگیرد. دکتر معتمدی، همچنین بر ضرورت مطالعه و شناخت کامل ادبیات، اساطیر و فلسفه‌های فرهنگی تأکید داشتند تا هنرهای نمایشی بتوانند جایگاه واقعی خود را بیابند و اثرگذاری عمیق‌تری داشته باشند.

آیین افتتاحیه نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ با حضور گرم مسئولین، صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و هنر، پژوهشگران، اساتید و مدیران و دانشجویان دانشگاه بین‌المللی سوره در فرهنگستان هنر با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه بین‌المللی سوره در دو نوبت صبح و عصر برگزار گردید.

در این همایش، دکتر سیدغلامرضا اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی سوره در ابتدای سخنان خود بیان کردند که صحبت‌های صبح از زوایای مختلف به موضوع همایش (هنر انقلاب اسلامی) مرتبط و غنی‌کننده بوده، اما بسیار متفاوت نیز بوده‌اند.

ایشان با نگاهی مدل‌سازی، بخش عمده‌ای از توصیفات و مسائل مربوط به هنر انقلاب اسلامی را به «هنرمند مسلمان» یا «هنرمند اخلاق‌مدار» ربط دادند و سوال کردند که انسان هنرمند، مسلمان و انقلابی کیست. سپس از دیدگاه



هستی‌شناسانه، انسان را یکی از عوامل محیطی دانستند.

در مدل مورد نظر دکتر اسلامی به «روحیه نقادانه نسبت به انقلاب اسلامی و هنر انقلاب اسلامی» پرداخته شد. او اذعان داشت که هنر انقلاب اسلامی را نفی نمی‌کند، بلکه به دنبال دلایل امتداد و تاثیرگذاری روزافزون آن و همچنین دلیل دیده شدن بیشتر این حرف‌ها نسبت به گفتارهای پیشین بنگاه‌های رسانه‌ای است. او معتقد است که باید به مواردی که شاید نادیده گرفته می‌شوند، توجه کرد تا نقد بهتری صورت گیرد.

سپس، دکتر اسلامی مدلی را به عنوان «معماری اندیشه» معرفی نمودند که از دیالکتیک هگلی آغاز شده و به تز و آنتی‌تز مارکس و انگلس می‌رسد که در نهایت به سنتز منجر می‌شود. ایشان بیان کردند که این رویکرد دیالکتیکی در بسیاری از گفتارها، به خصوص هنگام صحبت درباره اسلام، دیده می‌شود که لازمه آن وجود چیزی در مقابل اسلام است تا برخورد کرده و سنتز صورت پذیرد. ایشان به مثالی از آقای دینانی اشاره کردند که تاریکی را ضد روشنایی می‌دانست، در حالی که از نظر مدل‌سازی، تاریکی وجود ندارد و عدم حضور نور است. همچنین به دیدگاه فیلسوفانی اشاره نمودند که همه چیز را نور می‌دانند. او بیان کرد: نکته دیگر، رد مدل «این یا آن» است که در بسیاری از مباحث ما حاکم است و ما را به انتخاب بین دو چیز مطلوب و نامطلوب وادار می‌کند. این منطق، شبیه منطق صفر و یک ریاضی یا سیاه و سفید است. او به اصلاح این منطق از طریق «فازی لاجیک» (منطق فازی) توسط شولا اشاره نمود که معتقد بود بین سفید و سیاه، طیف وسیعی از رنگ‌ها وجود دارد.

سپس، به دیدگاه متفکران متاخر مانند دلوز و دریدا و تفکر افقی (ریزوماتیک) اشاره شد که برخلاف منطق «این یا آن»، دو متضاد را شکسته و به «چندی» تبدیل کرده و هارمونی ایجاد می‌کنند. او گفت که این رویکرد در علوم اجتماعی و مفهوم «چند صدایی» در مقابل «تک صدایی» مطرح شده است. در ادامه، دکتر اسلامی به دنیای امروز و دنیای سوم الکترونیک اشاره داشتند

و تاثیر افکار فوکو و «فوکوئیسم» را بر آن بیان نمودند. ایشان به مفهوم «هتروتوپیا» (ناکجاآباد) فوکو در مقابل «یوتوپیا» (مدینه فاضله) اشاره کرده و آن را ناکجاآبادی تعریف نمودند که مکانش معلوم نیست، اما قرار است اتفاق بیفتد. ایشان خوشبینانه این رویکرد را به اشتیاق جوانان برای چیزهای جدید و آینده‌نگری در دنیای امروز ربط دادند، جایی که اختراعات و ابداعات بدون پشتوانه تاریخی و صرفاً نوآورانه هستند.

با این مقدمات، دکتر اسلامی به انقلاب اسلامی ایران و مفاهیم «جمهوری»، «انقلاب» و «اسلام» پرداختند و اولین بار در انقلابی که رویکرد «نه این نه آن، بلکه چیز دیگر» حاکم است را مثبت ارزیابی نمودند. ایشان پیشنهاد دادند که اسلام را به گونه‌ای تعریف کنیم که همه چیز را در بر گیرد، همانطور که علما علم را جدا از



کشف و ارتباط با خدا نمی‌دانند. ایشان بر عدم قطب‌بندی و ایجاد جامعه‌ای فراگیر که در آن همه چیز دیده شود، تاکید نمودند.

دکتر اسلامی رویکرد «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» را بسیار روشنفکرانه و مناسب دنیای امروز و انسانی که از گفتمان‌های تکراری خسته شده، بیان نمودند. ایشان تفکر افقی را راهگشا و موثرتر از اتصال نقطه به نقطه در پازل‌ها می‌دانند و آن را جایگزینی برای مسیریابی‌های پیچیده و کلک‌آمیز توصیف نمودند. ایشان تفکر افقی را علمی می‌دانند که به جای تمرکز بر کانتکس (زمینه)، به کانتنت (محتوا) می‌پردازد.

او با اشاره به برنامه ریزان و مدیران، از آنان خواست که به جای «جاده کشیدن» و «ریل‌کشی» (مدل‌های سنتی)، قدرت را در واحدهای در حال توسعه متمرکز کنند تا خودشان قادر به تنظیم و انتخاب مسیر در شرایط مختلف باشند. او گفت که این مدل بر پایه آینده پژوهی و ابداعاتی است که در دنیای امروز شکل می‌گیرد، مانند شارژر موبایل بر اساس تپش قلب یا تولید انرژی از حرکت.

در ادامه، دکتر اسلامی مفهوم «یا این یا آن» را ضعیف‌تر دانسته و بر قوی‌تر بودن مدل «هم این و هم آن» تاکید کردند. او به نوار موبیوس اشاره کرده و بیان داشت که انسان، با توانایی اتصال پشت و روی نوار (حقیقت و واقعیت) و ایجاد خلاقیت، ذاتاً هنرمند و دانشمند است. وی معتقد است که نباید تشکیلاتی هرمی ساخت که عده‌ای در راس و عده‌ای در پایین باشند.

مدل اسلامی، به عقیده وی، افقی و جامع است و هر ذره هستی دارای ارزش و جایگاه خاص خود است. او با اشاره به منطق پیرس و عطار، بر شناخت و شفافیت از طریق درک تفاوت‌ها تاکید نمود و این را با لنز دوربین مقایسه نمود که با چرخش، ابهامات را از بین می‌برد. او مفهوم «سیمرغ» و رسیدن به بلوغ و خلوص را مثال زد که در آن، ۳۰ مرغ باید باشند تا سیمرغ را ببینند. وی مفهوم «وحدت» را با «واحد» متفاوت دانسته و «وحد» را کثرتی معنا دار و افقی می‌داند که در آن تنوع و عام و خاص وجود ندارد.

در ادامه، او به قدرت محض شیری که روی پرچم‌هاست اشاره کرده و آن را در مقابل پدیده‌های کوچکتر مانند مگس ناتوان می‌داند، در حالی که در طبیعت همه چیز افقی است و بالا و پایین ندارد. انسان نیز با ائتلاف در طبیعت می‌تواند تعالی یابد. وی در ادامه به «سرصدا» و «آنارشیسم رفتاری» در جامعه بشری اشاره کرده و آن را ناشی از چندصدایی بدون رهبری و نظم می‌داند، که در دنیای هوش مصنوعی نیز با هدایت عمدی این گیجی و سرصدا، «کانسپچوال تله پاتی» دنبال می‌شود.

او همچنین به تجربه خود در مدیریت‌های هنری در دوران انقلاب و نزدیک بودن به هنرها اشاره نمود و معتقد است که مدیریت هنری نباید صرفاً گذشته‌نگر، سامان‌دهنده اغتشاشات، یا فقط آینده‌نگر باشد، بلکه باید «آینده‌نگار» باشد؛ یعنی از آینده به حال نگاه کند و دارای چشم‌اندازی فوق‌العاده باشد. او تجربه خود در دفتر آثار جنگ و کار با هنرمندان را نمونه‌ای از آینده‌نگری می‌داند که «فاینالیستی» یا کشش از آینده، آن‌ها را به جلو می‌برد.

در نهایت، دکتر اسلامی، انقلاب اسلامی ایران را «هتروتوپیک» و هوشمندانه توصیف نمودند که در دنیای امروز راهگشاست و ناکجاآبادی را طرح می‌کند که نباید آن را کوچک یا تعریف کرد، بلکه باید اجازه داد تا تصورات بهتری پشت آن شکل بگیرد و کشش ایجاد کند. ایشان با اذعان به خراب کردن و کوچک کردن موضوع، اشاره کردند که راهکارهایی در کتابی تقریر شده وجود دارد که به شفاف‌سازی معیارهای سنجش و ارزشیابی کمک می‌کند. ایشان اتفاقات تا کنون را بسیار هوشمندانه دیده و معتقد است مدیران باید آینده‌نگر باشند و ببینند این اتفاقات نه تنها برای ما، بلکه برای جهان که با اعتراضات و نیاز به معرفت روبرو است، چه پاسخی دارد. دکتر اسلامی، توسعه اسلام انسان‌ساز را در همین اعتراضات دیده و معتقد است انسان‌ها در حال مسلمان‌تر شدن هستند.

آیین افتتاحیه نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ با حضور گرم مسئولین، صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و هنر، پژوهشگران، اساتید و مدیران و دانشجویان دانشگاه بین‌المللی سوره در فرهنگستان هنر با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه بین‌المللی سوره در دو نوبت صبح و عصر برگزار گردید.

در این همایش، دکتر شهریار زرشناس، عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی سوره درباره امکان‌پذیری هنر انقلاب اسلامی و تفاوت‌های آن با هنرهای مدرن و غربی سخنرانی کردند. ایشان در ابتدا به چالش‌هایی اشاره کردند که در نظام دانشگاهی ایران درباره وجود هنر انقلاب اسلامی مطرح است، از جمله ادعای برخی اساتید، مبنی بر عدم وجود چنین هنری در نظام آموزش عالی کشور و همچنین در میان اندیشمندان و فلسفه‌پژوهان که معتقدند فلسفه اسلامی تنها حاشیه‌ای بر فلسفه یونانی است یا اینکه در جهان عرب و فارسی‌زبانان،



فلسفه اسلامی وجود ندارد. او گفت: پاسخ این ادعاها بر اساس تفسیرهای متفاوت از وجود و معرفت است؛ مثلاً فارابی در فلسفه اسلامی، وجود را متفاوت از تفسیر ارسطو ارائه می‌دهد و این تفاوت در ماهیت فلسفه اسلامی با فلسفه غربی است.

او سپس به موضوع هنر اسلامی و هنر انقلاب اسلامی پرداخت و معتقد است روایت رایج درباره هنر اسلامی که توسط مستشرقین ارائه شده، فاصله زیادی از حقیقت دارد. او دو منظر برای بررسی هنر انقلاب اسلامی مطرح نمود: یکی اینکه باید واقعیت‌های آنچه در هنرهای تجسمی، موسیقی، شعر و رمان رخ داده است را دید و مقایسه کرد با هنرهای تاریخی و غربی و دیگری اینکه باید منابع معرفتی و نظریه‌های زیربنایی این هنر را بررسی کرد. او تأکید نمود که هنر انقلاب اسلامی، با هنرهای قرون وسطی، رنسانس و هنرهای مدرن تفاوت اساسی دارد و این تفاوت، ناشی از واقعیت‌های عینی و منابع معرفتی متفاوت است.

در ادامه، او عناصر ساختاری و مفهومی مکتب‌های هنری مانند رئالیسم، ناتالیسم و دیگر مکتب‌های هنری را توضیح و نشان داد که هر مکتب هنری بر اساس عناصر خاصی شکل گرفته است. او گفت: برای مثال، ناتالیسم بر درک خاصی از انسان، زیبایی، واقعیت و خیال تأکید دارد و رئالیسم بر تفسیر انسان در نسبت با جامعه و اجتماعیات تأکید می‌کند. او همچنین به تفاوت‌های مفهومی در تعریف واقعیت در دوره‌های مختلف تاریخی اشاره نمود، از جمله اینکه در قرون وسطی، واقعیت به کلیات و امر کلی مربوط می‌شد، ولی در غرب مدرن، واقعیت به امر محقق و پوزیتیو محدود شده است.

آقای زرشناس همچنین به نقش انقلاب اسلامی در بیداری و بازسازی ظرفیت‌های فرهنگی و هنری ایرانی-اسلامی اشاره کردند و افزودند که این انقلاب، نه یک حرکت مدرن سکولار و نه یک سنت صرف، بلکه ماهیتی خاص و متفاوت دارد. او تأکید کرد که این انقلاب، برخلاف انقلاب‌های مدرن غربی، آرمان‌گرا و یقین‌گرا است و بر اساس باور به حقیقت و معنای مطلق استوار است.

بنابراین، هنر انقلاب اسلامی نیز بر پایه این درک عمیق از حقیقت و خیال ساخته شده است و در آن عناصر مفهومی و فلسفی خاصی تجلی یافته است. او بر این نکته تأکید کرد که هر مکتب هنری، عناصر مفهومی خاص خود را دارد و هنر انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و باید بر اساس مولفه‌های خاص خود تحلیل و تفسیر شود. این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که هنر انقلاب اسلامی، با توجه به شرایط عینی و منابع معرفتی متفاوت، ماهیتی جداگانه دارد و نمی‌توان آن را صرفاً نسخه‌ای از هنرهای غربی یا هنرهای سنتی دانست. او در ادامه به تاریخچه تفکر غربی درباره واقعیت اشاره کرد، از جمله فلسفه‌های تجربه‌گرای جان لاک و دیوید هیوم، که واقعیت را صرفاً تجربه‌های سوژه در مواجهه با جهان می‌دانند و در نتیجه، واقعیت در این نگاه، سطحی و بیرونی است. برعکس، در تفکر اسلامی، واقعیت چندلایه و باطنی است و نظام هستی به گونه‌ای است که باطن و ظاهر آن در هم تنیده‌اند. او نمونه‌هایی از نقاشی‌های هنرمندان انقلاب را ذکر کرد که در آن‌ها واقعیت دو سطحی و چندلایه به تصویر کشیده شده است.

در بخشی دیگر، آقای زرشناس به کم‌توجهی و ضعف در تدوین مبانی نظری هنر انقلاب اسلامی اشاره و بیان کردند که این هنر هنوز به صورت منسجم و علمی تبیین نشده است، در حالی که نمونه‌هایی مانند سورئالیسم و دیگر جنبش‌های هنری غرب نشان می‌دهد که چنین مبانی می‌تواند شکل بگیرد. او بر ضرورت شناخت و تبیین این عناصر و مؤلفه‌ها تأکید نمود تا بتوان هویت و ارزش‌های خاص هنر انقلاب اسلامی را بهتر درک و ترویج کرد.

او همچنین به نقش رسانه‌ها و هنر در شکل‌گیری هویت فرهنگی اشاره داشت و بیان نمود که نبود مبانی نظری قوی، منجر به سطحی‌نگری و تکنیک‌زدگی شده است. او گفت که این وضعیت، نتیجه ضعف در تئوری و نظریه‌پردازی است که باعث شده است فعالیت‌های فرهنگی و هنری بیشتر مبتنی بر تقلید و سطحی‌نگری باشد، نه بر مبانی عمیق فلسفی و نظری.

او بر تفاوت‌های مفهومی و عملی هنر انقلاب اسلامی با هنرهای غربی تأکید کرد و افزود که این هنر، درک متفاوتی از انسان، زیبایی، واقعیت و خیال دارد. او همچنین از تأثیرات فلسفی و عرفانی، مانند سهروردی و مفاهیم عالم خیال، بر هنر و ادبیات انقلاب سخن گفت و اشاره کرد که این تفکرات، افق‌های جدیدی برای درک و تفسیر هنر و جهان ارائه می‌دهند.

در پایان، دکتر زرشناس از اینکه خودشان نیز در این مسیر، زمان زیادی صرف نموده و در این زمینه صحبت‌هایی داشته‌اند، ابراز رضایت کردند و از حاضران تشکر نمودند. ایشان تأکید کردند که برای ارتقاء و توسعه هنر و فرهنگ انقلاب اسلامی، نیازمند تبیین و تدوین مبانی نظری قوی و علمی هستیم تا بتوانیم هویت و ارزش‌های خاص این هنر را بهتر درک و ترویج کنیم.

آیین افتتاحیه نخستین همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ با حضور گرم مسئولین، صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و هنر، پژوهشگران، اساتید و مدیران و دانشجویان دانشگاه بین‌المللی سوره در فرهنگستان هنر با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه بین‌المللی سوره در دو نوبت صبح و عصر برگزار گردید.

در این همایش، دکتر حسن رحیم‌پورازغدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی به موضوع هنر انقلاب اسلامی و اهمیت گفتگو و مناظره در این حوزه پرداختند و بر ضرورت شفاف‌سازی و نقد در این زمینه تأکید نمودند. ایشان معتقدند که فرهنگ هنر باید به صورت فعال در حوزه نقد و گفتگو حضور داشته باشد و از مناظره‌های رسمی که ممکن است منجر به تعصب و محافظه‌کاری شوند، پرهیز کند و به جای آن بر مباحثه و گفتگوهای آزاد تأکید داشتند. او بر اهمیت بررسی و تعریف دقیق مفهوم هنر انقلاب اسلامی تأکید داشت و



افزود که هنوز در این زمینه ابهامات و اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. بسیاری از مخالفان و موافقان در این حوزه، دغدغه‌های سیاسی، منافع شخصی و ابهامات در صورت مسئله را عامل مشکلات می‌دانند و معتقدند که نیاز است این موضوعات به صورت مستمر و عمیق مورد بحث قرار گیرند تا بتوان به پاسخ‌های مناسب رسید.

آقای رحیم‌پور همچنين به نقش نهادهای فرهنگی مانند فرهنگستان هنر و دانشگاه سوره اشاره کردند و بیان نمودند که این نهادها باید در سیاست‌گذاری، نقد هنری و بررسی نظام آموزشی در حوزه هنر فعال باشند. او بر اهمیت ارزیابی کارایی و اثربخشی این نهادها نسبت به رقبای داخلی و خارجی تأکید کرد و افزود که باید فرصت‌های بیشتری برای بیان نظرات و نقدهای دانشجویان و اساتید فراهم شود.

در ادامه، او به تاریخچه نهادهای فرهنگی پس از انقلاب اشاره نموده و توضیح داد که شکل‌گیری این نهادها در پاسخ به نیازهای انقلاب و جلوگیری از انحرافات بوده است. او بر اهمیت حفظ سنت‌های صالحه و ارزش‌های اسلامی در کنار اصلاح و توسعه هنر تأکید داشته و گفت که اسلام در دوره‌های مختلف، سنت‌های مثبت را تایید و سنت‌های منفی را منهدم کرده است.

او همچنین به نمونه‌هایی از تاریخ اسلام و پیامبر اسلام اشاره کرد و نشان داد که اصلاحات باید تدریجی و با در نظر گرفتن بسترهای موجود انجام شود. او بر ضرورت تفکیک شرک و خرافات از اصل توحید تأکید نموده و معتقد است که باید با قاطعیت، سنت‌های منفی و شرک‌آمیز را منهدم کرد، همان‌طور که پیامبر اسلام این کار را انجام داد.

آقای رحیم‌پور بر اهمیت اصلاحات تدریجی در جامعه و مبارزه با مفاسد مانند شراب، قمار و برده‌داری تأکید داشتند و افزودند که اسلام برای اصلاح این موارد، راهکارهای عملی و تدریجی ارائه داده است و در این مسیر، باید از روش‌های قاطع و منطقی بهره برد تا جامعه به سمت تعالی و ارزش‌های اسلامی حرکت کند.

در ادامه، او به بررسی مفاهیم مرتبط با هنر، فرهنگ و فلسفه زندگی در چارچوب اسلام و نگاه دینی پرداخت و تأکید داشت که هنر اسلامی باید بر اساس اهداف و ارزش‌های دینی شکل گیرد. او ابتدا به مقایسه وضعیت هنر و علوم انسانی در جامعه کنونی اشاره و بیان کرد که در حوزه‌های مختلف مانند سینما، رمان، معماری، شهرسازی، رسانه، ارتباطات، دیپلماسی و اقتصاد، با چهار مسئله اصلی مواجه هستیم که باید آن‌ها را به درستی تشخیص دهیم.

او معتقد است که هر نوع هنر و فرهنگ باید معنای واقعی دین و اسلام را در بر داشته باشد، اما در عمل، تعاریف مختلف از هنر دینی باعث ابهام و اختلاف نظر شده است. او بر این باور است که اسلام سه ضلع دارد: علم، اراده و قدرت و هدف آن رشد و تکامل انسان است. قرآن نیز انسان را در مسیر سلوک و حرکت دائمی به سمت خداوند می‌بیند و زندگی را مرحله‌ای مقدمه برای ملاقات با خدا می‌داند. او بر اهمیت فهم صحیح رابطه انسان با جهان، خدا و دیگران تأکید نموده و معتقد است که هنر انقلابی و اسلامی باید فلسفه زندگی، مرگ و رابطه انسان با ابدیت را به درستی نشان دهد. او بیان کرد که رنج و سختی‌های زندگی، که در قالب مفهومی مقدس و هدف‌دار قرار می‌گیرد، نقش مهمی در این مسیر دارند؛ همان‌طور که ورزشکاران برای قهرمانی باید موانع را تحمل کنند، انسان نیز باید در مسیر رشد، با موانع و رنج‌ها مواجه شود تا به کمال برسد.

آقای رحیم‌پور به نقش شیطان و شیطنت در زندگی اشاره و بیان کردند که شیطان در واقع کار خداست و وجودش برای آزمون و تربیت انسان است، نه شر مطلق. او همچنین به نقد هنرهای غربی و سکولار پرداخت و معتقد است که هر اثر هنری، چه فیلم، چه نقاشی، چه ادبیات، بر مبنای ایدئولوژی و جهان‌بینی خاصی ساخته می‌شود و هیچ اثر بی‌ایدئولوژی وجود ندارد.

او بر این نکته تأکید داشت که هنر، همواره حامل پیام و ایدئولوژی است و نمی‌توان اثر هنری را بی‌طرف دانست. حتی در هنرهای تخیلی و علمی-تخیلی، مفروضات فلسفی و اخلاقی نقش دارند. بنابراین، تفکیک بین هنر اسلامی و

غیراسلامی، تنها بر اساس محتوا و هدف است و تکنیک‌های هنری در این میان نقش ثانویه دارند.

او همچنین بر اهمیت ارتباط هنر با مبانی توحید، اخلاق و معنویت تأکید کرد و معتقد است که هنر باید در خدمت تعالی انسان و آماده‌سازی او برای ملاقات با خدا باشد. او نقد کرد که جریان‌های هنری و سینمایی غربی و سکولار، عرصه هنر را متعلق به جریان‌های خاص می‌دانند و هنر را ابزار قدرت و سیاست می‌دانند، نه وسیله‌ای برای رشد معنوی انسان.

در ادامه، او به نقش هنرمند و شاعر در جامعه اشاره و بیان کرد که هنرمندان باید بر مبنای ایمان و عقیده، اثر تولید کنند و تأکید نمود که هنر باید در خدمت ارزش‌های اسلامی و انسانی باشد و هر اثر بدون پشتوانه ایدئولوژیک، بی‌ارزش است.

آقای رحیم‌پور به نقش هنرمندانی مانند شهید آوینی اشاره داشتند که هنر و ذوق خود را در راه هدف متعالی قرار داده‌اند و در مقابل فشارهای فرهنگی و سیاسی مقاومت کرده‌اند. او معتقد است که هنرمند باید بر مبنای ایدئولوژی و ارزش‌های اسلامی اثر خلق کند و از هرگونه تأثیرپذیری از فرهنگ غربی پرهیز کند. او همچنین بر اهمیت ترجمه و نقد مکاتب هنری غربی در دانشگاه‌ها تأکید داشت تا بتوانیم درک صحیح‌تری از هنر و فرهنگ داشته باشیم و از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری کنیم.

در ادامه، به نقش و تأثیر هنر در ساختن هویت ملی و سلطه‌پذیری اشاره شد. او بیان کرد که کشورهای غربی با استفاده از هنر و رسانه‌ها توانسته‌اند فرهنگ و زبان خود را بر دیگر ملت‌ها تحمیل کنند و احساس برتری و سلطه‌پذیری را در آن‌ها ایجاد کنند. این فرآیند، نمونه‌ای از سلطه فرهنگی است که از طریق هنر و رسانه‌ها انجام می‌شود و باید در مقابل آن هوشیار بود.

او همچنین اهمیت تولید آثار هنری متعهد و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی را بازگو کرد که هنر باید در خدمت توسعه و تمدن اسلامی باشد. او معتقد است

که برای نهادینه کردن مکتب هنری انقلابی، باید از موانع و مشکلات عبور کرد و در مقابل فشارهای فرهنگی و اقتصادی ایستادگی نمود. او همچنین هشدار داد که اگر این مسیر طی نشود، ممکن است در آینده شاهد شکست و تضعیف فرهنگ و هنر اسلامی باشیم، همان‌طور که در گذشته، در مقابل حمله‌های فرهنگی، مقاومت لازم صورت نگرفته است.

او به نقد و بررسی مفهوم هنر و هدف آن از دیدگاه اسلامی و انقلابی پرداخت و تفاوت‌های اساسی بین هنر غربی و هنر اسلامی را توضیح داد. او معتقد است هدف اصلی هنر در نگاه اسلامی، تکامل و رشد معنوی انسان است، نه صرفاً لذت‌طلبی، سودآوری یا سلطه‌جویی که در هنر غربی و سرمایه‌داری رایج است. در نگاه غرب، هنر وسیله‌ای برای لذت، سود و قدرت است و هیچ توجهی به ابعاد معنوی، اخلاقی و روحانی انسان ندارد، بلکه ابزار ترویج لذت‌های مادی و بهره‌برداری است.

آقای رحیم‌پور بر این نکته تأکید داشتند که در هنر انقلابی و اسلامی، هدف خود انسان است؛ یعنی رشد معنوی، تقرب به خدا و آماده‌سازی برای ملاقات با او. وی معتقد است که هر فرد در مسیر سلوک و ملاقات با خدا، با وجهی از خداوند مواجه می‌شود، چه رحمانی و چه جلالی و هنر باید موانع این مسیر را برطرف کند. هنر دینی باید بر اساس اهداف دینی، باورهای صحیح، اخلاق و سبک زندگی اسلامی ساخته شود و از ابزارهای شیطانی و سودجویانه پرهیز کند.

او به نقش لذت و شهوت در زندگی انسان، اشاره و بیان کرد: شهوت، نعمت و گزینه‌ای است که خداوند آن را در انسان قرار داده است و باید آن را مدیریت کرد، نه سرکوب یا رهاسازی بی‌قید و شرط. هنر اسلامی باید لذت را در خدمت رشد و تعالی انسان قرار دهد، نه در خدمت سود و شهوت‌پرستی سرمایه‌داری. در این راستا، او نمونه‌هایی از هنرهای غربی مانند فیلم‌های ترسناک و ژانرهای مختلف را نقد کرد که هدفشان بهره‌برداری از غرایز انسانی برای سودآوری است و معتقد است این نوع هنرها باعث تضعیف خانواده و اخلاق جامعه می‌شوند.

او در ادامه به تبیین مفاهیم مرتبط با اقتصاد، هنر، و علوم از دیدگاه اسلامی و

انقلابی پرداخت. او ابتدا بر اهمیت عقلانیت و شرع در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأکید و بیان کرد: هر تصمیمی که برخلاف عقل و شرع باشد، چه از نظر قانونی و چه از نظر شرعی گناه محسوب می‌شود؛ مثلاً ساختن ساختمان بر اساس عقل و تجربه باید مطابق شرع باشد، در غیر این صورت منجر به سقوط ساختمان و گناه شرعی است. او همچنین به مشکلاتی مانند آلودگی هوا، ترافیک، بروکراسی اداری و ظلم‌های اجتماعی اشاره داشت و معتقد است این‌ها همگی ظلم و گناه شرعی هستند که باید توسط هر فردی که توانایی دارد، مقابله شود.

او همچنین به نقد اقتصاد غربی پرداخت و گفت: اقتصاد اسلامی باید علاوه بر سود، بر اخلاق و عدالت نیز تأکید داشته باشد. او سود مشروع و عادلانه را ضروری دانست و معتقد است که اقتصاد باید هم عقلانی و علمی باشد و هم اخلاقی، در غیر این صورت، سودآوری بدون اخلاق، تنها به ضرر دیگران است. او نمونه‌هایی از کارهای اقتصادی و اجتماعی را ذکر کرد که در صورت نبود اخلاق، حتی اگر از نظر علمی صحیح باشند، ناپسند و غیرقابل قبول هستند.

در بخش دیگری از همایش، به نقش علوم و فناوری‌ها اشاره و بیان شد: هر ابزار و تکنولوژی در صورت استفاده نادرست، می‌تواند ضررهای جسمی و روحی به انسان و جامعه وارد کند. او تأکید کرد که ابزارها حلال هستند، مگر آن‌که اثبات شود استفاده نادرست از آن‌ها به ضرر انسان است و در این صورت حرام می‌شوند. او همچنین بر اهمیت نگاه جهت‌دار و مبنایی در هنر و تکنولوژی تأکید داشت و گفت: هر تکنیک یا ابزار باید بر اساس اثرات و نتایج آن ارزیابی شود؛ مثلاً، اگر تکنیک سینمایی یا زاویه دوربین، حقیقتی بزرگ را تحقیر کند یا قدرت تشخیص انسان را کاهش دهد، غیراسلامی است.

در پایان، دکتر رحیم‌پور بر ضرورت تبیین رابطه میان مبانی توحید، اخلاق و حقوق در هنر و علوم تأکید نموده و معتقد است که باید آثار و ابزارهای مختلف را بر اساس تأثیرات آن‌ها داوری کرد. او بیان کرد که همه ابزارها مساوی نیستند و هر وسیله‌ای باید در راستای اهداف اسلامی و انسانی مورد استفاده قرار گیرد و

هرگونه استفاده نادرست، حرام است.

در مجموع، این سخنرانی بر اهمیت توجه به مبانی دینی، اخلاقی و انسانی در علوم، فناوری، هنر و اقتصاد، نقد فرهنگ غربی و سکولار و اهمیت ساختن فرهنگی متعهد و انقلابی تأکید داشته و نقش هنرمندان، دانشمندان و فعالان اجتماعی را در ساختن فرهنگی متعهد و انقلابی مورد تأکید قرار می‌دهد.

دانشکدهٔ هنر

در دومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴، نشست ها و پنل های تخصصی با حضور جمعی از استادان، پژوهشگران و هنرمندان در دانشکده هنر دانشگاه بین المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی، در دو نوبت صبح و عصر برگزار شد. در این نشست ها سخنرانان به بررسی ابعاد مختلف هنر، به ویژه سینما و ادبیات انقلابی پرداختند. پنل صبح به ریاست دکتر شهریار زرشناس و دبیری دکتر مرتضی صدیقی فرد به انجام رسید.

در نخستین سخنرانی از پنل صبح این نشست، دکتر سجاد صفارهرندی، مدیر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری با ابراز خوشحالی و افتخار از فرصت مشارکت در این همایش ارزشمند، به معرفی و ارائه مقاله خود پرداختند که نتیجه بخشی از پروژه پژوهشی است که در پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی انجام شده و با عنوان «روایت انقلاب اسلامی در سینمای معاصر ایران» مرتبط



است. عنوان مقاله «بی‌غزه و سانحه: مطالعه تصویری دو الگوی روایت انقلاب اسلامی در سینمای ایران» است.

او در ابتدا به اهمیت سینما و سایر مدیوم‌های هنری اشاره و تاکید کرد که اثر هنری، جدا از معیارهای زیبایی‌شناختی، به عنوان یک متن فرهنگی قابل خوانش است که حاوی معانی و نشانه‌هایی است که از فرهنگ و تحولات فرهنگی حکایت می‌کنند. بنابراین، مطالعه سینما و روایت‌های آن، ابزاری برای فهم عمیق‌تر واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی است، هرچند نباید اثر هنری را صرفاً آینه‌ای بی‌پیرایه از واقعیت تلقی کرد، بلکه باید در تحلیل آن احتیاط و دقت داشت.

وی بر اهمیت مطالعه الگوهای بازنمایی، روایت، فرم و محتوا در آثار هنری تاکید کرد، زیرا این موارد نوعی حکایت‌گری از فرهنگ و واقعیت‌های جامعه هستند که می‌تواند درک عمیق‌تری از تحولات فرهنگی و اجتماعی ارائه دهد.

او بیان نمود: این پژوهش به بررسی تصویر و روایت انقلاب اسلامی ۵۷ در سینما پرداخته و تلاش دارد نشان دهد که چگونه سینما این رویداد تاریخی را روایت کرده است. این روایت‌ها نه تنها بازتاب‌دهنده واقعیت پدیداری انقلاب هستند، بلکه در شکل‌گیری و ساختن این واقعیت نقش فعال ایفا می‌کنند. مطالعه بر روی روایت‌ها از منظر ادبیات علوم انسانی معاصر انجام شده است، که شامل حوزه‌هایی مانند زبان‌شناسی، نقد ادبی، مطالعات فرهنگی و علوم اجتماعی است. در این پژوهش، روایت به معنای زنجیره‌ای پیوسته از وقایع و وضعیت‌هایی است که رابطه معناداری با هم دارند و گزارشی از رخداد‌های مرتبط است.

او در ادامه گفت: در تحلیل روایت‌ها، عناصر اصلی مانند داستان، پیرنگ، شخصیت، راوی و جهان داستانی مورد توجه قرار گرفته‌اند. تمرکز اصلی بر روی دو عنصر پیرنگ و شخصیت است، که پیرنگ به عنوان ساختار و اسکلت روایت و شخصیت به عنوان بازیگر و نماینده تحول درونی آن شناخته می‌شود. بر

اساس مطالعه‌ای استقرایی و اکتشافی بر روی بیش از ۷۰ فیلم از سال ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۰، پنج الگوی روایت در سینمای انقلاب شناسایی شده است: الگوی مبارزه، الگوی روایت دو قطبی، الگوی راحت یقظه، الگوی روایت پیام و الگوی روایت سانحه.

دکتر صفارهرندی بیان کرد: در این مقاله، دو الگوی روایت، یعنی الگوی مبارزه و الگوی سانحه، مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. الگوی مبارزه بر اساس تعبیری در سنت عرفانی-دینی، به مفهوم بیداری و خودآگاهی است و نمونه‌های آن شامل فیلم‌های «تشریفات» (۱۳۶۶)، «۵۳ نفر» (۱۳۶۸) و «یوسف» است. ساختار این الگو بر محور فرد یا شخص است که درگیر زندگی روزمره است و ناگهان با رویدادی انقلابی مواجه می‌شود که منجر به تحول درونی او می‌گردد، مانند مواجهه شخصیت‌ها با نیروهای رژیم و شهادت یا تغییر هویت آن‌ها.

او بیان نمود: در مقابل، الگوی سانحه، به عنوان متاخرترین الگو، بر رویدادهای ناگهانی و تصادفی تمرکز دارد که زندگی شخصیت‌های معمولی را زیر و رو می‌کند و معمولاً در قالب بحران‌های پس از انقلاب ظاهر می‌شود. نمونه‌های آن شامل فیلم‌های «مصادره» (۱۳۹۶)، «مطرب» (۱۳۹۸) و «فسیل» (۱۳۹۹) است. در این ساختار، رویدادهای انقلابی یا حوادث ناگهانی، مانند شکنجه و خشونت، نمادهای اقتدار رژیم هستند که در هر دو الگو به تصویر کشیده شده‌اند، اما شیوه نمایش آن‌ها متفاوت است؛ در الگوی مبارزه، خشونت با شدت و تأثر نشان داده می‌شود، در حالی که در الگوی سانحه، ممکن است این موضوع با تلطیف، شوخی یا طنز همراه باشد.

او در مورد تفاوت مهم دیگر گفت: در الگوی مبارزه، شخصیت‌ها غالباً درگیر مشکلات معیشتی و مشکلات فردی هستند و تحول درونی در ذات و نفس آن‌ها رخ می‌دهد، در حالی که در الگوی سانحه، شخصیت‌ها بیشتر تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار می‌گیرند و تحولات بیرونی و مواجهه با بحران‌ها برجسته‌تر است. در نتیجه، در الگوی مبارزه، تغییر درونی و خودآگاهی محور است، اما در الگوی

سانحه، تحول بیشتر در فضای بیرونی و بدون تغییر عمیق در ذات شخصیت اتفاق می‌افتد.

در آخر، آقای صفارهرندی بیان نمودند که در الگوی سانحه، دیگر مسئله رستگاری و تحول نفسانی مطرح نیست، بلکه تمرکز بر مفهوم تاب‌آوری است؛ یعنی توانایی فرد در تحمل و مقاومت در برابر محیط متلاطم و بحران‌زده. این تفاوت‌ها و دوگانگی در الگوهای روایی، می‌تواند معانی و دلالت‌های مهمی در تحلیل تحولات فرهنگی و شکل‌گیری انگاره‌های جمعی در جامعه داشته باشد.

در دومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴، نشست ها و پنل های تخصصی با حضور جمعی از استادان، پژوهشگران و هنرمندان در دانشکده هنر دانشگاه بین المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی، در دو نوبت صبح و عصر برگزار شد. در این نشست ها سخنرانان به بررسی ابعاد مختلف هنر، به ویژه سینما و ادبیات انقلابی پرداختند. پنل صبح به ریاست دکتر شهریار زرشناس و دبیری دکتر مرتضی صدیقی فرد به انجام رسید.

در این نشست، آقای سیدحسین شهرستانی، مدیر گروه حکمت هنر و معاون پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری با ابراز خوشحالی از حضور در جمع دوستان و اساتید، در ابتدا، تحلیلی از داستان قیام کاوه آهنگر در شاهنامه فردوسی را ارائه دادند و آن را به عنوان نمونه ای از زایش و تحول هنر انقلابی مورد بررسی قرار دادند.

او بیان کرد: داستان کاوه آهنگر نه تنها یک روایت حماسی در شاهنامه است، بلکه در مقاطع تاریخی حساس، به ویژه در دوران انقلاب، الهام بخش جریان های انقلابی بوده و در آثار هنری مختلف، از نقاشی و نمایش گرفته تا مباحث سیاسی، مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال، به نقاشی استاد رجی از کاوه آهنگر که درفش کاویانی را بر دوش دارد، اشاره شد.

او معتقد است که داستان کاوه آهنگر، در عین روایت وضعیت انقلابی، لحظه زایش هنر انقلابی را نیز نشان می دهد. درفش کاویانی به عنوان نمادی از این هنر انقلابی مطرح شد که در لحظه انقلاب پدیدار شده، کارکرد پیدا کرده و سپس سرنوشت مشخصی در دوران پس از انقلاب یافته است.

در ادامه، داستان ضحاک و ظلم او، فراخوانی ضحاک برای گواهی دادن بر عدالتش و اعتراض کاوه آهنگر به خوردن مغز جوانان توسط ضحاک، شرح داده شد. او بیان کرد که اعتراض کاوه در ابتدا به اصل نظام ظلم ستیز ضحاک و سپس به نوبت رسیدن دوباره او برای قربانی شدن فرزندش است.

آقای شهرستانی گفت: زمانی که کاوه برای گواهی بر عدالت ضحاک فراخوانده می‌شود، ضحاک فرزند او را بخشیده و از او می‌خواهد نامه عدالت را امضا کند. اما کاوه، با تحولی که در او رخ می‌دهد، نامه را پاره کرده و زیر پا می‌اندازد و از کاخ ضحاک خارج می‌شود. این عمل، آغازگر یک قیام مردمی علیه ضحاک است. در ادامه بیان نمود: در لحظه اوج قیام، زمانی که کاوه مردم را به خروج بر ضد ضحاک فرا می‌خواند، برای ایجاد تمایز بین هواداران قیام و مزدوران رژیم، چرمی را که آهنگران به عنوان پیش‌بند می‌بستند، بر سر نیزه می‌کند و به عنوان پرچمی برای جمع شدن یاران استفاده می‌کند. این چرم ساده و بی ارزش، تبدیل به یک شیء نمادین می‌شود.

آقای شهرستانی بر ارزش نمادین اشیاء هنری تاکید و بیان داشت که ارزش یک اثر هنری، در ارزش ذاتی مواد تشکیل‌دهنده آن نیست، بلکه در معنایی است که به خود می‌گیرد. درفش کاویانی، نمادی است که باعث جدایی صف دوست از دشمن می‌شود. در واقع هنر انقلابی، وضعیت را به دو قطب دشمن و دوست تقسیم می‌کند و به صحنه معنا می‌بخشد.

او بیان کرد: پس از قیام، فریدون به احترام قیام و قدردانی از کاوه، این نماد ساده را با رنگ‌های سرخ، زرد و بنفش تزیین می‌کند و به آن نام «کاویانی» می‌دهد. این مرحله، مرحله دوم هنر انقلابی یعنی «تزیین» است که باعث ماندگاری و تکریم آن می‌شود.

او اشاره نمود که با افزایش لایه‌های تزیینی و تشریفاتی بر روی هنر انقلابی، ممکن است اصالت اولیه و سادگی آن، در این آیین‌های شاهنشاهی پنهان شود. این هنر انقلابی، هم موجب ماندگاری و تکریم خود می‌شود و هم گاهی اصل خود را پنهان می‌کند.

در نهایت، آقای شهرستانی بیان کردند که تکوین و تداوم هنر انقلاب، با تمام مسائل و مصائبش، در داستان کاوه آهنگر قابل مشاهده است و این داستان را می‌توان به عنوان بازسازی مفهومی برای درک هنر در لحظه رخداد و ظهور آن به کار برد.

در دومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴، نشست ها و پنل های تخصصی با حضور جمعی از استادان، پژوهشگران و هنرمندان در دانشکده هنر دانشگاه بین المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی، در دو نوبت صبح و عصر برگزار شد. در این نشست ها سخنرانان به بررسی ابعاد مختلف هنر، به ویژه سینما و ادبیات انقلابی پرداختند. پنل صبح به ریاست دکتر شهریار زرشناس و دبیری دکتر مرتضی صدیقی فرد به انجام رسید.

در این نشست، دکتر محمدعلی روزبهانی، پژوهشگر فلسفه و هنر و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر ایران در ابتدا با ابراز احترام و تشکر از اساتید و دانشگاهیان، فضای دانشگاه و اهمیت آن را مورد تحسین قرار دادند و بر نقش مهم دانشگاه ها در پیشرفت کشور تأکید کردند. وی معتقد است دانشگاه ها فضایی بسیار مفید و پیشرو هستند که می تواند در عرصه فرهنگ و هنر ایران تاثیرگذار باشد.

دکتر روزبهانی در ادامه به موضوع هنر معاصر و تاثیر آن در جامعه پرداخت. او از برگزاری نمایشگاه های هنری و استقبال گسترده مردم ایران از آثار هنری نوین، به ویژه آثار پیکاسو، سخن گفت. وی گفت: در سال جاری، حدود ۵۵ هزار ایرانی از موزه هنرهای معاصر دیدن کرده اند و آثار پیکاسو در این نمایشگاه توجه زیادی را جلب کرده است. این رقم نشان دهنده علاقه مندی و تمایل مردم به هنرهای نوین است، هرچند هنرمندان داخلی در این حوزه هنوز شناخته نشده اند.

او همچنین به نمونه هایی از هنر معاصر در جهان اشاره کرد، مانند اثر هنرمند بریتانیایی چارلز ساعت، که یکی از گران ترین آثار هنر معاصر با قیمت حدود ۲۰ میلیون پوند است. این اثر شامل تصویری از مردانی است که خوابیده اند و نام آن ها نوشته شده است و نشان دهنده نگاه انتقادی و آیینی به هنر است. وی معتقد است چنین آثار هنری، هرچند در نگاه اول منفی و واکنشی، اما در نهایت به عنوان نمادهای فرهنگی و سرمایه ای ارزشمند محسوب می شوند.

در ادامه، به مقایسه موزه‌های هنر معاصر در جهان پرداخته شد، از جمله موزه هنر معاصر تهران که در سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷ میلادی) افتتاح شده است و در زمره ده موزه برتر جهان قرار دارد. وی اشاره کرد که هنر معاصر پس از جنگ جهانی دوم به آمریکا مهاجرت کرده و در آنجا رشد یافته است و این روند نشان‌دهنده همسویی هنر با سرمایه‌داری و سیاست‌های اقتصادی است.

او همچنین به نقش سیاست و قدرت در هنر معاصر اشاره نمود، مانند حضور شاه در افتتاحیه موزه و واکنش‌های منفی نسبت به آثار هنری که نماد آزادی و نوآوری بودند. او نمونه‌هایی از جنایات و حوادث مرتبط با هنر معاصر در ایران را نیز ذکر نمود، از جمله برکناری مدیر موزه هنرهای معاصر تهران پس از اجرای یک پرفورمنس خاص.

آقای روزبهانی در ادامه به مفهوم رابطه میان هنر، سرمایه و بازار اشاره نمود و معتقد است هنر معاصر در قالب صنعت فرهنگ و خلاقیت، به صورت گره‌خورده با بازار و سودآوری عمل می‌کند. او بر این باور است که در جهان نئولیبرال، آزادی در ظاهر وجود دارد اما در واقع محدود و کنترل شده است و این وضعیت بر هنر و فرهنگ نیز تأثیر گذاشته است. در نتیجه، هنر معاصر نه تنها یک عرصه فرهنگی بلکه یک میدان اقتصادی و سرمایه‌گذاری است که در آن اراده‌های آزاد در قالب نظام‌های سرمایه‌داری شکل می‌گیرند.

او در بخشی از این نشست، به بررسی مفاهیم هنر معاصر، آزادی فردی و تأثیرات نظام‌های سیاسی و اقتصادی بر هنر پرداخت. او معتقد است که هنر معاصر در تلاش است تا موانع و محدودیت‌های موجود را بردارد و انسان را از هر نوع تعهد و تعلق آزاد کند، به گونه‌ای که هر فرد بتواند تمامی امکانات و استعداد‌های خود را روی میز بگذارد و در نتیجه، سرمایه‌گذاری و گردش مالی در حوزه هنر تسهیل شود. وی بر نقش هنر در آزادسازی فردی تأکید کرد و گفت: هنر معاصر، در قالبی که از هرگونه محدودیت و تعهد رها باشد، می‌تواند به عنوان ابزاری برای ترویج آزادی‌های فردی و مقاومت در برابر محدودیت‌های فرهنگی و

آیینی عمل کند.

او همچنین به نقش سیاست و قدرت در شکل‌گیری هنر معاصر اشاره نمود، از جمله حضور نظامی و اقتصادی آمریکا در جهان و تأثیر آن بر هنرهای معاصر در کشورهای مختلف، به ویژه در ایران و قطر. وی بر این باور است که در نظام نئولیبرال، هنر به یک صنعت اقتصادی و سرمایه‌گذاری تبدیل شده است که در آن آزادی‌های ظاهری، محدود و کنترل شده است. او نمونه‌هایی از تحولات پس از انقلاب اسلامی ایران را ارائه نمود، مانند تغییرات در هنر و فرهنگ زنان، که نشان‌دهنده تلاش برای آزادسازی انرژی فردی و مقاومت در برابر نظام مصرف‌گرایی است.

وی در ادامه به نقش موزه‌های هنر معاصر در جهان و ایران اشاره و بیان نمود که پس از انقلاب، این موزه‌ها بیشتر به انبار کالاهای سرمایه‌ای تبدیل شده‌اند و کارکرد اصلی‌شان حفظ و نگهداری آثار غربی است، نه ترویج هنر معاصر ایرانی. او پیشنهاد داد که باید این فضاها را بازنگری کرد، فرهنگ نئولیبرالی را شناخت و هنر را در قالبی متفاوت و مستقل از نظام سرمایه‌داری و سیاست‌های جهانی دید.

در پایان، دکتر روزبهانی بر اهمیت بازسازی و بهره‌برداری از موزه‌های هنر معاصر ایران تأکید کردند و پیشنهاد دادند که این مکان‌ها به مرکزی برای گفتگو، نقد و تعامل میان هنر ایرانی و جهان تبدیل شوند، تا بتوانند نقش مهمی در معرفی و ترویج هنر ملی و مقاومت فرهنگی ایفا کنند.

در دومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴، نشست ها و پنل های تخصصی با حضور جمعی از استادان، پژوهشگران و هنرمندان در دانشکده هنر دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی، در دو نوبت صبح و عصر برگزار شد. در این نشست‌ها سخنرانان به بررسی ابعاد مختلف هنر، به‌ویژه سینما و ادبیات انقلابی پرداختند. پنل صبح به ریاست دکتر شهریار زرشناس و دبیری دکتر مرتضی صدیقی‌فرد به انجام رسید.

در این سخنرانی، دکتر مرتضی صدیقی‌فرد، مدیر گروه عکاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی سوره به بررسی «نقش و کارکرد رسانه عکاسی در جریان مقاومت مردم فلسطین» پرداختند و نکات مهمی را در این زمینه مطرح



نمودند. او ابتدا تأکید نمود که عکاسی از همان ابتدای اختراعش در سال ۱۸۳۹، به عنوان ابزاری برای اعتراض و مقاومت مورد استفاده قرار گرفته است. نمونه‌ای از اولین استفاده‌های اعتراضی از عکاسی در سال ۱۸۴۰ توسط فردی به نام بایار معرفی شد که همزمان با مخترع عکاسی داگر، عکسی از جنایات دولت فرانسه گرفته و به عنوان سندی از وضعیت موجود منتشر کرد. این نشان می‌دهد که ابزار عکاسی از همان ابتدا برای ثبت و اعتراض به وضعیت‌های ناعادلانه به کار رفته است.

در ادامه، او به نقش عکاسی در تاریخ ایران و جریان مشروطه اشاره نمود، جایی که عکس‌های مشروطه‌خواهان نقش مهمی در آگاهی‌بخشی و پیروزی انقلاب داشتند. سپس، به دو رویکرد اصلی در استفاده از عکاسی در مقاومت اشاره شد: یکی عکاسی مستند و خبری که واقعیت‌های بیرونی را ثبت می‌کند و دیگری عکاسی هنری که از تصاویر الهام می‌گیرد و در آثار هنری به کار می‌رود. او بیان کرد: نمونه‌هایی از تصاویر فلسطین، مانند عکس‌های روزانه خبرگزاری فرانسه، نشان می‌دهد که این تصاویر چه اثری بر مخاطب دارند و چگونه می‌توانند همزمان سه وجه نشانه‌شناسی (نمایشی، نمادی و قراردادی) را در بر بگیرند.

دکتر صدیقی‌فرد به نمونه‌های خاصی از عکس‌های فلسطین اشاره نمود، از جمله تصاویری که جنایات و خرابی‌های فلسطین را نشان می‌دهند و در عین حال نماد مقاومت و همزادپنداری با مردم فلسطین هستند. همچنین، به نقش عکاسی در روایت‌های هنری و نمادین اشاره شد، مانند آثار هنرمندانی که از موتیف‌هایی مانند چفیه و سنگ در آثارشان استفاده می‌کنند تا نمادهای فلسطین را زنده نگه دارند. او برای نمونه‌ای دیگر، نمایشگاهی را مثال زد که در آن عکاس با حفره‌هایی در دیوار، دیدن واقعیت‌های فلسطین را محدود می‌کند، نمادی از محدودیت‌های دید و درک است.

در پایان، به اهمیت و تأثیرگذاری تصاویر در جریان مقاومت فلسطین اشاره

شد، به طوری که هر تصویر می‌تواند به عنوان منبع الهام برای آثار هنری، گرافیک و حتی تمبرهای پستی مورد استفاده قرار گیرد. او گفت: نمونه‌ای از ویدیوی کودکی که در بغل پدرش شهید می‌شود، نشان می‌دهد که چگونه یک فریم تصویری می‌تواند تبدیل به نماد و منبع الهام در قالب‌های مختلف هنری و رسانه‌ای شود. در مجموع، دکتر صدیقی فرد بر این نکته تأکید داشتند که رسانه عکاسی در جریان مقاومت فلسطین نقش کلیدی در ثبت، روایت و الهام‌بخشی دارد و هر تصویر می‌تواند در چند وجه نشانه‌شناسی همزمان درگیر و اثرگذار باشد.

در دومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴، نشست ها و پنل های تخصصی با حضور جمعی از استادان، پژوهشگران و هنرمندان در دانشکده هنر دانشگاه بین المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی، در دو نوبت صبح و عصر برگزار شد. در این نشست ها سخنرانان به بررسی ابعاد مختلف هنر، به ویژه سینما و ادبیات انقلابی پرداختند. پنل صبح به ریاست دکتر شهریار زرشناس و دبیری دکتر مرتضی صدیقی فرد به انجام رسید.

در این نشست، استاد عبدالحمید قدیریان، نقاش و پژوهشگر هنر در ابتدا قدردانی خود را نسبت به مدیریت جدید دانشگاه سوره که اقدام به برگزاری این همایش کرده اند، ابراز نمودند. او با اشاره به سابقه حدود ۴۰ ساله خود پس از انقلاب، بر اهمیت و ارزش این نوع نشست ها تأکید نمود و بیان کرد که هیچ کس به اندازه او قدر این جلسات را نمی داند، زیرا حسرت چنین فرصت هایی در



دلش بوده است. او همچنین به ضعف‌های ادبی خود اشاره و بیان کرد که تلاش کرده است در فضای فرهنگی و انقلابی باقی بماند، هرچند ادبیات دانشگاهی ندارد.

او بر اهمیت فهم عمیق و جست‌وجوی حقیقت در بحث‌ها تأکید نمود و معتقد است که باید در هر موضوعی نقطه صحیح و حقیقت را پیدا کرد. او خاطرات شخصی از دوران کودکی و تجربه‌های پزشکی خود را ذکر نمود تا اهمیت دقت و جست‌وجوی حقیقت را نشان دهد. وی همچنین به نقش و اهمیت هنر انقلاب اشاره کرد و گفت که انقلاب، سریع و عظیم رخ داد و مسئولین در ابتدا گیج شدند، اما در نهایت فهمیدند که این انقلاب بر پایه تفکر امام خمینی و هدف‌های توحیدی استوار است.

او بر این باور است که انقلاب اسلامی، نقطه شروعی برای ظهور امام زمان (عج) است و هدف نهایی آن ایجاد حکومت جهانی اسلام است. او تأکید داشت که مسئولین باید تمام توان خود را در اداره بهتر کشور صرف کنند، اما نباید از اهداف بزرگ انقلاب که همان ظهور است، غافل شوند. او بر نقش خداوند و اراده الهی در هدایت تاریخ و رویدادهای جهان تأکید کرد و گفت که خداوند در هر زمان نشانه‌هایی از اراده خود را نشان می‌دهد، مانند جمله معروف امام خمینی درباره‌ی نقش‌شن‌ها در ماجرای طبس.

آقای قدیریان بر اهمیت تلاش برای شناخت عمیق‌تر انقلاب و اثر آن بر رشد فردی و فرهنگی تأکید نمود. او معتقد است که نگاه عمیق‌تر به انقلاب، انسان را به هویت و معنویت نزدیک‌تر می‌کند و در نتیجه، آثار هنری و فرهنگی فرد نیز کیفیت بیشتری پیدا می‌کند. او با مثال‌هایی مانند رفتن به حرم و احساس آرامش و رشد معنوی، نشان داد که بودن در فضای معنوی و فرهنگی، فرد را رشد می‌دهد و هنرمند در چنین فضایی می‌تواند اثرات عمیق‌تری خلق کند.

در ادامه، او به اهمیت و عمق هنر انقلاب اسلامی اشاره نمود و تأکید کرد که هنر در این دوران، تنها یک وسیله فرهنگی نیست، بلکه مسیری متعالی و الهی

است که هنرمند را به سمت مفاهیم عمیق غیب و پیوند با اهل بیت(ع) هدایت می‌کند. او معتقد است که آثار هنری باید از سرچشمه وحی و قرآن الهام بگیرند و به هنرمند فرصت دهند تا از ظلمت مادیات عبور کرده و به ژرفای حقیقت برسد. او گفت که این هنر، همچون پیامبران، مأمور است که در مسیر ظهور امام زمان(عج) ایستادگی کند و با فرعون‌های زمان مقابله نماید، نه صرفاً در قالب لطافت روح و شعر، بلکه در مقابل ظلم و فساد، وسیله‌ای برای رساندن پیام توحید و عدالت است.

آقای قدیریان بر نقش معنویت در هنر تأکید و بیان کرد که هنر انقلاب باید بر مبنای درک عمیق از معنویت و هدف غایی ظهور امام زمان باشد. او اشاره داشت که هنر باید از شخصیت فردی فاصله بگیرد و در مسیر تعالی و اتصال به نور الهی قرار گیرد، برخلاف هنر غربی که بیشتر بر فردگرایی و مسائل شخصی تمرکز دارد. او معتقد است که ساختارهای فکری حاکم بر دانشگاه‌ها و آموزش هنر در کشور، بر پایه تفکرات غربی است و این باعث شده است که هنرمندان نتوانند به درک عمیق و معنوی از هنر برسند.

او در ادامه، به تحول ساختاری و دگرگونی در جهان اشاره کرد و گفت که انقلاب اسلامی، تغییر و تحولی در ساختارهای هستی است که از مسیر ملائکه و اراده الهی عبور کرده و به سمت خلیفه‌اللهی و ظهور نزدیک‌تر می‌شود. او بر اهمیت نگاه انقلابی و تحول‌آفرین در دوران کنونی تأکید نمود و معتقد است که ظهور حضرت مهدی(عج) نیازمند رشد و ارتقاء جهانی است، به گونه‌ای که نور خدا بر زمین تام و کامل شود.

آقای قدیریان همچنین به بحران محجوریت قرآن در آخرالزمان اشاره و بیان کرد که مشکل اصلی، عدم بهره‌گیری صحیح از قرآن است، نه خود قرآن و بر لزوم بازگشت به قرآن و استفاده صحیح از آن تأکید نمود. او معتقد است که فرهنگ غرب و فلسفه‌های وارد شده به کشور، منطبق با مفاهیم قرآن نیست و باید بسیج شد تا قرآن، مجدد در دل جامعه و هنر جای گیرد. در پایان، او به عنوان یک

سرباز کوچک، بر ضرورت حرکت به سمت قرآن و اصلاح فرهنگ تأکید نمود و خواهان برکت و هدایت الهی برای این مسیر بود.

در دومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴، نشست ها و پنل های تخصصی با حضور جمعی از استادان، پژوهشگران و هنرمندان در دانشکده هنر دانشگاه بین المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی، در دو نوبت صبح و عصر برگزار شد. در این نشست ها سخنرانان به بررسی ابعاد مختلف هنر، به ویژه سینما و ادبیات انقلابی پرداختند. پنل صبح به ریاست دکتر شهریار زرشناس و دبیری دکتر مرتضی صدیقی فرد به انجام رسید.

در این نشست، آقای مسیحا ربیعی، پژوهشگر و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران به بررسی وضعیت و تحولات هنر تجسمی، به ویژه هنر انقلاب، در ایران پرداخته و نکات کلیدی زیر را مطرح نمودند:

۱. وضعیت فضای تجسمی در ایران بسیار محصور و محدود است، به ویژه در دانشکده های هنرهای تجسمی.

- اغلب اهالی هنر تجسمی نیز به این فضا توجه کافی ندارند و از آن غافل هستند.

- وی از عدم آگاهی و نگاه سطحی برخی افراد در حوزه هنر انتقاد کرده و بر نیاز به نگاه عمیق تر و دقیق تر در مورد هنر تأکید نمودند.

۲. اهمیت شناخت و تحلیل آثار هنری:

- اشاره شد که در ایران فرصت کافی برای نقد و تحلیل آثار هنری وجود ندارد و باید بیشتر به آثار بزرگان جهان مانند پیکاسو و سایر هنرمندان بزرگ توجه شود.

- او تأکید نمود که باید درک صحیح تری از هنر مدرن و معاصر داشت و تفاوت های آن ها را شناخت.

۳. نظریه های بازنمایی در هنر:

- او در مورد مفهوم بازنمایی در هنر صحبت نمود و سه نوع آن را شرح داد:

الف) بازنمایی به عنوان گرده برداری از واقعیت: آثار قبل از انقلاب و دهه ۵۰،

که بیشتر واقعیت‌های بیرونی و ملموس را نشان می‌دهند، مانند آثار هنرمندان نسل اول انقلاب.

ب) بازنمایی به عنوان صورت ذهنی و باورهای هنرمند: آثار پس از انقلاب، که بیشتر نشان‌دهنده مفاهیم ذهنی و آرمانی هستند، مانند آثار دوران دفاع مقدس و شهید آوینی، که سمبولیک و شاعرانه‌اند و واقعیت جنگ را به شکل نمادین نشان می‌دهند.

ج) غیاب تصویر و انسان: آثار مرحله‌ای که در آن واقعیت بیرونی نادیده گرفته می‌شود یا انکار می‌گردد و هنرمند به سمت انتزاع و فاصله‌گیری از امر واقع می‌رود، مانند آثار دهه ۷۰ که بیشتر انتزاعی و مفهومی هستند.

۴. تحولات دهه‌های مختلف هنر انقلاب:

- دهه ۷۰: گرایش به انتزاع و فاصله‌گیری از واقعیت، با تأثیرپذیری از هنر غرب و فجایع جنگ جهانی دوم و کاهش تمرکز بر واقعیت‌های ملموس و جنگ.

- دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰: تغییر جهت به سمت تصویری کردن مفاهیم مقدس و مذهبی، با حمایت نهادهای دولتی و فرهنگی و نزدیک‌تر شدن به نمادهای دینی و مذهبی، مانند تذهیب و تصویرسازی ائمه و شهدا.

- در این دوران، تصویر شهید و مفاهیم مقدس به شکل رئالیستی و با حمایت سیاسی و فرهنگی بیشتر ترویج می‌شود و نوحه‌ها و شعرهای مذهبی نیز به سمت تصویرسازی واقعی‌تر و ملموس‌تر حرکت می‌کنند.

۵. نقش نهادهای سیاسی و فرهنگی:

- هنر انقلاب در بستر جامعه، نهادهای سیاسی و فرهنگی شکل می‌گیرد و تحت تأثیر سیاست‌ها و حمایت‌های دولتی قرار دارد.

- سیاست‌های حمایتی، گاهی اوقات به نفع ترویج تصاویر مقدس و نمادهای مذهبی است و در نتیجه، زبان تصویری هنر انقلاب تغییر می‌کند.

- این تغییرات نشان می‌دهد که هنر در خلأ شکل نمی‌گیرد بلکه تابع شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است.

در ادامه او بر این نکته تأکید کرد که هنر انقلاب، در طول زمان، زبان‌ها و رویکردهای مختلفی داشته است و باید آن را در قالب یک جریان متصل و پیوسته دید. او معتقد است که هنر انقلاب، نتیجه تأثیرپذیری از محیط، نهادهای قدرت و سیاست است و حمایت‌های سیاسی نادرست می‌تواند بر شکل‌گیری و جهت‌گیری آن تأثیر منفی بگذارد. او بیان نمود که هنر انقلاب باید به عنوان یک پدیده اجتماعی و فرهنگی درک شود که همواره در حال تغییر و تطابق با شرایط زمانه است.

در بخشی دیگر از سخنرانی، آقای ربیعی به بررسی وضعیت هنر انقلاب در ایران و چالش‌ها و آسیب‌های موجود در آن پرداخت. او ابتدا به نقش گرافیک در دهه ۸۰ و ۹۰ اشاره نمود، جایی که گرافیک انقلاب به صورت گسترده در سطح کشور منتشر شد، از جمله نصب بیلبوردهای تبلیغاتی و پوستره‌های سطح شهر، که به نظر او این روند در عین حال که می‌تواند جریان‌سازی و اثرگذاری داشته باشد، اما در عین حال منجر به سطحی‌نگری و ابزار شدن هنر می‌شود. او معتقد است که این نوع فعالیت‌ها بیشتر ابزار دست مدیران فرهنگی و رسانه‌ها شده و ارزش هنری واقعی در آن کاهش یافته است.

او همچنین به پدیده‌های جدید مانند استفاده از هوش مصنوعی در تولید تصاویر اشاره نمود که دیگر نیازمند حضور هنرمند نیست و تصاویر سرد و پلاستیکی شهدا و مفاهیم مذهبی به راحتی و با کمترین دخالت انسانی تولید می‌شوند. این روند، آسیب‌شناسی جدی برای هنر انقلاب است و نیازمند بررسی و تحلیل عمیق است. او بر اهمیت نقش نهادهای فرهنگی، سیاسی و قدرت در شکل‌گیری و جهت‌گیری هنر انقلاب تأکید نمود و معتقد است که هنر انقلاب باید در قالب یک جریان پیوسته و متصل دیده شود که همواره تحت تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار دارد.

در ادامه، آقای ربیعی بر ضرورت انضمام و ملموس کردن مفاهیم در هنر انقلاب تأکید نمود و افزود که باید به واقعیت‌های جامعه ایرانی و آثار هنرمندان

معاصر توجه کنیم. او اشاره کرد که هنرمندانی مانند حبیب صادقی و خسرو جردی که در گذشته فعال بودند، دیگر در دسترس نیستند و باید به آثار و تجربیات کنونی نگاه کنیم تا آسیب‌شناسی عمیق‌تری انجام دهیم. همچنین، او بر اهمیت شناخت پیشینه تاریخی هنر در ایران و تأثیرپذیری آن از هنر غرب تأکید کرد، به‌ویژه در دوره‌هایی که هنر ایران هنوز زبان بصری خاص خود را نیافته بود و بیشتر تحت تأثیر هنر رئالیستی و نمادین غرب قرار داشت.

او معتقد است که هنر ایران در دوران مدرن هنوز به زبان تصویری مستقل نرسیده است و اغلب هنرمندان در پی تطابق با هنر غرب هستند، نه توسعه زبان بصری بومی. او به نقش هنرهای رئالیستی و تاثیرات آن در تاریخ هنر ایران اشاره نمود و گفت که اولین تصاویر رئالیستی در ایران در دهه ۴۰ شکل گرفت، اما این آثار هنوز پشتوانه قوی از نظر فلسفی و تاریخی نداشتند و بیشتر تقلیدی بودند. او بر این باور است که هنر انقلاب باید از دل تاریخ و پشتوانه‌های معنوی و حکمت محور برخیزد، نه صرفاً از تقلید و پیروی از هنر غرب.

در پایان، آقای ربیعی بر اهمیت شناخت تاریخ هنر و روندهای تصویری در ایران تأکید نمود و معتقد است که هنر انقلاب باید به زبان و مفاهیم بومی و متناسب با شرایط جامعه برسد، نه اینکه صرفاً در پی تقلید از غرب باشد. او بر ضرورت نگاه انتقادی و آسیب‌شناسانه به وضعیت موجود هنر انقلاب تأکید و بیان کرد که باید واقعیت‌های جامعه و تجربیات هنرمندان معاصر را در نظر گرفت تا بتوان مسیر صحیح و مؤثری برای توسعه هنر انقلاب ترسیم کرد.

در دومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴، نشست ها و پنل های تخصصی با حضور جمعی از استادان، پژوهشگران و هنرمندان در دانشکده هنر دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی، در دو نوبت صبح و عصر برگزار شد. در این نشست‌ها سخنرانان به بررسی ابعاد مختلف هنر، به‌ویژه سینما و ادبیات انقلابی پرداختند. پنل عصر به ریاست دکتر مرتضی صدیقی فرد و دبیری خانم آزاده حاجی سلیمی به انجام رسید. در نخستین سخنرانی از پنل عصر این نشست، دکتر مهران هوشیار، مدیر گروه مطالعات عالی هنر و عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی سوره در ابتدا به معرفی خود پرداخت و بر اهمیت ارجاع به پشتوانه‌های فرهنگی در حوزه هنر تأکید نمود. وی معتقد است که هنر انقلاب در تمامی فضاها و موضوعی باید با توجه به مولفه‌های فرهنگی بومی تحلیل و نقد شود تا جایگاه ما نسبت به گذشته مشخص گردد و بتوانیم در مسیر توسعه و تبیین هنر انقلاب گام برداریم. او بیان کرد: موضوع اصلی ارائه، رابطه میان خیالی‌نگاری و مبانی هنر انقلاب اسلامی است، که از دوران قبل و پس از انقلاب ۱۳۵۷ شروع شده است. او به نقش هنر در شکل‌گیری و تبلور آرمان‌های انقلاب، به‌ویژه تأثیر هنرمندان و نهادهایی مانند حوزه هنری و سازمان تبلیغات در این فرآیند اشاره نمود. وی بر اهمیت بررسی آثار هنرمندان دهه ۶۰ و تحلیل نمادها و سمبل‌های موجود در آن آثار تأکید ورزید، تا بتوان پیوند میان هنر و مبانی فکری انقلاب را بهتر درک کرد.

اودر ادامه به پیشینه تاریخی هنر در ایران و تفاوت آن با هنر مدرن اشاره کرد و گفت که هنر در فرهنگ ایرانی بر استعداد، مهارت، قدرت و انگیزه استوار است که قابلیت بروز فضایل اخلاقی و ارتقاء



عزت نفس انسانی را دارد. او بر ارتباط هنر خیالی‌نگاری با باورهای دینی و مذهبی تأکید کرد و معتقد است که هنر باید منبع الهام الهی داشته باشد تا بتواند حقیقت و عزت انسانی را بیان کند.

دکتر هوشیار در بخش دیگری، به نقش انقلاب اسلامی در تحول فرهنگی و هنری اشاره نمود و بیان کرد: پس از پیروزی انقلاب، جریان‌های فرهنگی و هنری متعهد و انقلابی شکل گرفتند و تلاش کردند ارزش‌های انقلاب را در هنر منعکس کنند. نهادهایی مانند حوزه هنری و فعالیت‌های هنری پس از انقلاب، هرچند در ابتدا دچار کمبود و پراکندگی بودند، اما بعدها با تلاش هنرمندان و مدیران فرهنگی، مجدداً احیا شدند. او گفت که مفاهیمی چون تعهد، آگاهی، معرفت الهی، خودباوری، مبارزه، استقامت و تقوا در آثار هنری پس از انقلاب به وضوح دیده می‌شود و نمادهای اخلاق‌مدار و سمبولیک در نقاشی‌های دهه ۶۰، نشانگر این ارزش‌ها هستند.

او همچنین به نقش هنر در تبیین آرمان‌های انقلاب، از جمله شهادت‌طلبی، رشادت و جهاد مقدس اشاره نمود و تأکید داشت که هنر انقلاب، پیوند عمیقی با مفاهیم معنوی و دینی دارد. او همچنین به نسل اول نقاشان پس از انقلاب اشاره کرد که با تلفیق ویژگی‌های سنت‌گرایی و مدرنیسم، آثار متناسب با آرمان‌های انقلاب خلق کردند و نقش مهمی در شکل‌گیری هنر معاصر ایران ایفا نمودند. این نسل، بر پایه مفاهیمی چون جهاد، شهادت و مقاومت، آثار هنری‌ای تولید کردند که نمادهای نمادین و سمبولیک ارزش‌های انقلابی را در بر داشتند و نشانگر تحولی در هنر ایرانی پس از انقلاب بودند.

او در ادامه به بررسی نقش و جایگاه هنر انقلاب اسلامی و آثار هنری مرتبط با آن پرداخت. ابتدا، تأکید شد که مسئولین فعال در حوزه فرهنگ و هنر، چه در فعالیت‌های پژوهشی و چه در ساختارهای هنری، پایه‌های هنر انقلاب را تشکیل می‌دهند. او به نمونه‌هایی از آثار هنری مرتبط با دفاع مقدس و مبارزه، مانند کار استاد حبیب‌الله صادقی و آثار رزمندگان در دوران دفاع مقدس اشاره نمود و گفت

که آثار استاد صادقی که در قالب نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای و نمادین، مفاهیمی چون ایثار، شهادت، و مبارزه با ظلم را به تصویر می‌کشند، نشان‌دهنده تداوم هنر در دوره قاجار و نقش آن در ایجاد وحدت و همدلی مردمی است.

او در بخش دیگری به تفاوت‌های هنر مدرن و هنر انقلاب اشاره نمود و بر اهمیت نگاه تطبیقی در تحلیل آثار هنری تأکید کرد و گفت: هنر انقلاب، بر خلاف هنرهای مدرن، بیشتر بر ارزش‌های فرهنگی، دینی و ملی تمرکز دارد و از عناصر سنتی و باورهای بومی بهره می‌برد. نمونه‌های نقاشی‌های استاد صادقی، مانند نقاشی‌های عاشورایی و اثر مربوط به جنایت علیه بشریت در اعتراض به اشغال لانه جاسوسی، نشانگر تطابق مفهومی و ساختاری با مفاهیم دینی و انقلابی است. شاخصه‌های مهم در هنر انقلاب شامل شیوه‌گریز، توجه به اعتبارات اجتماعی و عرفی، ابداع و آرمان‌خواهی، درون‌گرایی، انتظار، روایتگری و بهره‌گیری از ادبیات بومی و اسطوره‌های دینی است که همگی در تبیین و انتقال آرمان‌های انقلاب نقش دارند.

او در ادامه، نظریه‌بازنمایی در هنر را بررسی نمود و بیان کرد که در دوره قبل از انقلاب، هنرمندان بر واقع‌گرایی و بازنمایی مستقیم از واقعیت تأکید داشتند، اما پس از انقلاب، نگاه هنرمند به سمت تصویرسازی‌های ذهنی و نمادین تغییر کرد. آثار دوران دفاع مقدس، بیشتر سمبولیک و نمادین شده‌اند و بر مفاهیم معنوی و آرمانی تمرکز دارند، این آثار به جای نمایش واقعیت‌های ملموس و خشونت‌آمیز جنگ، حیات پس از واقعیت و آرمان‌های والای انسانی و دینی را به تصویر میکشند.

دکتر هوشیار بر اهمیت تحلیل آثار هنری انقلاب اسلامی از منظر نمادگرایی، روایت‌گری و بهره‌گیری از ادبیات بومی و اسطوره‌ای تأکید نمود و گفت که این آثار، نمادهای اخلاق‌مدار و سمبولیک ارزش‌های انقلابی را در بر دارند و نقش مهمی در تبیین و انتقال مفاهیم فرهنگی و دینی به نسل‌های آینده ایفا می‌کنند. در مجموع، هنر انقلاب اسلامی، با تلفیق سنت و نوآوری، تلاش دارد تا پیام‌های

معنوی، ملی و انقلابی را به صورت نمادین و سمبولیک به جامعه منتقل کند و در مسیر توسعه فرهنگی و هویتی کشور نقش آفرین باشد.

او در ادامه به بررسی تحولات و روندهای هنر انقلاب اسلامی در دهه‌های مختلف پرداخت و گفت: در دهه ۷۰، هنرمندان انقلاب، مانند حبیب‌الله صادقی، تجربه‌های انتزاعی داشته و آثارشان ترکیبی از موتیف‌های سنتی و هنر انتزاعی است. این روند در پی فجایع جنگ جهانی دوم و بحران‌های پس از آن شکل گرفت، جایی که هنرمند به جای بازنمایی مستقیم واقعیت‌های خشونت‌آمیز جنگ، به سمت تصویرسازی‌های نمادین و انتظارگرایانه سوق پیدا می‌کند. در این دوره، فاصله گرفتن از نگاه انقلابی و آرمان‌گرایانه مشاهده می‌شود و هنرمندانی مانند رزمندگان که پس از جنگ به سمت نگاه انتقادی و رفاه‌محور گرایش پیدا می‌کنند، نقش مهمی در این تغییر دارند.

او ادامه داد: در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰، سیاست فرهنگی کشور تغییر می‌کند و هنر انقلاب به سمت تصویری‌سازی مقدس و نمادین حرکت می‌کند. در این دوره، تصویر شهیدان و ائمه به صورت بدن‌مند و رئالیستی بازنمایی می‌شود و حمایت‌های دولتی و نهادهای فرهنگی، این روند را تقویت می‌کنند. شعر و مناسک مذهبی نیز در این دوره، از قالب‌های استعاری به سمت تصویرسازی‌های بدن‌مند و واقعی تغییر می‌کنند، نمونه آن مداحان مشهور و شعرهایشان است که امر مقدس را به شکل بدن‌مند و ملموس نشان می‌دهند.

در ادامه، به روند گرافیک و بیلبوردهای انقلاب اشاره شد که در دهه‌های ۸۰ و ۹۰، به صورت ابزارهای سطحی و تبلیغاتی درآمده‌اند. او بیان کرد که این نوع هنر، هرچند جریان‌سازی می‌کند، اما آسیب‌هایی چون سطحی‌گری و کاهش ارزش‌های هنری را به همراه دارد. امروزه، بیلبوردهای شهری با تصاویر پلاستیکی و مصنوعی، که اغلب توسط هوش مصنوعی تولید می‌شوند، نماد این روند سطحی‌سازی و ابزارگرایی در هنر انقلاب است.

دکتر هوشیار در بخش دیگری از سخنرانی، به بررسی تاریخچه و تحولات زبان

تصویری در هنر ایران و تأثیرات آن بر هنر انقلاب اسلامی پرداخت و بیان کرد: هنر ایران در مواجهه با هنر مدرن و رئالیستی، فاقد پشتوانه تاریخی و فرهنگی قوی در این حوزه است، بر خلاف هنر غرب که از قرن نوزدهم و بیستم با مفهوم پرسپکتیو و نظام‌های تصویری مدرن آشنا شده است. هنرمندان ایرانی، از جمله کمال الملک، در اوایل قرن بیستم، رئالیسم را با رویکردهای خاص خود و تفاوت‌هایی نسبت به نمونه‌های اروپایی به کار گرفتند، اما هنوز زبان بصری خاص و نظام تصویری منسجمی در ایران شکل نگرفته بود.

او در ادامه گفت: در دوره‌های مختلف، هنرمندان ایرانی تلاش کردند تا زبان تصویری خود را توسعه دهند، اما این زبان هنوز در حال شکل‌گیری است و نمونه‌های اولیه آن، مانند کارهای هنرمندان انقلاب، نشان می‌دهد که آن‌ها در تجربه و آزمون و خطا هستند. این هنرمندان، برخلاف هنرمندان چپ‌گرا مانند هانیبال الخاص، نمی‌خواستند کارهایشان شبیه روایت‌های چپ‌گرایانه یا هنرهای انقلابی دیگر باشد، بلکه به دنبال ساختن زبان تصویری مستقل و جدا از نمونه‌های غربی بودند.

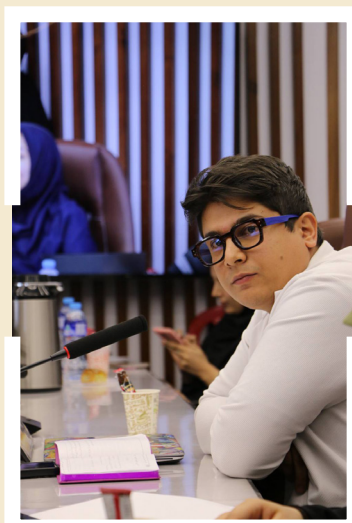
در ادامه، به نقش تاریخ و تأثیرات گفتمان‌های مختلف، از جمله مارکسیسم، اسلام و هنرهای رئالیستی، در شکل‌گیری هنر انقلاب اشاره شد. او گفت که این هنرها در مواجهه با نظام‌های تصویری غرب، سعی دارند هویت ملی و دینی خود را حفظ و توسعه دهند، هرچند در مسیر توسعه، با چالش‌هایی مانند سطحی‌گرایی و ابزارگرایی مواجه شده‌اند.

در پایان، دکتر هوشیار بر اهمیت تحلیل آسیب‌شناسانه و واقع‌گرایانه هنر انقلاب تأکید کرد و گفت: هنر در بستر جامعه، نهادهای سیاسی و فرهنگی شکل می‌گیرد و حمایت‌های سیاسی نادرست می‌تواند به تضعیف آن منجر شود. همچنین، نیاز است که دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی، با نگاه انتقادی، وضعیت کنونی هنر انقلاب را نقد و آسیب‌شناسی کنند تا بتوانند راهکارهای مؤثری برای حفظ هویت و ارزش‌های آن ارائه دهند.

در دومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴، نشست ها و پنل های تخصصی با حضور جمعی از استادان، پژوهشگران و هنرمندان در دانشکده هنر دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی، در دو نوبت صبح و عصر برگزار شد. در این نشست ها سخنرانان به بررسی ابعاد مختلف هنر، به ویژه سینما و ادبیات انقلابی پرداختند. پنل عصر به ریاست دکتر مرتضی صدیقی فرد و دبیری خانم آزاده حاجی سلیمی به انجام رسید.

در این نشست، آقای امیرحسین آقایی، دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه بین‌المللی سوره، از برگزاری موفقیت آمیز همایش، ابراز رضایت و از استادان و برگزارکنندگان آن تشکر نمود. وی با اشاره به اینکه در این همایش مقاله‌هایی علمی پژوهشی ارائه داده است، یکی درباره تفاوت مفهوم واقعیت در مکتب‌های ادبی هنری رئالیسم و انقلاب و دیگری درباره گذر مکتب ادبی انقلاب اسلامی از ادبیات شبه‌مدرن ایران، بیان کرد که قصد دارد تمرکز خود را بر موضوع ادبیات و مکتب ادبی انقلاب اسلامی و گذر از ادبیات شبه‌مدرن قرار دهد.

او بیان کرد که عنوان «در جستجوی زمان از دست رفته» را استعاره‌ای برای پژوهش خود برگزیده است، که فرض می‌کند هنر و مکتب ادبی انقلاب اسلامی رابطه نزدیکی با خرد اشراقی، ذوق شهوت، زبان وحیانی و لوگوس ایرانی دارد. او معتقد است که زبان در اینجا تنها نظام واژگان نیست بلکه نماد هویت و وجود ایرانی است که توسط تفکر ایرانی اسلامی شکل گرفته است. وی به دو انقطاع تاریخی در تاریخ ایران اشاره نمود: ظهور اسلام



و تحمیل وضعیت غرب‌زدگی در دوره ناصری، که باعث تحول در تفکر ایرانی-اسلامی و پیدایش نوعی ادبیات خاص شده است.

آقایی بر اهمیت عرفان اسلامی و تفکر وحدت وجود و تشکیک وجود تأکید نمود، که بر اساس آن، هر چیزی در نسبت با خداوند یگانه قرار دارد و تجلیات او در عالم محسوسات و معقولات ظاهر می‌شود. او نمونه‌هایی از شعر حافظ و مفاهیم عرفانی را برای توضیح این دیدگاه ذکر کرد و رابطه آن را با معرفت‌شناسی ایرانی-اسلامی و سیر آفاقی و انفسی انسان توضیح داد. این سیر، شامل شناخت مراحل علم الیقین، عین الیقین و حق الیقین است که در آن، انسان به شناخت حضوری و مستقیم از خداوند می‌رسد.

او همچنین به نظریه ابن عربی درباره مظهرالاسماء و تجلیات الهی اشاره کرد، که بر اساس آن، انسان با سیر در آفاق و انفاس می‌تواند حجاب‌های معرفتی را کنار زده و به شناخت عمیق‌تر از خدا برسد. در این حالت، معرفت به خداوند در قالب تجربه حضوری و فنا در او شکل می‌گیرد، که در ادبیات فارسی و ترکی بازتاب یافته است، مانند اشعار مولانا و عماد دین نسیمی.

در ادامه، او به ویژگی‌های زبان و ادبیات در این تفکر اشاره نمود، از جمله اینکه حق از زبان بنده سخن می‌گوید و این ویژگی در اشعار عرفانی و حکمت انسی به وضوح دیده می‌شود. او گفت که این نوع زبان، نشان‌دهنده اتحاد و فنا در خداوند است و در ادبیات فارسی و ترکی نمونه‌هایی از آن دیده می‌شود، مانند شعر حلاج و عماد دین نسیمی.

آقایی به مواجهه ایران با غرب و تأثیرات آن بر فرهنگ و ادبیات اشاره کرد و تفاوت‌های بنیادین میان تفکر غربی و ایرانی-اسلامی در مواجهه با هستی و معرفت را برجسته ساخت. او بر اهمیت شناخت عمیق و فلسفی این تفاوت‌ها تأکید داشت و نقش ادبیات و هنر در تبیین این مفاهیم را مورد توجه قرار داد.

او همچنین تحلیل و تبیین وضعیت فرهنگی، ادبی و فکری ایران در مواجهه با بحران‌های داخلی و خارجی را ارائه نمود. وی به چهار راهکار اصلی که کشورهای

مواجهه‌کننده با بحران‌های جهانی در پیش می‌گرفتند، اشاره کرد: اول، مشارکت در عقل غربی و پذیرش فرهنگ غرب؛ دوم، تقلید کامل و سطحی از علم و تکنیک غرب بدون مشارکت در فرهنگ آن؛ سوم، عدم اجازه فرهنگ یا تمدن ایرانی برای سهیم شدن در عقل غربی و تقلید ناکارآمد و ناقص؛ و چهارم، بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی برای خروج از بن‌بست‌ها، که تاکنون تنها راه موثر برای ایران محسوب می‌شود.

او در ادامه به دوره‌های تاریخی مختلف ایران اشاره نمود: پیشا مشروطه، مشروطه، دوره پهلوی اول و دوم و در هر دوره، نوع ادبیات و فرهنگ غالب را بررسی کرد. در دوره‌های قبل، ادبیات شبه‌مدرن رایج بود، که شامل اشعاری ناامیدکننده و سطحی است، مانند اشعار عارف قزوینی و بیدل دهلوی، که در آن‌ها مفاهیم اخلاقی، مقاومت و پندهای معنوی دیده می‌شود. در دوره پهلوی، این نوع ادبیات به گفتمان غالب تبدیل شد، و شاعران مانند فروغ فرخزاد با اشعاری اروتیک و مبتنی بر احساسات زنانه ظهور کردند، که نشان‌دهنده تغییرات عمیق در فضای ادبی و فرهنگی است.

او نکته مهم دیگر را ارتباط هنر و ادبیات با دین اسلام و تفکر عرفانی بیان کرد و گفت که انقلاب ایران، به عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک دینی، بر پایه سنت فکری و حکمت اسلامی شکل گرفته است. آقای گفت: امام خمینی، به عنوان شخصیتی رند و حکیم، مطالعات گسترده‌ای در حکمت متعالیه داشت و نظریه‌پرداز تئوری ولایت بود و این انقلاب، در مقابل عقل غربی و متافیزیک غربی قرار می‌گیرد و تلاش دارد با بهره‌گیری از حکمت اشراقی، حکمت ذوقی و شاعرانگی، هویت خود را بازسازی کند.

او در ادامه گفت که در نمونه‌های شعری، مانند فاضل نظری و قیصر امین‌پور، حضور عرفان و وحدت درونی دیده می‌شود. فاضل نظری با اشعاری که معشوق زمینی و عرفان در آن حضور دارد، نشان می‌دهد که عشق و دلدادگی در قالب عرفان ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد. قیصر امین‌پور نیز بر وحدت و کثرت‌گرایی

تأکید می‌کند و تمرین تمرکز بر وحدت را پیشنهاد می‌دهد. در پایان، آقای آقایی به تأثیرات عرفان و معنویت در انقلاب اشاره نمود و از شهید آوینی نقل قول کرد که حال و هوای عرفانی در این انقلاب مجدد ظاهر شده است. شب هجرت از پرستش نفس به پرستش رب، نماد حرکت روحانی و معنوی است که در آن، شناخت خویشتن و عرفان شخصی، کلید درک حقیقت و هویت ایرانی-اسلامی است.

در دومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴، نشست ها و پنل های تخصصی با حضور جمعی از استادان، پژوهشگران و هنرمندان در دانشکده هنر دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی، در دو نوبت صبح و عصر برگزار شد. در این نشست ها سخنرانان به بررسی ابعاد مختلف هنر، به ویژه سینما و ادبیات انقلابی پرداختند. پنل عصر به ریاست دکتر مرتضی صدیقی فرد و دبیری خانم آزاده حاجی سلیمی به انجام رسید.

در این نشست، خانم لیلا نیرومند، مدیر گروه گرافیک و تصویرسازی دانشگاه بین‌المللی سوره، تمرکز خود را بر هنر گرافیک و نقش آن در حوزه مقاومت و انقلاب اسلامی قرار دادند. او ابتدا به تعاریف مقدماتی هنر گرافیک



اشاره نمود و گفت که اغلب با اهداف تجاری، سیاسی، تبلیغاتی و دعوت به خرید یا خدمات مرتبط است. در ایران، علاوه بر تبلیغات تجاری، بخش مهمی از گرافیک به تبلیغات سیاسی اختصاص یافته است، به ویژه در حوزه انقلاب اسلامی و مقاومت، جایی که هنرمندان بدون دریافت دستمزد، آثار متعددی تولید می‌کنند تا گفتمان انقلاب را ترویج دهند.

او به تاریخچه هنر گرافیک در ایران اشاره کرده و پیشینه‌ای از آثار عدالت خواهانه و ظلم‌ستیزی در هنر ایرانی، از جمله آثار دوره‌های مختلف، مانند نگارگری خمسه شاه طهماسبی و آثار دهه‌های ۲۰ و ۳۰، که در حمایت از مظلومان و عدالت ساخته شده‌اند، ذکر نمود. او همچنین به دوره‌های قبل و بعد از انقلاب، از جمله دهه ۵۰ و بخصوص پس از انقلاب ۱۳۵۷ پرداخت، زمانی که هنرمندان به صورت خودجوش و بدون حمایت مالی، آثار انقلابی تولید کردند.

او گفت: نقش هنرمندان انقلابی و هدفشان از تولید آثار، حمایت از مظلومان و نزدیک‌تر کردن جامعه به ظهور امام زمان (عج) است. این هنرمندان، برخلاف دریافت مبالغ یا دستمزد، کارهایشان را صرفاً از اعتقادات قلبی و هدف حمایت از گفتمان انقلاب انجام می‌دهند و احساس نیاز به دیده شدن ندارند. در حوزه مقاومت، حمایت‌های مالی محدود است و بیشتر انگیزه‌ها اعتقادی و قلبی است، مانند حمایت از فلسطین و اتحاد امت اسلامی، که امام خمینی (ره) نقش محوری در شکل‌گیری این حرکت‌ها داشتند.

در بخشی دیگر از سخنرانی، خانم نیرومند بر قدرت و اهمیت انیمیشن در انتقال پیام‌های مقاومت و انقلاب تأکید نمود و گفت: انیمیشن به عنوان یک ابزار تصویری قدرتمند، می‌تواند با استفاده از شخصیت‌های کاراکتری، احساسات و پیام‌های عمیق را بدون نیاز به دیالوگ یا با کمترین گفت‌وگو منتقل کند و در نتیجه، ذهن مخاطب را هدف قرار می‌دهد. وی عنوان کرد که انیمیشن مانند سلاحی است که به مغز مخاطب شلیک می‌کند و قدرت بی‌نظیری در اثرگذاری دارد.

او به نمونه‌هایی از انیمیشن‌های مستند و نمادین اشاره نمود؛ مانند «۱۸ تحت تعقیب» که محصول مشترک کارگردان سوری و کانادایی است و در سال ۲۰۱۴ ساخته شده است. او گفت: این انیمیشن با تکنیک عروسکی سه‌بعدی و دستی، داستان خریدن ۱۸ گاو توسط یک فلسطینی در بیت‌ساحور را روایت می‌کند، که نماد مقاومت غیرخشونت‌آمیز است. داستان نشان می‌دهد که چگونه این گاوها نماد مقاومت و اتحاد در برابر اشغالگری هستند و پیام مقاومت در برابر ظلم را منتقل می‌کنند. ساختار ساده ولی خلاقانه این اثر، نشان‌دهنده قدرت روایت و پیام‌های عمیق در قالب داستان‌های ساده است.

او در ادامه بیان کرد: نمونه دیگر، انیمیشنی بر اساس اسطوره‌های بومی بولیوی است که از افسانه ننه جیرجیرک و وقایع تاریخی سال ۲۰۰۰ در بولیوی الهام گرفته شده است. این انیمیشن (ننه جیرجیرک) به موضوعات توسعه ناعادلانه، خصوصی‌سازی و مقاومت مردمی می‌پردازد و نمادهایی مانند آب، که نماد حیات و مقاومت است، در آن به کار رفته‌اند. طراحی‌های رنگارنگ و موسیقی متنوع، هویت فرهنگی و ملی مردم بولیوی را نشان می‌دهد و پیام‌های اجتماعی، محیط‌زیستی و انقلابی را منتقل می‌کند.

او همچنین بر اهمیت باورپذیری شخصیت‌ها در انیمیشن‌های سیاسی و اجتماعی تأکید نمود و گفت: باورپذیری، به عنوان ابزاری برای افزایش اعتبار و تأثیر پیام، نقش کلیدی در جذب مخاطب و انتقال مؤثر مفاهیم ایجابی و انقلابی دارد. این ویژگی، همراه با طراحی بصری جذاب و روایت هیجان‌انگیز، باعث می‌شود که اثرات انیمیشن فراتر از سرگرمی رفته و تأثیرگذاری ایدئولوژیک و عملیاتی داشته باشد.

در ادامه، او نقش فرهنگ به عنوان عامل پیش‌برنده و جذاب در سینما و هنرهای تصویری را مورد بررسی قرار داد و گفت: فرهنگ، به‌ویژه در قالب داستان‌های کهن و اسطوره‌ها، می‌تواند مفاهیم عمیق و ارزش‌های انسانی را در قالب انیمیشن روایت کند. این رویکرد به‌خصوص در بیان مفاهیم مربوط

به انقلاب و شخصیت‌های انقلابی اهمیت دارد، جایی که تمرکز بر جبهه مقاومت در برابر ظلم و اشغال است.

در پایان، خانم نیرومند بر ضرورت همبستگی و اتحاد مردمان آزادی‌خواه در سراسر جهان برای ادامه مسیر مقاومت تأکید نمودند و هشدار دادند که اگر بشریت این مسیر و ارزش‌های بنیادین را رها کند، ممکن است به سمت نابودی کامل حرکت کند. بنابراین، ادامه مقاومت تنها در گرو همبستگی و هم‌افزایی جمعی است.

در مجموع، این ارائه بر اهمیت هنر گرافیک و انیمیشن در ترویج گفتمان انقلاب، مقاومت و عدالت تأکید داشته و نقش هنرمندان انقلابی را در این مسیر، با انگیزه‌های قلبی و اعتقادی، بسیار مهم و تاثیرگذار می‌داند.

در دومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴، نشست ها و پنل های تخصصی با حضور جمعی از استادان، پژوهشگران و هنرمندان در دانشکده هنر دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی، در دو نوبت صبح و عصر برگزار شد. در این نشست ها سخنرانان به بررسی ابعاد مختلف هنر، به ویژه سینما و ادبیات انقلابی پرداختند. پنل عصر به ریاست دکتر مرتضی صدیقی فرد و دبیری خانم آزاده حاجی سلیمی به انجام رسید.

در این نشست، دکتر ساناز باحجب قدسی، استادیار دانشکده هنر دانشگاه بین‌المللی سوره به بررسی نقش خیال در هنر معاصر نگارگری ایران پس از انقلاب اسلامی پرداختند و مدلی چهارسطحی با عنوان «نظریه خیال واسطه ۴ ساحتی» را ارائه نمودند که تعامل دیالکتیکی بین سطوح متافیزیک، هنر، ایدئولوژی و جامعه را تحلیل می‌کند. او گفت: هدف اصلی این پژوهش تحلیل نقش خیال به عنوان واسطه هستی‌شناختی در نگارگری معاصر ایران است که پس از انقلاب ۱۳۵۷ شکل گرفته و در بستر ایدئولوژیکی انقلاب بازتعریف شده است. این هنر، نه تنها بازتاب مفاهیم متعالی مانند عالم مثال و خیال متصل در حکمت اسلامی است، بلکه به عنوان رسانه‌ای برای بازتولید مفاهیم شهادت، امت واحد اسلامی و مقاومت تبدیل شده است.

او در این مطالعه، نقش خیال هنرمند را به عنوان نیروی خلاقه



و واسطه‌ای که مفاهیم متافیزیکی را به نمادهای هنری و ایدئولوژیک تبدیل می‌کند، مورد تأکید قرار داد. او بیان نمود سوال اصلی پژوهش این است که چگونه خیال هنرمند، آرمان‌های متعالی فلسفه اسلامی را در بستر ایدئولوژیک پس از انقلاب بازآفرینی می‌کند و این فرآیند چه تأثیری بر هویت جمعی دارد. در ادامه دکتر باحجب قدسی بیان نمود: پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در مطالعات قبلی، بیشتر به رابطه هنر و قدرت، نمادپردازی و بازتولید ایدئولوژیک در هنر پس از انقلاب پرداخته شده است، اما کمتر به مبانی فلسفی خیال در سنت اسلامی و نقش فعال آن در پیوند با سطوح اجتماعی توجه شده است. پژوهش حاضر با تلفیق نظریات شیخ اشراق و حکمت متعالیه ملاصدرا، مدلی چهارسطحی ارائه می‌دهد که فراتر از دوگانه‌سازی‌های مدرن است و مفاهیم انتزاعی مانند خیال را در بستر ایدئولوژیک معاصر بررسی می‌کند و بر کنشگری هنرمند تأکید دارد.

او گفت: در بخش مدل، سطح هنری با سطح متافیزیکی از طریق مفهوم خیال هنرمند در ارتباط است، به گونه‌ای که تفسیرهای هنری می‌تواند در سطح اجتماعی بازتولید شده و نمادهای بصری در آثار هنری مانند آثار فرشچیان بررسی شدند. نمونه‌هایی مانند تصاویر عاشورا، ضامن آهو و عروج، مورد تحلیل قرار گرفتند که در آن‌ها نمادهای مذهبی و ایدئولوژیک مانند وحدت وجود، شهادت، غیبت، مقاومت و همبستگی به کار رفته است. برای مثال، نماد اسب بی‌سوار در اثر «ضامن آهو» نماد غیبت و رهبری غایب است و نمادهای شهادت و مقاومت در مراسم محرم و تعزیه، هویت شیعی و اشتراک‌گذاری معنای سوگواری را تقویت می‌کند.

او در ادامه بیان کرد: پژوهش حاضر بر تفاوت‌های آن با مطالعات پیشین تأکید می‌کند که عمدتاً بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی تمرکز داشتند، اما این مدل با تلفیق فلسفه و مطالعات گفتمان، امکان درک چندلایه از هنر اسلامی و ایرانی را فراهم می‌آورد. محدودیت‌های این مطالعه شامل

نمونه‌های محدود، تمرکز بر آثار خاص مانند آثار فرشچیان و نبود دسترسی کامل به اسناد سیاست‌گذاری نهادهای فرهنگی است که نیازمند مطالعات بیشتر و توسعه مدل در پژوهش‌های آتی است.

در ادامه در بخش روش‌شناسی، به محدودیت‌های تحلیل گفتمان کیفی و عدم استفاده از روش‌های کمی پیشرفته مانند تحلیل شبکه گفتمان اشاره شد، اما او بیان کرد که این محدودیت‌ها فرصت توسعه و تعمیق مدل را فراهم می‌آورد و امکان بررسی هنرهای تجسمی دیگر مانند خوشنویسی و معماری را نیز فراهم می‌کند. او همچنین، پیشنهاد داد که در پژوهش‌های آینده، با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و تحلیل بیگ دیتا، می‌توان الگوهای نمادین در حجم وسیع‌تری از داده‌ها را تحلیل کرد.

به صورت کلی او توضیح داد که این پژوهش تلاش دارد تا با پر کردن خلأهای موجود در مطالعات پیشین، مدل نوینی ارائه دهد که مفاهیم فلسفی و گفتمان‌های اجتماعی را در قالبی دیالکتیکی و فعال بررسی کند و نقش خیال و کنشگری هنرمند را در فرآیند بازتولید مفاهیم متعالی در هنر معاصر نشان دهد. در نتیجه دکتر باحجب‌قدسی هدف نهایی این مقاله را عبور از دوگانه‌سازی‌های سنت و مدرن و ارائه الگویی بیان کرد که هم میراث فلسفه ایرانی را حفظ کند و هم تحولات اجتماعی-سیاسی پس از انقلاب را در نظر بگیرد. خیال در این چارچوب، نه تنها برای هنر اسلامی بلکه برای تحلیل‌گرانش‌های هنری در جوامع در حال گذار مفید است و پلی میان حکمت دیروز و گفتمان امروز می‌سازد. او گفت که در نگارگری معاصر ایران، این مفهوم همچون آینه‌ای است که هم نور اشراق سهروردی و هم نور هدایت انقلاب اسلامی را بازتاب می‌دهد و نشان می‌دهد که هنر متعهد می‌تواند هم در سنت بماند و هم روایتگر جهان معاصر باشد.

در دومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴، نشست ها و پنل های تخصصی با حضور جمعی از استادان، پژوهشگران و هنرمندان در دانشکده هنر دانشگاه بین المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی، در دو نوبت صبح و عصر برگزار شد. در این نشست ها سخنرانان به بررسی ابعاد مختلف هنر، به ویژه سینما و ادبیات انقلابی پرداختند. پنل عصر به ریاست دکتر مرتضی صدیقی فرد و دبیری خانم آزاده حاجی سلیمی به انجام رسید.

در این نشست، دکتر مهناز احتشامی، عضو هیئت علمی گروه صنایع دستی دانشگاه الزهراء(س) به اهمیت و مبانی تفکر هنرمند در هنر انقلاب اسلامی پرداختند و بر نقش کلیدی تفکر و معرفت در فرآیند خلق اثر هنری تأکید



داشتند. اوبیان کرد که اثر هنری، همچون آینه‌ای است که اندیشه و تفکر هنرمند را نسبت به زیبایی بازتاب می‌دهد و در مرحله ایده‌پردازی و صورت‌بندی عناصر، سهم قابل توجهی در اثرگذاری دارد. او گفت: در هنر انقلاب اسلامی، تفکر هنرمند باید بر مبنای جهان بینی اسلامی و اصول قرآنی شکل گیرد، چرا که هنر این نظام باید با مبانی اسلامی هم‌راستا باشد و زیبایی آن باید در حد و اندازه شأن و مرتبه بالای خداوند و اسما الحسنى تعریف شود. این زیبایی، نه تنها جلوه‌ای از حسن و کمال است، بلکه مخاطب را به سمت حرکت به سوی کمال و حقیقت دعوت می‌کند.

خانم احتشامی بر تفاوت‌های تفکر در نظام اسلامی با تفکر رایج تأکید نمود و بیان داشت: در تفکر اسلامی، هدف و غایت آن، رسیدن به حقیقت و کمال است، در حالی که در نظام‌های غربی، تمرکز صرف بر حل مسئله و نیازهای سطحی است. در دیدگاه قرآنی، تفکر یک فرآیند الهی است که انسان را از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب سوق می‌دهد و همیشه مثبت و راهی برای رشد و حقیقت‌جویی است. بنابراین، هنرمند انقلابی باید به زیبایی از جنس کمال و حسن توجه کند و اثر خود را بر اساس این معیارها خلق کند.

او بیان نمود که ساختار تفکر اسلامی در این پژوهش، شامل سه مرحله است: اول، برانگیختگی و انگیزه‌گیری بر اثر مشاهده نیاز و سوال؛ دوم، رجوع به معیارهای حق و الگوهای اسلامی برای تعیین مسیر صحیح؛ و سوم، دریافت علم و کشف حقیقت متناسب با نیاز مطرح شده. او گفت که این مراحل در فرآیند خلق اثر هنری، به هنرمند کمک می‌کند تا اثرش را بر اساس نیازهای واقعی جامعه و با تکیه بر مبانی اسلامی ساماندهی کند. در نتیجه، اثر هنری باید هم‌راستا با حقیقت و معیارهای حق باشد و هنرمند باید در تشخیص و رجوع به منابع معتبر و مبانی اسلامی دقت کند تا از مسیر حق منحرف نشود.

او معتقد است که ارتباط با امام یا رسول حق تنها راه دستیابی به حقیقت و دریافت علم است؛ در غیر این صورت، فرد در غفلت و ناآگاهی قرار می‌گیرد و

تشخیص درست ندارد، زیرا امام و ولی حق ندارد. او بیان کرد که مرحله نهایی این فرآیند، یعنی کشف و دریافت حقیقت، به فرد امکان می‌دهد بهترین و شایسته‌ترین بیان موضوع را در اثر هنری ارائه دهد. این ارائه، نه تنها نتیجه کار است بلکه چرخه‌ای از کشف نیازهای جدید و تولید آثار نوین را شکل می‌دهد، و در نتیجه، هنر انقلاب اسلامی باید بر مبنای تغییر و کمال باشد، همان‌طور که واژه «انقلاب» در بر دارد.

در نتیجه، خانم احتشامی بیان نمودند: هنر انقلاب اسلامی باید بر پایه تفکر الهی و شناخت عمیق از زیبایی و حقیقت بنا شود. فرآیند خلق اثر باید از مرحله انگیزش و نیازسنجی تا رجوع به معیارهای حق و کشف حقیقت، به صورت منسجم و هدفمند انجام گیرد تا اثر نهایی بتواند مخاطب را به سمت کمال و حقیقت سوق دهد. هنرمندانی که چنین نگرشی دارند، در فرآیند خلق هر اثر، گویی برای خدا قیام می‌کنند و با ارائه آثار خود، موجبات تغییر و سیر به سمت کمال در مخاطب را فراهم می‌آورند. این رویکرد، نمایانگر هنر واقعی و فراگیر انقلاب است که هدف آن تغییر به سمت مطلوب و کمال است و در نهایت، هنر انقلابی باید هم‌راستا با حق و حقیقت باشد و اثر خود را بر اساس نیازهای حقیقی جامعه و معیارهای اسلامی شکل دهد.

دانشکدهٔ فرهنگ و ارتباطات

سومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی در چهار پنل برگزار گردید، نخستین پنل در نوبت صبح از ساعت ۹ الی ۱۰:۳۰ با موضوع ادبیات پایداری و انقلاب اسلامی به ریاست دکتر محمدرضا سنگری و دبیری آقای میثم یوسفی به انجام رسید.

در اولین سخنرانی از این پنل، دکتر سید رضا نقیب‌السادات، عضو هیئت علمی دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی، مقاله خود با عنوان «الزامات و ویژگی‌های رسانه تراز انقلاب اسلامی» را ارائه نمودند و به بررسی وضعیت و چالش‌های حوزه رسانه در عصر فناوری‌های نوین و جنگ‌های شناختی پرداختند. ایشان اشاره داشتند که با پیشرفت فناوری، کنترل بر افکار عمومی به شدت افزایش یافته است، به گونه‌ای که این فناوری‌ها نه تنها ابزار مهندسی افکار، بلکه وسیله‌ای برای کنترل و مهندسی ذائقه عمومی شده‌اند. این روند باعث می‌شود که مردم ساعت‌ها در شبکه‌های اجتماعی پاسخگو و درگیر شوند و اطلاعات را بالا و پایین کنند، در حالی که این بازی‌ها و مهندسی‌ها واقعیت‌های زندگی را از دید آن‌ها دور می‌کند.

دکتر نقیب‌السادات بر این نکته تأکید کردند که فناوری‌های جدید، در حال حاضر به عنوان ابزار جنگ شناختی عمل می‌کنند، به طوری که ذهن و روان انسان‌ها تسخیر می‌شود. ایشان نمونه‌هایی از تأثیرات این فناوری‌ها در اعتراضات و تحولات سیاسی، مانند اعتراضات ۱۴۰۱ و انتخابات ۸۸ را ذکر کردند که نشان‌دهنده تأثیر عمیق این جنگ‌های شناختی بر ذهنیت و رفتار مردم است.

در ادامه، او به اهمیت توسعه و ترویج رسانه‌های تراز انقلاب اسلامی اشاره نمود که ویژگی‌هایی مانند صداقت، عدالت، استقلال از سلطه، گفتمان‌سازی فعال و هویت‌محوری باید در آن‌ها رعایت شود. وی بر لزوم تقویت سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای تأکید نمود تا مردم بتوانند حقیقت را از تحریف تشخیص دهند و در مقابل حمله‌های فرهنگی و رسانه‌ای دشمنان مقاومت کنند. او همچنین،

تولید محتوای متناسب با ارزش‌های اسلامی و ملی و ترویج سبک زندگی اسلامی و ایرانی را از دیگر الزامات بیان کرد.

دکتر نقیب‌السادات در پایان بیان نمودند که اگر رسانه‌های انقلابی، این ویژگی‌ها را در عمل پیاده کنند، می‌توانند در مقابل جنگ شناختی و تهدیدات رسانه‌ای دشمنان ایستادگی کرده و روایت صحیحی از وقایع جامعه ارائه دهند. این رویکرد، موجب افزایش مشارکت مردم، تقویت هویت ملی و اسلامی و در نتیجه، ایجاد نظامی مقاوم در برابر نفوذ و تحریف‌های دشمنان خواهد شد.

سومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی در چهار پنل برگزار گردید، نخستین پنل در نوبت صبح از ساعت ۹ الی ۱۰:۳۰ با موضوع ادبیات پایداری و انقلاب اسلامی به ریاست دکتر محمدرضا سنگری و دبیری آقای میثم یوسفی به انجام رسید.

در دومین سخنرانی از پنل نخست، دکتر محمدرضا وحیدزاده، مدیر گروه ادبیات پایداری دانشگاه بین‌المللی سوره، در بخش میان‌رشته‌ای همایش ذیل عنوان مستندسازی و تاریخ‌نگاری هنر انقلاب اسلامی، مقاله خود به اسم «نقش نظریه ادبی در تدوین تاریخ ادبیات انقلاب اسلامی» را ارائه نمودند.

او در ابتدای صحبت‌های خود بر اهمیت شناخت پدیده‌هایی مانند ادبیات، هنر، معماری و سینما در دوره‌های مختلف انقلاب اسلامی تأکید نمود و معتقد است که برای تدوین تاریخ این حوزه‌ها باید عناصر مختلف را کنار هم قرار داد و رابطه آن‌ها را تحلیل کرد. وی بر ضرورت داشتن تئوری و نگرش مشخص در مطالعه تاریخ ادبیات تأکید نمود و گفت بدون توجه به مبانی نظری، نمی‌توان به نتایج مطلوب رسید. همچنین، تفاوت میان تاریخ ادبیات، نقد ادبی و نظریه ادبی را شرح داد و افزود که هر یک مرزهای مشخص و نقش متفاوتی دارند، اما در عین حال به هم مرتبط هستند.

در ادامه، دکتر وحیدزاده به دسته‌بندی تاریخ‌های ادبیات از دیدگاه آقای مهدی زرقانی پرداختند، که سه نوع تاریخ ادبیات نویسی را دسته‌بندی می‌کند: پیشا تذکره‌ای، تذکره‌ای و تاریخ ادبیاتی. او بیان کرد که آثار پیشا تذکره‌ای به نوعی برگرفته از کتب رجالی یا کتب طبقاتی هستند و شرح حال و آثار بزرگانی چون شاعران و چهره‌های ادبی را در بر می‌گیرند و در دوره‌های مختلف به زبان عربی و فارسی نگاشته شده‌اند و در دوره‌های بعد، با رویکردهای نوین و تأثیرات غرب، تاریخ‌نگاری‌های جدید شکل گرفته است.

او همچنین به آثار مهم در تاریخ‌نگاری ادبیات، از جمله آثار مستشرقین و

نویسندگان ایرانی مانند عباس اقبال آشتیانی، فروزانفر، صادق رضازاده شفق، ملک الشعرا بهار، سعید نفیسی و حسین رزمجو اشاره نمود. وی بیان کرد که بیشتر این آثار، فاقد پشتوانه نظری قوی هستند و غالباً بدون تبیین رویکردهای نظری و روش‌شناسی مشخص، نگاشته شده‌اند، بنابراین نیاز است که در تحلیل تاریخ ادبیات، مبانی نظری و رویکردهای پژوهشی مورد توجه قرار گیرد. در ادامه وی بر اهمیت نظریه ادبی و نسبت آن با آثار ادبی تأکید کرد و رویکردهای مختلف در نظریه ادبی را دسته‌بندی و معرفی کرد تا بتوان بر اساس آن، رویکردهای مناسب برای تحلیل و تدوین تاریخ ادبیات انقلاب اسلامی را مشخص نمود.

دکتر وحیدزاده به بررسی رویکردهای نظری در تحلیل تاریخ ادبیات انقلاب اسلامی پرداخت و آن را به دو دسته کلی فردگرا و جامعه‌گرا تقسیم نمود. رویکردهای فردگرا بر خلاقیت فردی، نبوغ و درخشش شخصیت‌های ادبی تأکید دارند و در این دسته، رویکردهای فرمالیستی نسل اول قرار می‌گیرند که بر اصالت متن اثر ادبی و نبوغ فردی تأکید دارند، یعنی اثر ادبی فارغ از پیوندهای اجتماعی و پیرامون آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این رویکرد در نسل دوم تعدیل شده و توجه بیشتری به شرایط پیرامون اثر دارد، اما همچنان بر متن تأکید می‌کند.

در مقابل، رویکردهای جامعه‌گرا نقش جامعه و عوامل اجتماعی را در شکل‌گیری و تکوین آثار ادبی برجسته می‌دانند. هیپولیت تِن، منتقد فرانسوی، اولین کسی است که بر نقش جامعه در نقد ادبیات تأکید نمود و بعدها سوسیالیست‌ها بر اهمیت اقتصاد و زیرساخت‌های اقتصادی در شکل‌گیری پدیده‌های فرهنگی و ادبی تأکید نمودند. این رویکردها معتقدند که تاریخ ادبیات باید از منظر اقتصاد و ساختارهای اجتماعی روایت شود و پدیده‌های ادبی را در ارتباط با تحولات اجتماعی و اقتصادی تحلیل کرد.

او همچنین به رویکردهای ساختارگرایی تکوینی اشاره کرد که بر رابطه بین

ذهنیت و عینیت، عوامل برون‌متنی و نقش ساختارهای اجتماعی در شکل‌گیری آثار ادبی تمرکز دارند. او بر اهمیت نظریه نقد تکوینی تأکید نمود و معتقد است برای بازخوانی تاریخ ادبیات انقلاب اسلامی باید از این رویکرد بهره برد. بر اساس این نظریه، باید در تحلیل آثار، موضع مشخصی اتخاذ کرد و رابطه اثر با پدیده‌های اجتماعی و جریان‌سازی آن‌ها را مورد توجه قرار داد.

در ادامه، او نمونه‌هایی از شاعران و آثار ادبی را ذکر نمود تا نشان دهد چگونه رویکرد انتخاب‌شده بر تحلیل تاریخی اثر تأثیر می‌گذارد. برای مثال، او از عدم ذکر نام استاد علی معلم دامغانی در تاریخ شعر انقلاب اسلامی در دوره مورد بررسی، به دلیل غیبت و انزوای او در آن زمان، صحبت نمود، در حالی که در دوره‌های بعد، آثار او نقش مهمی در جریان‌سازی ادبی داشتند. همچنین، او به نمونه‌هایی مانند شعر صفارزاده در مدح شریعتی و اثرگذاری آن در جریان‌های فرهنگی اشاره نمود و در مقابل، شاعران دیگری مانند جواد مهندسی و آثارشان را بر اساس معیارهای زیبایی‌شناسی و استاتیک ارزیابی کرد.

در پایان، دکتر وحیدزاده تأکید نمود که انتخاب رویکرد نظری در تحلیل تاریخ ادبیات، نقش تعیین‌کننده‌ای در نتایج و برداشت‌ها دارد و باید با دیدی خاص و موضع‌گیری مشخص به این تحلیل‌ها پرداخت. او همچنین اشاره کرد که این رویکردها در تحلیل هنرهای دیگر مانند سینما و سایر مقولات فرهنگی نیز کاربرد دارند و انتخاب صحیح رویکرد، مسیر تحلیل تاریخ ادبیات و هنر را شکل می‌دهد.

سومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی در چهار پنل برگزار گردید، دومین پنل در نوبت صبح از ساعت ۱۰:۳۰ الی ۱۲ با موضوع ادبیات پایداری و انقلاب اسلامی به ریاست دکتر سمیرا خطیب‌زاده و دبیری دکتر محمدرضا وحیدزاده به انجام رسید.

در اولین سخنرانی از پنل دوم، خانم عاطفه مظلوم، مقاله‌ای درباره «رسانه‌های تراز انقلاب اسلامی» که بخشی از پایان‌نامه شخصیشان بود را ارائه کردند. در این مقاله، موارد و شاخص‌هایی که یک رسانه تراز انقلاب باید دارا باشد، مورد بررسی قرار گرفته است. اهمیت جایگاه رسانه در نظام اسلامی، نقش آن در ترویج گفتمان انقلاب و ضرورت بازتعریف رسانه‌های انقلابی از جمله موضوعات اصلی است.



ایشان سه مأموریت کلیدی را برای این نوع رسانه‌ها در نظر گرفتند: اول، تمرین گفتمان انقلاب بر پایه اسلام ناب محمدی که در مقابل اسلام آمریکایی قرار دارد؛ دوم، طراحی و اجرای الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی و سوم، مقابله با جنگ‌های شناختی دشمن در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. سوالات محوری مقاله به چالش‌ها و راهکارهای رسیدن به یک رسانه تراز انقلاب اختصاص یافته است، به ویژه در مواجهه با جنگ شناختی دشمن.

در ادامه خانم مظلوم گفتند: روش پژوهشی مورد استفاده، رویکرد تفسیرگرایانه و کیفی است که بر تحلیل اسناد و بیانات امام خمینی و مقام معظم رهبری استوار است. چارچوب تحلیل، نظریه‌های رسانه و گفتمان انقلاب است. مبانی نظریه انقلاب اسلامی بر چهار اصل پایدار است که همان اسلام ناب است و در مقابل اسلام آمریکایی قرار دارد. تأکید بر مفهوم ولایت فقیه و نظریه حکومت اسلامی، نقش رسانه‌ها در ترویج گفتمان انقلاب و رسیدن به الگوی ایرانی-اسلامی، از دیگر موضوعات مهم است.

او در ادامه بیان کرد: رسانه‌ها باید به عنوان ابزار ترویج این الگو عمل کرده و در مسیر خودباوری ملی و مذهبی، پیوند آن با عدالت اجتماعی، نوآوری‌های علمی و توسعه فرهنگ اسلامی نقش‌آفرین باشند. ویژگی‌های یک رسانه تراز انقلاب شامل ولایت‌مداری، صداقت، حقیقت‌جویی، آگاهی‌بخشی، استقلال، استکبارستیزی، عدالت‌محوری، مبارزه با فساد، و مقابله با جنگ شناختی است. در مقابل، تهدیدها و چالش‌ها شامل نفوذ فرهنگی، وابستگی اقتصادی، کمبود نیروهای متخصص، ضعف در پوشش فضای مجازی، و سرعت انتشار شایعات بیان شد. راهکارهای پیشنهادی خانم مظلوم برای رفع این موانع شامل ارتقای سواد رسانه‌ای، تعامل با مراکز پژوهشی و دانشگاهی، شبکه‌سازی بین‌المللی، حمایت مالی شفاف، و فعال‌سازی فضای مجازی بود. همچنین، توسعه سبک زندگی اسلامی، آینده‌نگری، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، و تقویت دیپلماسی رسانه‌ای از دیگر راهکارها بود.

در حوزه فعالیت‌های برون‌مرزی، تأکید ایشان بر فعالیت‌های دیپلماتیک رسانه‌ای، همکاری با رسانه‌های مستقل جهانی، تولید محتوای جهانی، مقابله با اسلام‌هراسی، و توسعه شبکه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بود. نمونه‌هایی از این رسانه‌ها شامل رسانه‌های مقاومت در لبنان، جنبش‌های ضد سلطه در آمریکای لاتین، و رسانه‌های اسلامی در جنوب شرقی آسیا بودند.

به گفته او رسانه‌های تراز انقلاب، از زمان انقلاب و دفاع مقدس تاکنون، نقش مهمی در مقابله با تهاجم فرهنگی، بیداری اسلامی، تحولات داخلی، و فرهنگ و هنر ایفا کرده‌اند. این رسانه‌ها در حفظ انسجام اجتماعی، مقابله با جنگ‌های ترکیبی، تقویت امنیت سایبری و نقد و انتقاد سازنده نقش دارند.

در نهایت، خانم مظلوم بر اهمیت سواد رسانه‌ای، شبکه‌سازی، دیپلماسی و ترویج سبک زندگی اسلامی تأکید کردند. هدف نهایی، حفظ هویت اسلامی-ایرانی، تقویت تعامل با نهادهای مردمی و توسعه فعالیت‌های بین‌المللی است تا آینده‌ای درخشان برای رسانه‌های تراز انقلاب اسلامی رقم زده شود. نتیجه‌گیری نهایی نشان می‌دهد که این رسانه‌ها نقش محوری در دفاع از اصول و ارزش‌های انقلاب، مقابله با جنگ نرم دشمن، و تعمیق گفتمان انقلاب اسلامی دارند، به شرط پایبندی به اصولی چون استکبارستیزی، ولایت‌مداری و هویت اسلامی-ایرانی.

سومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی در چهار پنل برگزار گردید، دومین پنل در نوبت صبح از ساعت ۱۰:۳۰ الی ۱۲ با موضوع ادبیات پایداری و انقلاب اسلامی به ریاست دکتر سمیرا خطیب‌زاده و دبیری دکتر محمدرضا وحیدزاده به انجام رسید.

در دومین سخنرانی از این پنل، آقای میثم یوسفی، دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، سخنرانی خود با عنوان «روح ولایت در هنر با رویکرد بررسی ولایت‌مداری در شاهنامه فردوسی» را ارائه نمودند و به موضوع اهمیت و جایگاه فردوسی در فرهنگ و هویت ایرانی پرداختند و معتقدند که فردوسی نه تنها یک شاعر بزرگ بلکه نماد روح ولایت و فرهنگ ایرانی است. او اشاره نمود که آثار فردوسی،



به‌ویژه شاهنامه، نه تنها یک اثر ادبی بلکه یک شاهکار هنری و فرهنگی است که می‌تواند در حوزه‌های مختلفی مانند ادبیات نمایشی، سینما و پژوهش‌های تاریخی مورد استفاده قرار گیرد. وی بر این باور است که شاهنامه باید به عنوان یک منبع مهم برای شناخت عناصر ایرانی و عناصر اسلامی مورد مطالعه قرار گیرد و در این راستا، باید به نقش فردوسی در ترویج و تثبیت اعتقادات شیعی و اسلامی اشاره کرد، چرا که شواهدی در شاهنامه وجود دارد که فردوسی شیعه است و در بخش‌هایی از آن بر اعتقادات شیعی تأکید شده است.

آقای یوسفی همچنین به تحقیقات و منابع خارجی اشاره کردند که فردوسی را نه تنها مسلمان بلکه شیعه معرفی می‌کنند و این منابع اشاره دارند که فردوسی در خانواده‌ای شیعه بزرگ شده است. ایشان بر اهمیت مطالعه و پژوهش در شاهنامه تأکید کرده و معتقد است که این اثر بحث‌نمادها است که ویژگی‌ها و مفاهیم ایرانی را در جان انسان‌ها رسوب می‌دهد. از جمله مفاهیمی که در شاهنامه مورد بررسی قرار گرفتند، هنر مذاکره، فضایل پهلوانی و ارزش‌های شهریاری است.

در ادامه، او به محورهای اصلی شاهنامه پرداخت که یکی از آن‌ها محور شهریاری است، یعنی جریان سلطنت و حکومت، که از جمشید آغاز شده و تا منوچهر و دیگر پادشاهان ادامه می‌یابد. او بر نقش ولایت و ولایت‌مداری در شاهنامه تأکید کرده و بیان نمود که شخصیت‌هایی مانند رستم، نماد پهلوانی و وفاداری به ولایت هستند و این رابطه بین شهریار (پادشاه و رهبر دینی و سیاسی) و جهان پهلوان (پهلوان و قهرمان ملی) در قالب حرکت در مسیر ولایت و اطاعت از فرمان‌های الهی است.

وی همچنین به نقش و اهمیت ولایت در ساختار شاهنامه اشاره نمود و معتقد است که اگر شهریار و جهان پهلوان از مسیر ولایت خارج شوند، دچار مشکلات و انحرافات می‌شوند که در نتیجه آن، سرزمین و جامعه دچار بحران می‌گردد. ایشان نمونه‌هایی مانند جمشید و دیگر شخصیت‌های شاهنامه را

برای نشان دادن اهمیت ولایت و خطاهای ممکن در مسیر ولایت ذکر کردند. در پایان، آقای میثم یوسفی رابطه بین ولایت، هنر و انقلاب اسلامی را مورد تأکید قرار داده و بیان نمود که رهبری و ولایت در انقلاب اسلامی نقش محوری دارند و هنر باید در مسیر تعالی و معنویت حرکت کند، همان طور که در شاهنامه و فرهنگ ایرانی این مفاهیم، جایگاه ویژه‌ای دارند.

سومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی در چهار پنل برگزار گردید، دومین پنل در نوبت صبح از ساعت ۱۰:۳۰ الی ۱۲ با موضوع ادبیات پایداری و انقلاب اسلامی به ریاست دکتر سمیرا خطیب‌زاده و دبیری دکتر محمدرضا وحیدزاده به انجام رسید.

در آخرین سخنرانی از این پنل، آقای امیرهوشنگ سبزواری، دانشجوی کارشناسی مدیریت دفاعی دانشگاه افسری امام علی(ع) به ارائه مقاله خود تحت عنوان «بررسی نقش هنر در دوران جنگ ایران و عراق و چگونگی بازنمایی مفاهیم دفاع مقدس، ایثار، شهادت و مقاومت در آثار هنری آن دوره» پرداختند. هدف اصلی مقاله تحلیل تاثیرات هنرهای مختلف از جمله هنرهای تجسمی،



ادبیات، سینما و مجسمه‌سازی در ترویج ارزش‌های ملی و تقویت هویت ملی است.

وی ابتدا به اهمیت هنر در دوره جنگ اشاره کرد و گفت: هنر می‌تواند هم واقعیت‌های تلخ جنگ را بازتاب دهد و هم آرمان‌های معنوی و ارزش‌های والای دفاع مقدس را ترویج کند. در این راستا، گفتمان دفاع مقدس به عنوان یک گفتمان سیاسی و اجتماعی مطرح است که حول محور دشمن، خودی، شکست و پیروزی شکل گرفته است. بازنمایی جنگ در هنر به دو نوع تقسیم می‌شود: یکی تمرکز بر واقعیت‌های تلخ و دیگری بر آرمان‌های معنوی و ارزش‌های والای جنگ. در ادامه در بخش تاثیرات فرهنگی جنگ، نقش هنرمندان تجسمی در استان خوزستان و ثبت ارزش‌ها و فرهنگ ملی در آثارشان مورد بررسی قرار گرفته و هنر به عنوان ابزار قدرتمندی برای انتقال ارزش‌های دفاع مقدس و هویت ملی معرفی شد. پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه نیز از طریق منابع مختلف مانند کتاب‌ها، مقالات و مجلات معتبر جمع‌آوری شده‌اند.

آقای سبزواری در یافته‌های پژوهشی، پنج حوزه مهم را بیان نمودند: هنرهای تجسمی، ادبیات، سینما، ایثار و شهادت و مقاومت. در هنرهای تجسمی، نقاشان معروف مانند استاد صادقی با استفاده از رنگ‌های تیره و چهره‌های رزمندگان، واقعیت‌های جنگ و احساسات عمیق را به تصویر کشیده‌اند. در مجسمه‌سازی، یادبود شهدا و مجسمه رزمندگان و استفاده از سنگ در مجسمه‌سازی، نماد مقاومت و ایثار هستند. در ادبیات، شاعران مانند قیصر امین‌پور و حسن حسینی با سرودن شعرهای وطن‌پرستانه و مقاومتی، احساسات درونی مخاطب را برمی‌انگیزند و روحیه رزمندگی را تقویت می‌کنند. نویسندگان مانند احمد دهقان و رضا امیرخانی با سبک‌های مختلف، رنج و تجربیات جنگ را روایت کرده‌اند. در سینما، فیلم‌های جنگی ساخته کارگردانانی مانند ابراهیم حاتمی‌کیا، صحنه‌های نبرد و فداکاری‌های رزمندگان را به تصویر می‌کشند و در بخش مستندهای جنگی با استفاده از مصاحبه‌ها و تصاویر

واقعی، ارزش‌های دفاع مقدس را زنده نگه می‌دارند. به گفته وی مفهوم ایثار و شهادت نیز با نمادهای مذهبی، ملی و جنگی به عنوان یک ارزش والا شناخته میشود که روحیه ایثار و فداکاری را تقویت می‌کند و الگوهای رفتاری برای جامعه ایجاد می‌نماید. آثار هنری پس از جنگ، مقاومت رزمندگان و مردم مناطق جنگ‌زده را نشان می‌دهند و نقش مهمی در وحدت ملی دارند.

در پایان، آقای امیرهوشنگ سبزواری تاکید کردند که هنر می‌تواند ابزار قدرتمندی برای ترویج ارزش‌های دفاع مقدس و تقویت هویت ملی باشد. نمادهای دینی و ملی در آثار هنری نشان می‌دهد که هنر به بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت ملی تبدیل شده است. هنر همچنین می‌تواند درد و رنج دوران جنگ را بیان کند و منبع الهام برای ادامه مسیر مبارزه و مقاومت باشد.

سومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی در چهار پنل برگزار گردید، سومین پنل در نوبت عصر از ساعت ۱۴ الی ۱۶ با موضوع ارتباطات و رسانه به ریاست دکتر محسن بنی‌هاشمی و دبیری دکتر فرزانه شریفی به انجام رسید.

در اولین سخنرانی از پنل سوم، دکتر سمیرا خطیب‌زاده، عضو هیئت علمی و مدیر گروه مدیریت فرهنگی و رسانه دانشگاه بین‌المللی سوره، مقاله خود با عنوان «حکمرانی فضای مجازی در انقلاب اسلامی، واکاوی فرصت‌ها و چالش‌ها» را ارائه دادند.

او در ابتدا بیان نمود: فضای مجازی، به دلیل ویژگی‌های ماهوی و ساختاری



غیرمتمرکز، اعمال حکمرانی سنتی در آن بسیار دشوار است و نیازمند رویکردهای نوین و جامع است. هدف اصلی پژوهش، شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های حکمرانی مجازی در انقلاب اسلامی است، چرا که فضای سایبری با حرکت‌های خاموش و پیش‌دستانه، سیاست‌گذاری‌های کشور را با چالش‌های جدید روبرو می‌کند. مدیران و سیاست‌گذاران بدون توجه به ماهیت این فضا، توسعه‌های ناپایدار در حوزه سایبری انجام داده‌اند، در حالی که این پدیده، ساخته دست کشورهای غربی است و فرهنگ سازندگان آن در کشور مصرف‌کننده منتقل می‌شود، بنابراین نقش فضای مجازی در حکمرانی آینده انقلاب اسلامی نباید نادیده گرفته شود. بر اساس آمار، در سال ۱۴۰۳، ۸۵.۴ درصد مردم ایران از اینترنت استفاده می‌کنند و ۳۵.۷ درصد از این نفرت، روزانه بیش از سه ساعت در فضای مجازی فعال هستند، که این ارقام رو به افزایش است و نشان‌دهنده اهمیت مطالعه و برنامه‌ریزی در حوزه حکمرانی مجازی برای تحول به سمت تمدن اسلامی است.

او در ادامه بیان کرد: ادبیات نظری این پژوهش بر سه مفهوم فضای مجازی، حکمرانی و حکمرانی فضای مجازی تمرکز دارد. و فضای مجازی به عنوان یک اکوسیستم را شامل چهار لایه دانست: تجهیزات فیزیکی، پلتفرم‌ها و سامانه‌های فناورانه، محتوای اطلاعاتی و نیروی انسانی. برخی محققان معتقدند که در تعاریف رایج، ابعاد فرهنگی و اجتماعی فضای مجازی نادیده گرفته شده و این فضا را باید به عنوان یک جامعه کامل در نظر گرفت، نه صرفاً ابزار.

او همچنین در مورد حکمرانی گفت: تعریف آن شامل شیوه و حالت حکومت‌کردن، ابزار و نتیجه آن است که در وادی هدایت و کنترل قرار دارد. حکمرانی فضای مجازی، مجموعه قوانین، سیاست‌ها و سازوکارهایی است که برای مدیریت و تنظیم فعالیت‌های دیجیتال در ابعاد فنی، حقوقی، فرهنگی و امنیتی به کار می‌رود. تاریخچه حکمرانی فضای مجازی در ایران از دهه ۱۳۷۰ آغاز می‌شود، با ورود اینترنت و توسعه زیرساخت‌ها، تصویب قوانین و سیاست‌های

مربوط به فضای مجازی، تأسیس شورای عالی فضای مجازی، توسعه شبکه ملی اطلاعات، و در دهه ۱۳۹۰، تقویت زیرساخت‌های بومی، مقابله با تهدیدات سایبری و تدوین سند ملی فضای مجازی صورت گرفته است. در دهه ۱۴۰۰، تمرکز بر رشد اقتصاد دیجیتال و عدالت است.

در ادامه، دکتر خطیب‌زاده فرصت‌ها و چالش‌های حکمرانی فضای مجازی در انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار دادند. او بیان نمود: در بخش فرصت‌ها، یکی از مهم‌ترین آن‌ها تقویت مشارکت مردمی است که از طریق پلتفرم‌های دیجیتال، امکان مشارکت مستقیم شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و گفت‌وگوی مستقیم بین مردم فراهم می‌شود و این می‌تواند به تقویت حقوق و مردم‌سالاری دینی کمک کند. از دیگر فرصت‌های موجود می‌توان به ارتقاء



شفافیت و پاسخگویی در حکمرانی اشاره کرد که با ایجاد دولت الکترونیک، سامانه‌های هوشمند و دسترسی آسان‌تر به خدمات عمومی مانند بهداشت، آموزش و اداری، تحقق می‌یابد. گسترش گفتمان انقلاب اسلامی در فضای مجازی نیز یکی دیگر از فرصت‌ها است که می‌تواند برای ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی، راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی و مقابله با جنگ نرم دشمنان بهره‌بردار شود. مدیریت بحران‌ها با بهره‌گیری از هوش مصنوعی، نمونه‌ای از کاربردهای این فناوری در مواقع بحران مانند دوران کرونا است. همچنین، تقویت اقتصاد دیجیتال و توسعه کسب‌وکارهای اینترنتی و استارت‌آپ‌ها فرصت‌هایی برای رشد اقتصادی و نوآوری فراهم می‌کند. مقاومت در برابر هژمونی غرب نیز با توسعه شبکه ملی اطلاعات و پیام‌رسان‌های داخلی قابل تحقق است.

او در همین راستا گفت: در مقابل، چالش‌های حکمرانی مجازی در انقلاب اسلامی شامل تنش میان آزادی و امنیت، تعارض حاکمیت ملی با ماهیت فرامرزی فضای مجازی، چالش‌های فناورانه و زیرساختی، تعارض گفتمان اسلامی با محتوای غربی و فقدان چارچوب حقوقی شفاف است. این چالش‌ها در کنار تأثیر منفی محتواهای غربی مانند سکولاریسم و فمینیسم بر سبک زندگی ایرانی-اسلامی، نیازمند توجه و مدیریت هوشمندانه است.

در پایان، دکتر خطیب‌زاده بیان کردند: حکمرانی فضای مجازی فرصت بی‌ظیری برای تحقق آرمان‌هایی چون استقلال، پیشرفت و عدالت است، اما بدون عبور از چالش‌ها، ممکن است به تهدید تبدیل شود. موفقیت در این حوزه نیازمند عزم ملی، نوآوری و حفظ تعادل بین ارزش‌های دینی و مقتضیات جهانی است. رهبر معظم انقلاب بر اهمیت فضای مجازی به عنوان میدان جهاد تأکید دارند، جایی که فرصت‌ها باید به تهدید تبدیل نشوند. راهکارهای پیشنهادی دکتر خطیب‌زاده شامل تدوین سند راهبردی، توسعه ساختارهای بومی، آموزش سواد رسانه‌ای، همکاری‌های بین‌المللی و حمایت از نخبگان فناوری در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، بلاک چین و فناوری‌های نوین بود.

سومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی در چهار پنل برگزار گردید، سومین پنل در نوبت عصر از ساعت ۱۴ الی ۱۶ با موضوع ارتباطات و رسانه به ریاست دکتر محسن بنی‌هاشمی و دبیری دکتر فرزانه شریفی به انجام رسید.

در این سخنرانی، خانم کوثر مهرزاده، دانش‌آموخته رشته مدیریت رسانه دانشگاه بین‌المللی سوره، مقاله مشترک خود با دکتر یوسف خجیر، قائم مقام عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی سوره با عنوان «راهبرد تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی برای خانواده‌های ایرانی-اسلامی» را ارائه نمود. او ابتدا به نقش بومیان دیجیتال اشاره نمود که در حال حاضر نقش‌هایی فراتر از



نقش‌های سنتی خانواده ایفا می‌کنند و به عنوان مادر و پدر در فضای مجازی ظاهر می‌شوند. این تغییرات، چالش‌ها و دغدغه‌های جدیدی را برای خانواده‌ها ایجاد کرده است، به خصوص در زمینه حفظ ارزش‌ها، اعتقادات و باورهای دینی که پایه‌های تربیت نسل‌های آینده هستند.

خانم مهرزاده، چارچوب نظری مبتنی بر خانواده شبکه‌ای شده را بیان کردند که در آن، شکل خانواده‌ها تغییر میکند و شبیه به خانواده‌هایی میشوند که شبکه‌ای زیست میکنند و این تغییر در زیست خانواده، ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او بیان کرد هدف اصلی حفظ و ترویج ارزش‌های ایرانی و اسلامی در این فضا است، به طوری که هم چارچوب‌های فرهنگی حفظ شود و هم کارکردهای شبکه‌های اجتماعی نقض نگردد، چرا که سیاست‌های سلبی در این حوزه کارآمد نیست و باید به سمت تولید محتوای موثر و سازگار با نیازهای خانواده‌ها حرکت کرد.

در بخش پژوهشی، روش تحلیل مضمون و ابزار مصاحبه و شبکه‌های اجتماعی برای جمع‌آوری داده‌ها ذکر شد. او یافته‌های پژوهش را در ۵ دسته کلی ارائه نمود:

۱. شاخص‌های محتوای مطلوب برای خانواده‌های ایرانی و اسلامی که باید با آموزه‌های دینی و بنیان‌های خانواده هم‌راستا باشد و امنیت فرهنگی خانواده‌ها را تامین کند. در عین حال، باید جذابیت‌هایی برای نسل جدید داشته باشد، مانند جایگزینی پادکست به جای رادیو که در عصر جدید محبوب است.
۲. فرصت‌ها و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی بومی، به ویژه محدودیت‌های ظرفیت و رقابت با شبکه‌های جهانی مانند تلگرام، که به دلیل تحریم‌ها و ضعف در جذب مخاطب، چالش برانگیز است. شبکه‌های خارجی جذاب‌تر و تبلیغات قوی‌تری دارند و این برتری رقابتی را مشکل می‌سازد.
۳. الزامات تولید محتوای موثر، که شامل رعایت گفتمان انقلاب اسلامی، اعتبارسنجی تولیدکنندگان، توازن بین اطلاع‌رسانی و تربیت، و توجه به نیازهای

خانواده‌های ایرانی است. همچنین، استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی در سیاست‌گذاری و طراحی محتوا اهمیت دارد.

۴. سیاست‌گذاری و راهکارهای ارتقاء شبکه‌های اجتماعی، که باید بر ارزیابی و تحلیل مستمر مبتنی باشد و سیاست‌گذار باید نیازهای خانواده‌ها را شناسایی و در سیاست‌گذاری‌های خود لحاظ کند. هدف‌گذاری دقیق و هماهنگی محتوا با مفاهیم فرهنگی و دینی، کلید موفقیت است.

۵. مورد آخر هم راهکارهای ارتقای شبکه‌های اجتماعی بیان شد که بعد از اینکه طراحی و اجرا شدند چطور میتوان اینها را ارتقا داد و تمام این موضوع به ارزیابی و تحلیل مستمر و همپا شدن با نسل جدید برمیگردد.

در پایان، خانم مهرزاده بر نقش مادران و خانواده‌ها در تولید و کنترل محتوا تأکید کردند. مادران با بهره‌گیری از هوش اجتماعی و سواد رسانه‌ای، نقش مهمی در بایکوت کردن محتوای منفی و ترویج محتوای مثبت دارند. همچنین بیان نمود که طراحی شبکه‌های اجتماعی باید به گونه‌ای باشد که روابط خانوادگی در آن حفظ و تقویت شود، به طوری که خانواده‌ها بتوانند در فضای مجازی احساس امنیت و نزدیکی بیشتری داشته باشند. در مجموع، خانواده‌های رسانه‌ای و خانواده‌های شبکه‌ای، نیازمند توجه جدی‌تر سیاست‌گذاران و طراحان فضای مجازی هستند تا بتوانند نقش مؤثری در تربیت و حفظ ارزش‌های فرهنگی و دینی ایفا کنند.

سومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی در چهار پنل برگزار گردید، سومین پنل در نوبت عصر از ساعت ۱۴ الی ۱۶ با موضوع ارتباطات و رسانه به ریاست دکتر محسن بنی‌هاشمی و دبیری دکتر فرزانه شریفی به انجام رسید.

خانم مهسا خلعت‌آباد، دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره در این همایش، مقاله خود با عنوان «هوش مصنوعی در تقویت دیالوگ بین‌دینی و ایجاد وحدت مذهبی در انقلاب اسلامی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها» را ارائه کردند. او با نگاهی به جهان امروز، تنوع فرهنگی و اهمیت تحلیل داده‌های کلان و الگوهای رفتاری مذهبی را مورد تأکید قرار داده و معتقد است که هوش مصنوعی



می‌تواند فرآیندهای گفتگو و تبادل فرهنگی بین ادیان را تسهیل کند. وی بر این باور است که استفاده صحیح از هوش مصنوعی می‌تواند مدیریت صحیح و همزیستی مسالمت‌آمیز را در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و فناورانه تقویت کند و به عنوان یک میانجی فرهنگی و عامل اخلاقی در روابط انسانی عمل کند. او بیان کرد که هوش مصنوعی قابلیت تحلیل داده‌های بزرگ، شناسایی الگوهای رفتاری و ترجمه بین زبان‌های مختلف مانند عربی و عبری را دارد، هرچند محدودیت‌هایی در ترجمه‌های ماشینی وجود دارد، اما این فناوری به افراد بدون تسلط کامل بر زبان‌های خارجی کمک می‌کند تا متون مقدس را در اختیار داشته باشند. خلعت آباد بر اهمیت ابزارهای میان‌فرهنگی در تسهیل ارتباطات، کاهش سوء تفاهم‌های فرهنگی، تقویت درک متقابل و احترام متقابل تأکید نمود و معتقد است که هوش مصنوعی می‌تواند در طراحی پلتفرم‌های گفتگو و آموزش دینی نقش موثری ایفا کند.

در عین حال، او به چالش‌های موجود مانند خطر تولید محتوای جعلی، تفرقه‌افکنی، نقض حریم خصوصی و داده‌های کاربران، ضعف در ترجمه متون پیچیده دینی و کاهش تعامل انسانی و عاطفی در گفتگوهای دینی اشاره کرد. وی بر لزوم استفاده اخلاق‌مدارانه و بومی‌سازی شده از فناوری تأکید داشته و معتقد است که در صورت رعایت این اصول، هوش مصنوعی می‌تواند بستری برای شکل‌گیری جامعه‌ای همدل، متنوع و کم‌تعصب باشد.

او بر نقش مثبت هوش مصنوعی در آموزش‌های دینی، تحلیل احساسات، شناسایی پست‌های افراطی و فرهنگ‌سازی میان‌فرهنگی تأکید و بیان کرد که اگر در چهارچوب اخلاقی و انسانی به کار گرفته شود، می‌تواند به توسعه فرهنگی و دینی در سطح ملی و بین‌المللی کمک کند و جامعه‌ای متمدن و همدل را شکل دهد.

خانم خلعت‌آباد در جمع‌بندی سخنان‌شان اینطور بیان کردند که ما در آستانه عصر نوینیم که نه تنها امنیت و صحت محتوا را تضمین می‌کند و چالش‌های

مربوط به حریم خصوصی را کاهش می‌دهد، بلکه غنای موجود در گفت‌وگوهای فرهنگی و دینی را نیز افزایش می‌دهد. در بررسی موضوعات مختلف، فرصت‌ها و چالش‌های مرتبط با هر کدام مورد تحلیل قرار گرفته است. یکی از پیشنهادهای اصلی، توسعه پلتفرم‌های چت بات مذهبی بود که با توجه به چندزبانه بودن، باید بر اساس الگوریتم‌های هدفمند طراحی شوند تا نیازهای کاربران برآورده شود. او همچنین بیان کرد که آموزش سواد رسانه‌ای دینی به کاربران و نخبگان مذهبی برای کاهش چالش‌های مربوط به دیالوگ‌های دینی و مسائل اخلاقی و حریم خصوصی اهمیت دارد. در این راستا، ارزیابی کیفیت محتوای تولید شده توسط هوش مصنوعی و بررسی چالش‌های اخلاقی و حریم خصوصی کاربران نیز ضروری است.

سومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی در چهار پنل برگزار گردید، سومین پنل در نوبت عصر از ساعت ۱۴ الی ۱۶ با موضوع ارتباطات و رسانه به ریاست دکتر محسن بنی‌هاشمی و دبیری دکتر فرزانه شریفی به انجام رسید.

در این سخنرانی آقای مهدی قائمی تهرانی، مقاله مشترک خود با دکتر جعفر حسین‌پور، دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین-دانشگاه بین‌المللی سوره با عنوان «نقش سینمای دفاع مقدس بر روحیه خودباوری و جهاد نسل چهارم انقلاب اسلامی» را ارائه نمود. او در ابتدا بیان کرد: در سال ۱۳۹۷، بیانیه‌ای به نام «بیانیه گام دوم» ارائه شد که محتوای آن روحیه امیدبخش و برنامه‌های



بلندمدت نظام جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد و بر اهمیت حفظ روحیه خودباوری در جوانان تأکید دارد. حضرت آقا در این بیانیه، از جوانان خواسته‌اند که روحیه جهاد و خودباوری را حفظ کنند، همان روحیه‌ای که نسل‌های اول و دوم انقلاب در دوران دفاع مقدس داشتند.

او در ادامه گفت: سینمای دفاع مقدس، که از زاینده‌های نظام جمهوری اسلامی است، نقش مهمی در تأثیرگذاری بر نسل‌های مختلف، به‌ویژه نسل چهارم که جنگ و انقلاب را ندیده‌اند، ایفا می‌کند. بر اساس آمار، از سال ۱۳۵۹ تا ۱۴۰۳، حدود ۵۰ فیلم دفاع مقدس ساخته شده است، حتی در اوج کرونا (۱۳۹۸-۱۳۹۹) که سینماها تعطیل بودند، حدود ۲۳ تا ۲۴ فیلم تولید شد. این نشان می‌دهد که تولید فیلم‌های دفاع مقدس در طول زمان ادامه داشته و نقش



مهمی در ترویج ارزش‌ها و هویت ملی ایفا می‌کند.

ایشان بیان کردند در تحقیق انجام شده، با تمرکز بر ۲۰۴ نفر از جوانان تهرانی منطقه ۱۱ و ۶، از طریق پرسشنامه و مصاحبه، رابطه معناداری بین تماشای فیلم‌های دفاع مقدس و افزایش روحیه خودباوری و جهاد در جوانان اثبات شد. نتایج نشان داد که محتوای دینی، علمی، سبک زندگی و سیاسی در این فیلم‌ها تأثیر مثبت و قوی بر جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله داشته است. در میان این محتواها، محتوای دینی بیشترین تأثیر را داشته و پس از آن محتوای علمی، سبک زندگی و سیاسی قرار دارند.

آقای قائمی تهرانی در آخر بیان کردند که تماشای فیلم‌های دفاع مقدس می‌تواند به طور مستقیم بر تقویت روحیه جهاد و خودباوری در جوانان تأثیرگذار باشد. سینمای دفاع مقدس به عنوان یک ابزار فرهنگی و آموزشی در تقویت هویت ملی و هدایت جوانان به سمت مشارکت اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند. همچنین، پیشنهاد شده است که در فرآیندهای فرهنگی، بازنگری صورت گیرد و نقش رسانه‌ها در برجسته‌سازی این آثار و مقابله با نفوذ فرهنگی خارجی تقویت شود. در نهایت او بیان کرد که برای سیاست‌گذاری فرهنگی، تولید آثار سینمایی باکیفیت‌تر و تمرکز بر موضوعات سیاسی و فرهنگی ضروری است تا باور به قدرت درونی افراد و به ویژه جوانان تقویت شده و سینما نه صرفاً به عنوان یک سرگرمی بلکه به عنوان بستری برای تقویت اجتماعی و دفاعی نظام جمهوری اسلامی عمل کند.

سومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی در چهار پنل برگزار گردید، سومین پنل در نوبت عصر از ساعت ۱۴ الی ۱۶ با موضوع ارتباطات و رسانه به ریاست دکتر محسن بنی‌هاشمی و دبیری دکتر فرزانه شریفی به انجام رسید.

در این همایش، آقای حسین کیا، دانشجوی دکتری علوم ارتباطات و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین (ع)، به بررسی مقاله خود با عنوان «نسبت انقلاب اسلامی با ارتباطات مدرن» پرداختند. ابتدا تأکید شد که ارائه مباحث بنیادی در زمان محدود بسیار دشوار است و تلاش شده است نکات اصلی و کلیدی در این زمینه ارائه شود. او موضوع اصلی را رابطه میان انقلاب اسلامی و



فناوری‌های ارتباطی مدرن بیان کرد که پس از انقلاب در کشور و جهان به سرعت توسعه یافته‌اند.

او بیان نمود که انقلاب اسلامی ایران، برخلاف بسیاری از انقلاب‌های ناسیونالیستی، کاملاً مبتنی بر اصول و آموزه‌های دینی است و هدف اصلی آن، اجرای احکام اسلامی، تشکیل حکومت در زمان غیبت امام زمان (عج) و زمینه‌سازی برای تمدن نوین اسلامی است. این انقلاب علاوه بر وظیفه شرعی، چشم‌انداز تمدنی دارد که در تصمیم‌گیری‌های کلان نقش‌آفرین است.

او در مبانی ارتباطات در انقلاب اسلامی، بر نظام توحیدی تأکید نمود که رابطه انسان با خداوند، پایه و اساس تمامی روابط آن است، بر این اساس، هر نوع ارتباطی باید در چارچوب توحید و پیوند انسان با خدا قرار گیرد و سایر روابط مانند انسان با خودش، طبیعت، دیگران و حتی هوش مصنوعی، باید ذیل همین ارتباط قرار بگیرند. او رسالت رسانه‌های توحیدی را تقویت باور به خدا، تبیین مقصود الهی، دعوت به امام، پرورش عقلانیت و ایجاد فضای انتخابگری آزاد و آگاهانه در مواجهه با پیام‌های تعالی‌بخش معرفی نمود.

آقای کیاء در مقابل، تمرکز ماهیت ارتباطات مدرن را بیشتر بر جنبه‌های خنثی و تکنولوژیک بیان کرد. فناوری‌های ارتباطی، مانند چاپ، تلگراف، رادیو، تلویزیون و اینترنت، تحولات عظیمی در ساختار فکری و فرهنگی بشر ایجاد کرده‌اند. این فناوری‌ها، اگرچه به ظاهر بی‌جهت و بی‌طرف هستند، اما در واقع جهت‌گیری‌های تمدنی خاصی دارند؛ مثلاً لامپ‌های روشنایی بهینه برای صرفه‌جویی در انرژی طراحی شده‌اند، اما می‌توان از آن‌ها برای گرم کردن محیط نیز استفاده کرد، هرچند این کاربردها ممکن است هزینه‌بر و مشکل‌ساز باشد. به گفته‌ی او در فضای مجازی، مانند اینستاگرام، محتوا بیشتر بر جنبه‌های تصویری و نمایشی تمرکز دارد و تولید محتوای عمیق و معنوی در این بستر دشوار است، چون این فناوری به سمت نمایش سطحی و ظاهری طراحی شده است.

در ادامه این سخنرانی، نقدی بر ادعای خطی بودن تاریخ تمدن غرب نیز

مطرح شد، که این ادعا در حوزه ارتباطات نیز دیده می‌شود، او بیان نمود: غرب معتقد است که در حال حاضر در قله تاریخ بشری قرار دارد، اما تاریخ تمدن‌های دیگر، مانند مصر باستان، نشان می‌دهد که پیشرفت‌های عظیم در فناوری و ساختارهای فرهنگی، در طول تاریخ، به صورت غیرخطی و چندمرحله‌ای صورت گرفته است. بر اساس روایات دینی، تاریخ ارتباطات بشر، از زمان حضرت آدم و حوا، نشان می‌دهد که در ابتدای ورود انسان به زمین، علم و دانش لازم برای پیشرفت‌های ارتباطی وجود داشته است، اما در طول تاریخ، فرآیندهای ارتباطی عمیق‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند و در حال حاضر، فناوری‌های مدرن مانند فضای مجازی، سرعت انتقال پیام، جذابیت‌های بصری و سهولت در برقراری ارتباط را به اوج رسانده‌اند. با این حال، این فناوری‌ها بیشتر بر جنبه‌های سطحی و ظاهری تمرکز دارند و در عمق پیام و پایداری تصمیم‌گیری‌ها کم‌تأثیر هستند، چرا که روند پیشرفت در فناوری‌های ارتباطی غربی، غیرخطی و چندمرحله‌ای بوده است و هرگز به صورت خطی نبوده است.

در ادامه، آقای کیاء به این موضوع اشاره داشتند که فناوری‌های ارتباطی، در کنار مزایایشان، پیام‌های فرهنگی و جهان‌بینی خاصی را منتقل می‌کنند که غالباً بر ارزش‌های تمدن غربی، مانند انسان‌گرایی، مادی‌گرایی و سرمایه‌داری، استوارند. این فناوری‌ها، اگرچه ابزار انتقال محتوا هستند، اما بر مبنای ارزش‌ها و فرهنگ‌های غربی شکل گرفته‌اند و ممکن است در انتقال مفاهیم عمیق و معنوی محدودیت‌هایی داشته باشند.

از نظر او نکته مهم این است که رابطه میان انقلاب اسلامی و فناوری‌های ارتباطی مدرن نیازمند تحلیل دقیق و انتقادی است. باید از فرصت‌های فناوری‌ها بهره‌مند شد، اما در عین حال، تهدیدهای آن‌ها را کاهش داد. در این راستا، او نقش رسانه‌ها در تقویت هویت دینی، نشر ارزش‌های اخلاقی و تعمیق پیوندهای انسانی را با اهمیت دانست. همچنین، بر ضرورت توجه به ارتباطات بین‌فردی و تمدن‌سازی تأکید شد، چرا که تمرکز صرف بر فناوری‌های سطحی و

جایگزینی ارتباطات سنتی، ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد. آقای کیا در پایان، به اشتباه رایج در نگاه به آینده اشاره کردند که تصور می‌شود فناوری‌های مدرن جایگزین ارتباطات سنتی شوند، در حالی که باید این دو نوع ارتباط را مکمل یکدیگر دانست. او بیان نمود نمونه‌هایی مانند هیئت‌های مذهبی و برنامه‌های تلویزیونی نشان می‌دهد که پیام‌های عمیق و تربیتی در قالب ارتباطات سنتی و فرهنگی، نقش مهمی در تربیت انسان‌های مؤمن و انقلابی دارند. در نهایت، راهبردهای تمدن‌سازی و برنامه‌ریزی‌های عملی برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی در حوزه ارتباطات و فرهنگ مورد تأکید قرار گرفت، تا بتوان در مسیر توسعه و تعمیق هویت دینی و فرهنگی گام برداشت.



سومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی در چهار پنل برگزار گردید، پنل چهارم در نوبت عصر از ساعت ۱۶ الی ۱۷:۳۰ با موضوع انقلاب اسلامی و فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی به ریاست دکتر یوسف خجیر و دبیری آقای میثم یوسفی به انجام رسید.

در این سخنرانی، دکتر فرزانه شریفی، عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی سوره به ارائه کاربردی مقاله خود تحت عنوان «الزامات و شاخص‌های فرهنگی در بازی‌های دیجیتال؛ مطالعه موردی نظام رده‌بندی سنی بازی‌های رایانه‌ای (ESRA) در طی دو دهه اخیر» پرداختند. او در ابتدا بیان نمود: پس از انقلاب اسلامی و در دهه ۱۳۷۰، نظام‌های رده‌بندی سنی در جهان شکل گرفتند، اما در ایران به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و دینی نسبت به کشورهای دیگر و برخلاف برخی کشورهایی که نظام رده‌بندی نداشته و از نظام رده‌بندی سنی سایر کشورها استفاده می‌کنند، این نظام بر اساس ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی، تحت عنوان نظام رده‌بندی سنی بازی‌های رایانه‌ای (ESRA) طراحی شده است. او ادامه داد: یکی از دلایل اصلی پیدایش نظام رده‌بندی در ایران، تأثیرات منفی بازی‌های خشونت‌آمیز و محتوای ناسازگار با ارزش‌های ایرانی-اسلامی بوده است، به خصوص در مواجهه با بازی‌هایی مانند «مورتال کمبت» که خشونت زیادی داشتند و صنعت بازی‌های دیجیتال را تحت تأثیر قرار دادند.

او همچنین بیان نمود که در حال حاضر، در ایران بازی‌ها در دسته‌های مختلف سنی قرار می‌گیرند، از جمله بازی‌های مناسب برای کودکان ۳+ ساله، ۷+ ساله، ۱۲+ ساله و بازی‌های بزرگسالان مانند «جی‌تی‌ای» و «کالاف دیوتی» که اغلب دارای رده سنی ۱۸+ سال هستند. این رده‌بندی بر اساس شاخص‌هایی مانند میزان خشونت، نیاز به مهارت، ناهنجاری‌های اجتماعی، ترس، مواد مخدر و یاس و ناامیدی است که در بازی‌ها به صورت تلویحی یا آشکار القا می‌شود.

او در ادامه گفت یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها، تأثیر منفی بازی‌های خشونت‌آمیز

و محتوای ضد دینی است که می‌تواند منجر به ترویج رفتارهای ناپسند، نقض باورهای دینی، و تحریف ارزش‌های مذهبی شود. به عنوان نمونه، بازی‌هایی مانند «گاد آف وار» که به ادیان و مفاهیم توحید توهین می‌کنند را نمونه‌هایی از این نوع محتوا معرفی کرد. همچنین، تاثیرات روانی و جسمانی بازی‌ها بر کودکان و نوجوانان، از جمله رفتارهای غیر اجتماعی، اختلالات شخصیتی و ترویج رفتارهای انحرافی، از دیگر موضوعات مورد بررسی بود.

او در نتیجه، اهمیت فرهنگ‌سازی و آموزش خانواده‌ها در مواجهه با بازی‌های دیجیتال را بسیار برجسته دانست. دکتر شریفی پیشنهاد کرد که خانواده‌ها حتماً بازی‌هایی که فرزندانشان انجام می‌دهند را یک‌بار خود بازی کرده، نظرات و کامنت‌های دیگر کاربران را مطالعه و در مورد محتوای بازی آگاهی کسب کنند. همچنین، ایجاد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مانند «چه بازی خوبه» و تقویت سواد رسانه‌ای و سواد بازی در کشور، از راهکارهای موثر در این زمینه معرفی شد. او بیان کرد این اقدامات می‌تواند به کاهش تاثیرات منفی بازی‌ها و ترویج محتوای سالم و متناسب با ارزش‌های فرهنگی و دینی کمک کند.

در پایان، دکتر شریفی بر لزوم توجه خانواده‌ها به رفتارهای کودکان و نوجوانان در فضای مجازی و بازی‌های آنلاین تاکید نمود و پیشنهاد کرد خانواده‌ها در کنار نظارت، فعالیت‌های غیربازی دیجیتال را نیز در برنامه‌های روزمره خود جای دهند تا از اثرات منفی محتواهای ناسازگار با ارزش‌های ایرانی-اسلامی جلوگیری شود. او بیان نمود این رویکردها و راهکارها، در کنار آموزش و فرهنگ‌سازی، می‌تواند نقش مهمی در توسعه فرهنگی و اجتماعی کشور ایفا کند.

سومین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی در چهار پنل برگزار گردید، پنل چهارم در نوبت عصر از ساعت ۱۶ الی ۱۷:۳۰ با موضوع انقلاب اسلامی و فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی به ریاست دکتر یوسف خجیر و دبیری آقای میثم یوسفی به انجام رسید.

در آخرین سخنرانی از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی در دانشکده فرهنگ و ارتباطات، خانم خاطره اسدی، دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره، مقاله مشترک خود با دکتر امیدعلی مسعودی، رئیس دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره با عنوان «بررسی تطبیقی نقش رسانه‌های دیجیتال در انقلاب اسلامی و جنبش‌های معاصر» را ارائه نمودند. او ابتدا نقش رسانه‌های سنتی در انقلاب ۵۷ را توضیح داد، جایی که اعلامیه‌ها و نوارهای کاستی به عنوان ابزارهای اصلی اطلاع‌رسانی و بسیج مردمی مورد استفاده قرار می‌گرفتند، در حالی که فناوری‌های امروزی مانند گوشی‌های هوشمند و اینترنت در آن زمان وجود نداشتند.

سپس، به نظریه‌های مختلف درباره تأثیر رسانه‌ها اشاره نمود؛ از جمله نظریه‌های مارپیچ سکوت، بسیج و تقویت. او بیان کرد نظریه بسیج نشان می‌دهد که رسانه‌ها افراد را راحت‌تر به مشارکت در اعتراضات ترغیب می‌کنند، نظریه مارپیچ سکوت بر ترس از طرد اجتماعی و پنهان‌کاری نظرات افراد تأکید دارد و نظریه تقویت معتقد است که رسانه‌ها باورهای افراد را تغییر نمی‌دهند بلکه تقویت می‌کنند.

خانم اسدی نمونه‌هایی از جنبش‌های معاصر مانند انقلاب مصر و تونس را ذکر کرد که در آن‌ها شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک و توییتر نقش کلیدی در شکل‌گیری افکار عمومی، هماهنگی اعتراضات، افشای سرکوب و فساد و تحریک خشونت‌های خیابانی داشتند. او ویژگی‌های مهم این رسانه‌ها شامل سرعت بالا، بدون نیاز به رهبر مشخص و توانایی کاهش کنترل دولت‌ها بر اطلاعات را ذکر

کرد، هرچند که چالش‌هایی مانند فیلترینگ، دستگیری فعالان و جعل اطلاعات نیز وجود دارد.

او در ادامه گفت در مقایسه با انقلاب ۵۷، تفاوت‌های عمده‌ای در فناوری و نحوه استفاده از رسانه‌ها مشاهده می‌شود؛ در حالی که در انقلاب ۵۷ رسانه‌های سنتی غالب بودند، در جنبش‌های معاصر، فناوری‌های دیجیتال نقش اصلی را ایفا می‌کنند. هر دو نوع انقلاب، به ویژه، در بسیج مردمی، تقویت هویت جمعی و آگاهی‌بخشی مشترک بودند، اما انقلاب‌های معاصر به دلیل ویژگی‌های فناوری، انعطاف‌پذیری و سرعت بیشتری در سازماندهی و اطلاع‌رسانی داشتند.

خانم اسدی در پایان بر اهمیت کارکردهای رسانه‌های دیجیتال تأکید نمود، از جمله نظارت، آموزش، فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی و هدایت و افزود که دولت‌ها برای مقابله با این فناوری‌ها باید رویکردهای تعاملی‌تری اتخاذ کنند. او همچنین به چالش‌های آینده اشاره نمود از جمله نقش هوش مصنوعی و ربات‌ها در کنترل احساسات جمعی، پیش‌بینی اعتراضات و تأثیرات آن بر زندگی فردی و جمعی، که نیازمند بررسی و پاسخ‌های دقیق است. در مجموع، ایشان بر این نکته تأکید داشتند که رسانه‌های دیجیتال نه صرفاً ابزارهای دشمن یا ناجی، بلکه پدیده‌هایی پیچیده و چندوجهی هستند که تأثیرات مثبت و منفی آن‌ها نیازمند مدیریت هوشمندانه است.

دانشکده معماری و شهرسازی

چهارمین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی برگزار گردید و سخنرانی‌ها در دو نوبت صبح و عصر به دبیری دکتر ساره نیک‌آبادی به انجام رسید.

در نخستین سخنرانی از این نشست، مهندس عبدالحمید نقره‌کار، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، سخنرانی خود با عنوان «نسبت حکمت اسلامی با خلق آثار هنری، معماری و شهرسازی» را ارائه نمودند. ایشان به اهمیت و جایگاه معماران، هنرمندان و عارفان در تاریخ و



فرهنگ اسلامی اشاره کردند و بر نقش دانشجویان و اساتید آینده‌ساز در تمدن عظیم اسلامی تأکید نمودند. او معتقد است که فرهنگ اسلامی، که بر پایه فرهنگ الهی اسلام است، در حوزه‌های معماری، ادبیات عرفانی، صنایع دستی و هنرهای دیگر بی‌نظیر است، اما متأسفانه در دوره‌های اخیر، دخالت فرهنگ‌های بیگانه و پیچیدگی‌های فرهنگی، آسیب‌هایی به معماری و شهرسازی وارد کرده است که از شأن انسان و ارزش‌های انسانی فاصله گرفته است.

او بر ضرورت توسعه و نوآوری در تمدن اسلامی تأکید نمود و معتقد است که این تمدن باید نوین باشد، نه تکراری یا تقلیدی از تمدن‌های دیگر، بلکه باید بر پایه شرایط زمانی و مکانی و متحول شود. در این راستا، دو مولفه اصلی برای تحقق تمدن اسلامی-ایرانی معرفی می‌شود: یکی فرهنگ فرازمانی و فرا مکانی، که اصول و راهبردهای ثابت و جهانی هستند، و دیگری مولفه‌های وابسته به شرایط زمانی و مکانی، که باید در هر دوره و مکان خاصی رعایت شوند.

مهندس نقره‌کار به رابطه اسلام با فرایندهای انسانی، هنر، معماری و شهرسازی پرداخت و بر اهمیت معیارهای فرازمانی و فرامکانی در زیبایی‌شناسی و هنر تأکید نمود. او معتقد است که اسلام با بهره‌گیری از اسمای حسنی و صفات الهی، معیارهای ثابت و جهانی برای زیبایی و هنر ارائه می‌دهد، در حالی که مکاتب هنری غربی، مانند مدرنیسم و پست‌مدرنیسم، بیشتر بر نوآوری، غیرعادی بودن و سلیقه فردی تأکید دارند و در نتیجه، نتوانسته‌اند معیارهای ثابت و انسانی جهانی برای هنر و معماری ایجاد کنند.

در ادامه، او فرآیند خلاقیت در هنر و معماری را شرح داد و مراحل مختلف آن را شامل ایده‌پردازی، شناخت نیازها و زیبایی‌شناسی مخاطبین، فلسفه و حکمت هنر، سبک و روش، و تولید اثر می‌داند. او بر اهمیت شناخت نیازهای مخاطب و تطابق آن با ایده هنرمند تأکید کرد و معتقد است که انسان، به دلیل آزادی و داشتن انگیزه‌های مختلف، در فرآیند خلق اثر هنری نقش دارد. همچنین، تفاوت بین ایده‌های الهامی و نفسانی را توضیح داد و بر ضرورت درک نیازهای واقعی و

زیبایی‌شناسی مخاطب تأکید نمود.

آقای نقره‌کار به اهمیت اصول و مبانی فلسفه هنر در اسلام اشاره نمود و معتقد است که اسلام با ارائه معیارهای ثابت، می‌تواند راهنمایی مؤثر در طراحی و ساخت آثار هنری و معماری باشد. او بر این باور است که این رویکرد، می‌تواند راهبردهای مفهومی، عملی و ارزیابی‌های کیفی و کمی در فرآیندهای خلاقیت انسانی ارائه دهد و به توسعه هنر و معماری اسلامی کمک کند.

او به موضوعات مختلفی در حوزه معماری، هنر، فلسفه و اخلاق اسلامی پرداخت که در کنارهم چارچوبی جامع و اصولی برای طراحی و ساخت آثار هنری و معماری ارائه می‌دهد. او ابتدا بر اهمیت عمل‌کردن بر اساس شرایط و موقعیت‌های خاص تأکید نمود و گفت که در فرآیند طراحی، باید عوامل اقتصادی، جغرافیایی، فناوری، مواد در دسترس و محدودیت‌های موجود را در نظر گرفت. این نوع خلاقیت، که مبتنی بر اجتهاد و فهم عمیق شرایط است، باید اصول و ایده‌آل‌های کلی را حفظ کند و درعین حال با شرایط زمان و مکان سازگار باشد.

مهندس نقره‌کار در ادامه به مفهوم سنت در اسلام اشاره و بیان نمود که سنت به معنای اصول و راه و روش‌های ثابت است، نه به معنای کهنه‌گرایی، و این اصول شامل اصول زیباشناسی، هنر و اجتهاد می‌شود که باید در مقابل مدرنیته و تجدد قرار گیرد. او تأکید کرد که اسلام اصولی دارد که توسط خداوند تعیین شده، مانند اصول هستی، خلقت و زیبایی‌شناسی، و این اصول ثابت و جهانی هستند، برخلاف سنت‌های ظالمانه و خلاف علم و حقیقت که مربوط به ظلم و استبداد است.

در بخش دیگری، به اهمیت آموزش و منابع در حوزه هنر و معماری اشاره و بیان شد که در دانشگاه‌ها، متأسفانه، این مبانی و اصول اسلامی به اندازه کافی آموزش داده نمی‌شود و منابع معتبر در این زمینه محدود است. بنابراین، توسعه و تداوم این اصول، نیازمند آموزش صحیح و آگاهی است.

او در حوزه زیبایی‌شناسی، قرآن و اسلام را مبنای معرفی ایده‌آل‌های فطری و ذاتی می‌داند که ثابت و غیرقابل تغییر هستند. از دیدگاه قرآن، زیبایی و ایده‌آل‌ها متکثر و نسبی نیستند، بلکه بر اساس معرفت الهی و اصول ثابت شکل می‌گیرند. همچنین، در حدیثی از حضرت علی علیه‌السلام، نقش نفس در ابعاد مختلف انسان توضیح داده شد، که شامل نفس نباتی، حیوانی و روحانی است؛ هر یک دارای ویژگی‌ها و کارکردهای خاص خود هستند و انسان باید با شناخت این ابعاد، به سمت تعالی و کمال حرکت کند.

مهندس نقره‌کاربر اهمیت شناخت نیازهای انسانی، عقل و روح تأکید کرد و



معتقد است که عمل انسانی باید بر اساس فهم و درک صحیح از حقیقت باشد. او همچنین به نقش احکام و اخلاق اسلامی در هدایت انسان اشاره کرد و گفت رعایت این اصول، انسان را از سقوط در ظلمت و فساد نجات می‌دهد و به سمت تعالی سوق می‌دهد.

در بخش دیگر، به موضوع خلاقیت در هنر و معماری پرداخت و توضیح داد که خلاقیت باید بر پایه آموزش، ادراک حسی، شناخت مفاهیم و بهره‌گیری از الهامات الهی باشد. انسان کامل‌ترین موجود است و باید از طریق آموزش و تجربه، توانایی خلق آثار زیبا و متناسب با اصول اسلامی را کسب کند. او تأکید نمود که خلاقیت نباید صرفاً تقلیدی یا مبتذل باشد، بلکه باید مبتنی بر درک عمیق از نیازهای مخاطب و اصول علمی و تجربی باشد.

سپس، به اهمیت قانون اساسی و برنامه‌ریزی در نظام اسلامی اشاره شد، که بر اساس آن، دولت باید اسلامی باشد و هویت اسلامی و ایرانی در دانشگاه‌ها حفظ شود. انقلاب اسلامی بر این مبنا استوار است که کارهای فردی و اجتماعی باید بر اصول و برنامه‌های مشخص و مشترک باشد و این برنامه‌ریزی‌ها باید به گونه‌ای باشد که مدیریت‌ها تنها به دنبال ریاست و کنترل نباشند، بلکه بر نظارت، پیگیری و ارزیابی متمرکز شوند.

در ادامه، تأکید بر ضرورت نظارت و کنترل مستمر توسط مقام رهبری بر مسئولین و فعالیت‌ها شد تا از عدم تحقق اهداف جلوگیری گردد. این نظارت‌ها و پیگیری‌ها، نقش کلیدی در پیشرفت و بهره‌وری دارند و باید به صورت قاعده‌مند و منسجم انجام شوند تا نتایج مورد انتظار حاصل گردد. در مجموع بر اهمیت برنامه‌ریزی، مدیریت صحیح و رعایت اصول اسلامی در ساخت و سازها، سیاست‌گذاری‌ها و نظارت‌های اجتماعی تأکید شد و او معتقد است که بدون این رویکردهای منسجم، تحقق اهداف فرهنگی، اجتماعی و معماری ممکن نخواهد بود.

در پایان، به موضوع آزادی هنرمند اشاره و بیان شد که آزادی مطلق در هنر وجود

ندارد؛ بلکه انسان باید در چهارچوب فرمان‌های الهی و اصول اخلاقی حرکت کند. آزادی واقعی، در سایه رعایت احکام و اصول اسلامی و در مقابل جبرهای بیرونی است. همچنین، وضعیت فعلی هنر و معماری در جهان و کشورمان مورد نقد قرار گرفت و بر ضرورت رعایت اصول علمی، اخلاقی و محیطی در طراحی و ساخت تأکید شد. در نهایت، مهندس نقره‌کار بر اهمیت برنامه‌ریزی، مکان‌یابی صحیح و توجه به محدودیت‌های اقتصادی و طبیعی تأکید نمود تا آثار معماری و شهری هم‌راستا با اصول اسلامی و نیازهای واقعی جامعه باشد.

چهارمین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی برگزار گردید و سخنرانی‌ها در دو نوبت صبح و عصر به دبیری دکتر ساره نیک‌آبادی به انجام رسید.

در این نشست، دکتر ناصر براتی، عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی سوره، ضمن عرض سلام و احترام نسبت به حضار و قدردانی از دانشگاه بین‌المللی سوره، سخنرانی خود با عنوان «هنر مدیریت فضا» را ارائه دادند. او ابتدا به اهمیت هنر مدیریت فضا اشاره و تأکید نمود که در جامعه ما، هنر



مدیریت شهری و روستایی به درستی آموزش و اجرا نشده است. از زمان انقلاب، تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفته اما موفقیت چندانی نداشته است، زیرا افراد متخصص و دارای هنر مدیریت فضا به کار گرفته نشده‌اند و مسائل شهری بیشتر بر اساس اصول و قواعد بین‌المللی و بدون توجه به آرمان‌های شهری و فرهنگی کشور شکل گرفته است.

دکتربراتی معتقد است که در جامعه ما بر خلاف باورعه‌ای، آرمان شهر وجود دارد و قابل نفی کردن نیست. او بر این باور است که هر نظام شهرسازی در جهان بر پایه دستگاه فکری و فلسفی خاصی استوار است، که در غرب غالباً بر مبنای لیبرالیسم، علم‌گرایی، کمیت‌گرایی و مادی‌گرایی قرار دارد. این تفکرات، معنویت و خدا را کنار گذاشته که نتیجه آن جهان بی‌هدف و بی‌معنا است.

در ادامه به وضعیت دانشگاه‌ها و آموزش‌های شهرسازی اشاره کرده و گفتند که دانشجویان و استادان در این حوزه گم شده‌اند و نتوانسته‌اند خلاقیت و نوآوری را در کارهایشان وارد کنند. او همچنین به تأثیرات منفی غرب‌گرایی و تبعیت بی‌چون و چرا از مدل‌های غربی در شهرسازی اشاره کرده و معتقد است که این روند، منجر به نابودی محیط زیست و توسعه ناپایدار شده است.

در قسمتی دیگر از این سخنرانی، دکتربراتی به نقد و بررسی وضعیت فعلی شهرسازی، آموزش و مدیریت شهری در ایران پرداختند و بر اهمیت بازگشت به مبانی فلسفی، فرهنگی و بومی تأکید نمودند. او معتقد است که پیوسته‌های فرهنگی و اصلاحات مکانیکی و فناوری‌های نوین، مانند هوش مصنوعی، نمی‌توانند جایگزین دستگاه فکری و فلسفی منسجم و بومی شوند. وی تأکید کرد که در حال حاضر، شهرسازی در ایران بیشتر بر مبنای روش‌های مکانیکی و تقلیدی است که نتیجه آن انجماد، رکود و تکرار مکرر است و این روند باعث کاهش خلاقیت، رقابت و سرمایه‌های ناپیدای فرهنگی و هنری کشور شده است. او بر ضرورت احیای دستگاه فلسفی و فرهنگی ایرانی تأکید و بیان نمود؛ باید مفاهیم پایه‌ای مانند شهر، شهرساز، شهروند و مدیر شهر را مجدداً تعریف

کنیم و بر اساس آن راهبردهای نوین و بومی برای شهرسازی تدوین کنیم. او همچنین به ضعف در نقد و بررسی پروژه‌ها و تکرار مکرر روش‌های قدیمی اشاره کرد و معتقد است که باید از مدل‌های غربی فاصله بگیریم و به هویت و ارزش‌های ملی و فرهنگی خود بازگردیم.

در بخش دیگری از سخنرانی، دکتر براتی به نقش هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین اشاره نمود و معتقد است که این فناوری‌ها می‌توانند در صورت همراهی با هوش طبیعی و فرهنگی جامعه، کارایی و کیفیت مدیریت شهری را بهبود بخشند. او بر اهمیت هوش محیطی و ضرورت بازسازی و تقویت هوش طبیعی در جامعه تأکید کرد و گفت که باید از محیط زیست و فرهنگ خودمان بهره‌مند شویم و در کنار فناوری‌های نوین، به ظرفیت‌های ناپیدای فرهنگی و انسانی خود توجه کنیم.

در پایان، دکتر براتی هشدار داد که بدون بازگشت به مبانی فلسفی و فرهنگی، نمی‌توان شهرسازی معنادار و پایدار داشت و باید از تقلید کورکورانه و تکرار روش‌های غربی فاصله گرفت تا بتوانیم شهرهایی با هویت، آرمان‌های انسانی و ارزش‌های معنوی بسازیم. او بر ضرورت شناخت



و احیای دستگاہ فکری و فرهنگی ایرانی تأکید نمود تا بتوانیم در مقابل تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیگر حرفی برای گفتن داشته باشیم و توسعه‌ای پایدار و متناسب با هویت ملی خود رقم بزنیم.

چهارمین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی برگزار گردید و سخنرانی‌ها در دو نوبت صبح و عصر به دبیری دکتر ساره نیک‌آبادی به انجام رسید.

در این نشست، دکتر امیرمسعود دباغ، مدیر گروه کارشناسی ارشد معماری اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی سوره، سخنرانی خود با عنوان «بازخورد گفتمان انقلاب اسلامی» را ارائه نمودند و به مفاهیم مختلف مرتبط با گفتمان، انقلاب اسلامی و مسائلی مانند مسکن و فرهنگ پرداختند. ابتدا،

مفهوم گفتمان از دیدگاه میشل فوکو، که بر زمینی‌شدن حقیقت و تاثیر آن بر زندگی فردی و اجتماعی تأکید دارد، توضیح داده شد. گفتمان، به عنوان نوعی بازنمایی واقعیت و تولید دانش، بر زبان مبتنی است و نقش قدرت و سلطه در آن برجسته است. در ادبیات پسامدرن، گفتمان با سیطره‌پذیری و رابطه با غیرخودش، در حال حل شدن و پوسیدگی است، که این موضوع می‌تواند مانع توسعه آن باشد.

در ادامه، او گفتمان انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار داد که بر مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، کرامت انسانی، پایداری اجتماعی و



نیازهای مسکن تمرکز دارد. انقلاب اسلامی در ابتدا برای رفع بی‌خانمانی و نیازهای اولیه مسکن شکل گرفت، اما با گذر زمان، به سمت مفاهیم عمیق‌تری مانند عدالت و کرامت انسانی حرکت کرد. در این راستا، نقش دولت در تنظیم بازار مسکن و تمرکز بر مناطق محروم و نیازمندان، مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، مسکن مهر به عنوان نمونه‌ای از سیاست‌های مسکن، با چالش‌هایی مانند مکان‌یابی نادرست، عدم توجه به برنامه‌های شهری و پیوست فرهنگی، مواجه شده است. این مشکلات نشان می‌دهد که عملیاتی کردن آرمان‌های گفتمان انقلاب، نیازمند توجه به زبان گفتمان و پیوست‌های فرهنگی و اجتماعی است.



در بخش دیگری، به هویت فرهنگی و دیدگاه اسلامی اشاره شد. این دیدگاه، شامل لایه‌های نمادین، رویین و معنایی است که در معماری و نمادهای فرهنگی مانند گنبد و گلدسته تجلی می‌یابد. این نمادها، ارتباط مستقیم با معنای ذهنی و فرهنگی دارند و باید بر اساس قراردادهای اجتماعی و محلی تفسیر شوند. نقش آموزش و نهادهای اجتماعی در شکل‌گیری ارزش‌ها و گفتمان فرهنگی نیز مورد تأکید قرار گرفتند. خانواده، مدرسه و دانشگاه، به عنوان نهادهای اولیه، در شکل‌گیری ارزش‌ها و حقوق شهروندی نقش دارند و باید در خدمت توسعه فرهنگی و اجتماعی قرار گیرند.

در پایان این سخنرانی، دکتر دباغ به اهمیت عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و ارزش‌های فرهنگی در ساختن شهرهای پایدار اشاره نمودند. تصمیم‌گیری‌های شهری، مانند تراکم ساختمان‌ها و توسعه شهری، باید بر اساس تعهدات انسانی و عدالت اجتماعی باشد تا کرامت انسانی حفظ شود و شهرها بتوانند به صورت پایدار و متعادل توسعه یابند.

چهارمین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی برگزار گردید و سخنرانی‌ها در دو نوبت صبح و عصر به دبیری دکتر ساره نیک‌آبادی به انجام رسید.

در این نشست، دکتر سیدغلامرضا اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی سوره به حضور در جلسات مختلفی که برگزار گردید اشاره نمودند که در آن‌ها مباحث ارزشمندی درباره هنر انقلابی اسلامی و معماری اسلامی مطرح شده است. او همچنین درباره حضور خود در روز نخست این همایش در



فرهنگستان هنر و سخنرانی کوتاهی که در آنجا انجام داده، صحبت نمود که در آن مباحثی درباره هنر انقلابی و اسلامی مطرح شد و در این جلسه، سخنرانی خود با عنوان «رویکردی آینده نگار به هنر انقلاب اسلامی» را ارائه نمود.

در ابتدا او به نقدهای صریح درباره ۴۷ سال انقلاب اسلامی اشاره نمود، از جمله اینکه مفهوم و دستاوردهای انقلاب و اسلام در این مدت مورد بحث قرار گرفته است. او معتقد است باید دید چه چیزی در این مسیر گم شده است و چه چیزهایی باید مورد توجه قرار گیرد. در ادامه، به اهمیت نظریه‌ها و معیارهای ارزیابی اشاره شد، که از اهداف، نیت‌ها، روش‌ها و محصولات حاصل از آن‌ها تشکیل شده است. تفاوت نظرات در این است که برخی اهداف مشترک دارند اما نتایج متفاوتی به دست می‌آید، یا روش‌های متفاوتی برای رسیدن به اهداف اتخاذ می‌شود.

در بخش دیگری، دکتر اسلامی به بنیان‌های فرهنگی و تمدنی ایران و اسلام اشاره و تأکید نمود که باید به نتایج و روش‌های علمی و استانداردهای جهانی توجه کنیم، چرا که در حال حاضر در ساختارهای تمدنی و علمی جایگاه مناسبی نداریم. او بر اهمیت هنرمندان انقلابی و تلاش‌های آنان تأکید نمود، اما معتقد است باید شروع حرکت این هنرمندان را به درستی تبیین کرد و از توصیف صرف آنان پرهیز نمود، زیرا این کار ممکن است به تحریف و توهین به آنان منجر شود. در ادامه، به موضوعات فلسفی و علمی مانند فلسفه کوانتوم و مفاهیم مربوط به آن اشاره شد. او توضیح داد که در فلسفه کوانتوم، مفاهیمی مانند گربه شرودینگر مطرح است که نشان می‌دهد در سطح کوانتومی، حالت‌ها ممکن است همزمان وجود داشته باشند و این مفاهیم می‌تواند تاثیرگذار بر نگرش ما در معماری و هنر باشد. او بر محدودیت‌های منطق سنتی و نیاز به تفکر چندوجهی و چندصدایی تأکید کرد و گفت که در حوزه‌های اجتماعی و اعتقادی، باید از منطق سیاه و سفید فاصله گرفت و به تفکر دیالکتیکی و چندصدایی روی آورد.

دکتر اسلامی همچنین به اهمیت تعریف‌های دقیق و محدود کردن مفاهیم اشاره نمود، چرا که تعریف‌های محدود می‌تواند باعث توهین و نادیده‌گرفتن دیگر نظرات شود. او بر ضرورت توسعه دیدگاه‌های وسیع‌تر و پذیرش چندصدا بودن در علوم اجتماعی و هنر تأکید دارد و معتقد است که اسلام نیز چندصدا است و نباید آن را یک صدایی فرض کرد.

او همچنین به موضوعاتی مانند هوش مصنوعی و تفاوت آن با هوش طبیعی اشاره نمود. دکتر اسلامی بر اهمیت شناخت و توسعه هوش‌های مختلف، از جمله هوش عاطفی و سازگاری با محیط، تأکید کرد و معتقد است که باید از منطق محدود و سیاه و سفید فاصله گرفت و به تفکر عمودی و چندوجهی روی آورد تا بتوان در حوزه‌های مختلف، به نتایج بهتر و جامع‌تر رسید. او همچنین بر اهمیت حرکت به سمت سنتز و تلفیق نظرات مختلف در هنر، فلسفه و علوم اجتماعی تأکید نمود و گفت که در اسلام، تنوع و چندصدایی باید حفظ شود تا رشد و شکوفایی ادامه یابد.

دکتر اسلامی به بررسی تحولات و روندهای جهانی در حوزه فناوری و تأثیر آن بر زندگی انسان‌ها پرداخت. او از چهار موج اصلی در تاریخ بشر صحبت کرد: موج اول، دوران کشاورزی؛ موج دوم، دوران صنعت و توسعه ارتباطات مانند تلفن و موبایل؛ موج سوم، عصر فناوری اطلاعات و الکترونیک که با پیشرفت‌های آی‌تی و فناوری‌های اطلاعاتی شناخته می‌شود؛ و موج چهارم، یا متاورس، که در آن حضور فیزیکی انسان‌ها در دنیای مجازی کاهش یافته و آواتارها و شکلک‌ها جای جسم فیزیکی را می‌گیرند. او تأکید کرد که در این دنیای جدید، افراد حتی در تعاملات روزمره، کددار شده‌اند؛ مثلاً برای ارتباط با بانک، باید شماره و ایمیل خود را بدهند و این نشان‌دهنده تغییرات بنیادی در نحوه ارتباط و هویت انسان است. او اشاره نمود که این تحولات، به‌ویژه در حوزه فناوری، باعث شده است که مرزهای فیزیکی و جسمانی انسان کم‌رنگ‌تر شود و حضور مجازی و دیجیتال جایگزین آن گردد. در ادامه، او بر اهمیت شناخت این روندها و تأثیر آن‌ها بر

جامعه و فرهنگ تأکید کرد و معتقد است که در این فضای متحول، باید به درک عمیق‌تری از مفاهیم و تغییرات دست یافت، چرا که این تحولات، آینده‌ای متفاوت و پرچالش را رقم می‌زنند.

او به عدم تمایل به تایید یا اشاره به فیلسوفان و نظریه‌پردازانی مانند فوکو اشاره کرد، و بر ضرورت درک و پذیرش تغییرات جهانی و فناوری‌های نوین تأکید نمود، تا بتوان در مسیر توسعه و پیشرفت، همگام با تحولات جهانی حرکت کرد. در بخش دیگری، او به بررسی مفاهیم فلسفی، اجتماعی و سیاسی پرداخت و دیدگاه‌های مختلفی درباره آینده، جامعه، قدرت و فرهنگ ارائه داد. او ابتدا به تفاوت بین «مدینه فاضله» (آرمان شهر) و «هتروتوپیا» (ناکجا آباد) اشاره کرد و گفت که در حال حاضر، جامعه‌ای دیستوپیایی (نقض آرمان‌ها و آینده‌ای تاریک و ضد آرمان شهر) داریم که ضد مدینه فاضله است. هتروتوپیا به معنای ناکجا آباد است و در مقابل یوتوپیا قرار دارد و این مفهوم نشان می‌دهد که باید به دنبال آینده‌ای متفاوت و بهتر باشیم، نه بازسازی گذشته.

دکتر اسلامی تأکید کرد که نباید تصور کنیم چیزی کاملاً وجود ندارد، بلکه باید آینده‌نگری کنیم و آینده را ترسیم کنیم، چون واقعیت‌های موجود پیچیده و کوانتومی هستند و نمی‌توان آنها را به سادگی در قالب‌های قدیمی تصور کرد. او به اهمیت علم و فناوری، مانند هوش مصنوعی و کوانتوم، در فهم و تغییر جهان اشاره نمود و معتقد است که تنها انقلاب واقعی در جهان، انقلاب هوشمندانه و الکترونیکی است که در جمهوری اسلامی ایران رخ داده است، نه انقلاب‌های سنتی یا صرفاً سیاسی.

در ادامه، به نقد عملکرد و سیاست‌های فعلی اشاره و بیان شد که ایران با وجود نقدهای فراوان، توانسته است در مقابل قدرت‌های جهانی، به خاطر هوشمندی و ظرفیت انسانی، جایگاهی پیدا کند. او بر اهمیت نقد، تحلیل و خلاقیت تأکید کرد و گفت که انسان‌ها ظرفیت دارند تا مسائل را تحلیل و نقد کنند، هرچند ممکن است اشتباه کنند، اما این ظرفیت ارزشمند است.

او در بخش دیگری به مفهوم خوب و بد، درست و نادرست پرداخت و گفت که معیارهای علمی و جهانی باید جایگزین معیارهای فرهنگی و قبیله‌ای شوند، چون در سطح جهانی، باید توافقی درباره معیارهای اخلاقی و رفتاری وجود داشته باشد. او معتقد است که در طبیعت، همه عناصر دارای قدر و منزلت هستند و باید به آن احترام گذاشت، چون طبیعت طراحی شده است و هر عنصر نقش خاص خود را دارد.

در بخش دیگری، به گروه‌هایی مانند جیکالیزم و ایونیکالیزم اشاره شد که اعتقاد دارند جهان در حال فروپاشی است و باید به دنیای دیگری مهاجرت کرد. این گروه‌ها، که شامل مسیحیان ارتودکس و صهیونیست‌ها هستند، در حال طراحی آینده‌ای متفاوت برای جهان‌اند.

دکتر اسلامی بر این باور است که رسانه‌هایی مانند هالیوود، با هدف ترویج سبک زندگی آمریکایی، نقش مهمی در شکل‌گیری روایت‌های جهانی دارند و اخیراً این روایت‌ها تغییر یافته و بر اساس سیاست‌های استعماری و استکباری، جنگ‌ها و بحران‌هایی در جهان ایجاد می‌شود.

او بر اهمیت هوشیاری و مراقبت در مقابل این روایات و بازی‌های طراحی شده تأکید کرد و گفت که در حال حاضر، جنگ واقعی بین مدینه‌های فاضله است؛ یعنی جنگ بین آرمان‌های انسانی و آنچه قدرت‌های جهانی و استکباری طراحی می‌کنند. او هشدار داد که باید غافل نباشیم و در مقابل این جنگ عظیم، هوشیار و آگاه باشیم، زیرا این مبارزه تنها جنگ نظامی نیست، بلکه مبارزه‌ای فکری و فرهنگی است که آینده بشریت در آن رقم می‌خورد.

در ادامه، دکتر اسلامی به بررسی مفاهیم فلسفی، اجتماعی و سیاسی پرداخت و بر اهمیت نگاه آینده‌نگرانه و انقلابی تأکید کرد. او معتقد است که ارزش‌های اسلامی و انقلابی در دل‌های انسان‌ها در حال جوشش است و این ارزش‌ها در حرکت‌های دانشجویی، اعتراضات در کشورهای پیشرفته و فعالیت‌های هنری و فرهنگی نمایان می‌شود. این حرکت‌ها نشان می‌دهد که اسلام واقعی در

حال توسعه است و نیاز به مکتب فکری و فلسفی دارد که بتواند این توسعه را هدایت کند، نه صرفاً تکیه بر ظواهر تمدنی بیرونی.

او اشاره کرد که در خارج از کشور، نسل جوان به سمت کاهش وابستگی به فناوری‌های مدرن مانند اسمارت فون‌ها و اینترنت حرکت می‌کند و تلفن‌های ساده‌تر و بدون اتصال به اینترنت را ترجیح می‌دهند، زیرا این حرکت نماد آرزوی انسان برای رفتار انسانی و طبیعی است. او بر اهمیت خلاقیت و ارتباط حق و واقعیت تأکید نمود و نوار موبیوس را به عنوان نمادی از توانایی انسان در پیوند دادن پشت و روی واقعیت‌ها معرفی کرد؛ انسانی که می‌تواند این ارتباط را برقرار کند، بر خلاف سایر موجودات.

در ادامه، او بر نقش هنرمندان انقلابی و تأثیر آنان در ترسیم آینده تأکید کرد و گفت که فعالیت‌های آنان، چه در داخل و چه در خارج، در راستای توسعه و اصلاح است و تفاوتی ندارد که فرد در چه سطحی فعالیت می‌کند، بلکه مهم این است که بتواند آینده‌ای بهتر برای جامعه ترسیم کند و این کار را با فعالیت و قوه خلاقه خود انجام دهد. او بر ضرورت هدایت صحیح این انرژی و نشاط در مردم تأکید کرد و هشدار داد که سرکوب این انرژی می‌تواند منجر به سرکوب فرهنگی و اجتماعی شود.

او همچنین به مفهوم انقلاب اشاره نمود و توضیح داد که انقلاب به معنای خشونت و کشتار نیست، بلکه یک حرکت فکری و فرهنگی است که هدف آن اصلاح و توسعه است. او نمونه‌هایی مانند انقلاب فرانسه را ذکر کرد که در آن با وجود خشونت‌های زیاد، هدف اصلی اصلاح و ادامه مسیر فکری بوده است. در این راستا، او چهار نوع مدیریت را معرفی کرد: گذشته‌نگر، آینده‌نگر، حال‌نگر و اصلاح‌گر. مدیریت‌های گذشته‌نگر و آینده‌نگر انقلابی هستند، زیرا ایده‌هایی دارند که در زمان خود محقق نشده‌اند و در پی ترسیم آینده‌ای بهتر هستند. در مقابل، مدیران حال‌نگر بیشتر در پی ساماندهی وضع موجود و اصلاح آن هستند. دکتر اسلامی بر اهمیت نگاه آینده‌نگر تأکید کرد و بیان نمود که باید به

آینده نگاه کنیم و آن را ترسیم کنیم، نه فقط به گذشته یا وضعیت فعلی. او معتقد است که حرکت‌های انقلابی و خلاقانه، چه در هنر، چه در سیاست و چه در فناوری، همگی در راستای توسعه و اصلاح هستند و نباید آن‌ها را تنها به عنوان حرکت‌های خشونت‌آمیز یا مخرب دید. بلکه باید آن‌ها را به عنوان تلاش‌هایی برای ساختن آینده‌ای بهتر تلقی کرد.

او به مفهوم حل مشکل اشاره کرد و گفت که حل مشکل در چهار نوع است: حل مشکل بر اساس تکرار و دفع مشکلات گذشته، ساماندهی وضع موجود، گشودن مشکلات و رفع آن‌ها و در نهایت، طراحی و ترسیم آینده‌ای بهتر. او بر



اهمیت نگاه آینده‌نگر و خلاقانه در این فرآیند تأکید کرد و هشدار داد که باید مراقب باشیم تا انرژی و نشاط انقلابی در مسیر صحیح هدایت شود و از سرکوب آن جلوگیری کنیم، زیرا این انرژی، زنده و پویاست و می‌تواند مسیر توسعه جامعه را شکل دهد.

دکتر اسلامی در پایان به بررسی مسائل مختلف مرتبط با توسعه، آینده‌نگری و حل مشکلات جامعه پرداخت. او بر اهمیت گشودن مشکلات به جای تکرار و حل سطحی آن‌ها تأکید کرد و معتقد است که مشکل اصلی در عدم استفاده از تجربیات دیگران و کشورهای پیشرفته است. او اشاره نمود که کسانی که آینده‌نگر هستند، مشکلات را به صورت کامل و عمیق حل می‌کنند، مشابه فردی که پشه‌ای را از بین می‌برد تا نسل آن را نابود کند، بدون اینکه زمینه‌ساز مشکلات جدید شود.

در بخش دیگری، او به نمونه‌ای از شهرسازی در اروپا اشاره نمود که پس از ورود ماشین، شهرها دچار تغییرات ساختاری شدند. در این نمونه، شرکت فیات با تحلیل علمی، علت‌های اصلی مشکلات شهری را شناسایی و با تغییر در علت‌ها، معلول‌ها را حل کرده است. این رویکرد نشان می‌دهد که آینده‌نگری واقعی، تمرکز بر تغییر علت‌ها و اصلاح ساختارها است، نه صرفاً مقابله با معلول‌ها.

در مجموع، این سخنرانی بر ضرورت داشتن دیدگاه آینده‌نگر، اصلاح‌گر و خلاق در حل مشکلات، توسعه و ساختن آینده‌ای بهتر تأکید داشت و نقش مهم تفکر انتقادی و نوآورانه در این مسیر را برجسته نمود.

چهارمین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی برگزار گردید و سخنرانی‌ها در دو نوبت صبح و عصر به دبیری دکتر ساره نیک‌آبادی به انجام رسید.

در این نشست، دکتر نجمه دشتکی، رئیس دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی سوره سخنرانی خود با عنوان «نقش مدیریت شهری و شهروندان در اقتصاد شهری از دیدگاه قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان» را ارائه نمودند. وی ابتدا بر اهمیت اقتصاد پایدار تأکید و اشاره نمود که یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی، اقتصاد مبتنی بر قوانین اسلام است که همواره رهبر انقلاب بر آن تأکید دارند. ایشان در بیانات رهبر انقلاب به تلاش



دشمن برای القای ناکارآمدی نظام اسلامی در حوزه اقتصاد اشاره نموده و معتقدند مشکلات اقتصادی کشور، بیشتر ناشی از تحریم‌ها و فشارهای خارجی است و ربطی به نظام اسلامی ندارد.

او بر اهمیت تقسیم کار و توزیع عادلانه درآمد در شهرها تأکید داشت و معتقد است که بهره‌برداری کارآمد از منابع اقتصادی شهر و شکوفایی اقتصادی شهروندان، کلید توسعه پایدار است. همچنین، خودکفایی اقتصادی شهری به عنوان هدف مدیران شهری مطرح است و شهروندان نیز باید با تلاش و کار، ثروت شهر را رونق دهند. تحلیل نرم‌افزار نشان می‌دهد که شناخت استعداد‌های انسانی و بهره‌برداری صحیح از آن‌ها، نقش مهمی در رفع نیازهای انسانی و توسعه اقتصادی دارد.

در ادامه، وی بر اهمیت عدالت اقتصادی در توزیع منابع بین روستاها و شهرهای کوچک و بزرگ تأکید نمود و افزود که برنامه‌ریزی صحیح می‌تواند مهاجرت‌های بی‌رویه را کاهش دهد و مشکلات حمل‌ونقل و توسعه نابرابر را حل کند. شناخت استعداد‌های فردی و بهره‌برداری از آن‌ها، به ویژه در شهرهای کوچک، می‌تواند تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی را کاهش دهد و به تعالی فردی و جمعی منجر شود.

نقش نگرش جهان‌بینانه و نگاه اسلامی در مدیریت شهری نیز مورد تأکید قرار گرفت. در شهری متعالی، باید بر اساس قوانین و مقررات الهی عمل کرد و نظارت و کنترل در مسیر تعالی فرد و جامعه باشد. او معتقد است که در چنین شهری، فعالیت‌های اجتماعی و خودجوش باید در چهارچوب شرع و قوانین باشد تا همگان در مسیر رشد و کمال حرکت کنند.

در پایان، بر اهمیت تفکر، خلاقیت و تأثیرات مثبت آن بر آموزش و پرورش کودکان و جامعه تأکید شد. همچنین، دکت‌دشتکی به اثرات مثبت و منفی گفتار و رفتار بر فضای اطراف اشاره نمود، مثلاً اینکه ناسزاگفتن یا عصبانیت می‌تواند بر مولکول‌های آب و در نتیجه بر محیط و افراد تأثیرگذار باشد.

در مجموع، این سخترانی بر ضرورت هماهنگی میان مدیریت شهری، شهروندان و ارزش‌های اسلامی برای رسیدن به توسعه پایدار و تعالی فردی و جمعی تأکید داشت.

چهارمین روز از همایش ملی هنر انقلاب اسلامی، چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۴ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی سوره با همکاری معاونت پژوهشی برگزار گردید و سخنرانی‌ها در دو نوبت صبح و عصر به دبیری دکتر ساره نیک‌آبادی به انجام رسید.

در این نشست، دکتر لیلا مقیمی، مدیر گروه مهندسی معماری دانشگاه بین‌المللی سوره، سخنرانی خود با عنوان «سیاست‌ها و برنامه‌های حفاظت و توسعه میراث فرهنگی، پس از انقلاب اسلامی» را ارائه نمودند. او ابتدا به اهمیت هفته هنر انقلاب اسلامی و همایش‌های دانشگاهی در این زمینه اشاره و آمادگی برای بررسی سیاست‌های حفاظت و توسعه میراث فرهنگی پس از انقلاب را اعلام نمود. هدف اصلی این تحلیل‌ها، ارزیابی تحولاتی است که طی ۵۰ سال پس از



انقلاب رخ داده است و نقش آن در فرآیند تمدن‌سازی و نوآوری در کشور را بررسی می‌کند.

او تأکید نمود که بازگشت به گذشته و تحلیل روندهای تاریخی، می‌تواند درک بهتری از مسیر طی شده و آینده‌نگری در حوزه تمدن‌سازی ارائه دهد. وی مروری بر تاریخچه سیاست‌های حفاظت میراث در جهان داشت و بیان نمود که موضوع حفاظت از میراث فرهنگی در دنیا از اواخر قرن نوزدهم و با فعالیت‌های فردی مانند آقای راستین شروع شده است. در آن زمان، برنامه‌های حفاظتی بر حفاظت از بناها و آثار تاریخی متمرکز بوده است.

در دهه‌های بعد، با وقوع جنگ جهانی دوم و بازسازی‌های پس از آن در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۶۰، مفاهیم جدیدی مانند بازسازی و اصالت در حفاظت میراث مطرح شد. در سال ۱۹۸۷، کنگره واشنگتن حفاظت از شهرهای تاریخی را مورد توجه قرار داد و در سال ۱۹۹۲، مفهوم اصالت به عنوان بخشی از حفاظت میراث وارد مباحث شد. از سال ۲۰۰۰ به بعد، موضوع پایداری و دیدگاه یکپارچه در حفاظت میراث مطرح شده است که تا امروز نیز بر حفاظت یکپارچه و توسعه پایدار تأکید دارد.

در ادامه، وی به وضعیت حفاظت میراث در ایران و فعالیت‌های داخلی در حوزه معماری و محیط زیست اشاره نمود و معتقد است که نگاه جهانی به توسعه پایدار همیشه مثبت نبوده است. او نمونه‌هایی تاریخی از شهرسازی در فرانسه و ایران را ذکر نمود، مانند طرح‌های ناپلئون سوم در پاریس و اقدامات مشابه در یزد و اصفهان، که نشان‌دهنده تجربیات و سیاست‌های آزادسازی و توسعه شهری در ایران است. در پایان، دکتر مقیمی بر اهمیت هم‌پوشانی و مقایسه این تجربیات تأکید داشت و نقش آن‌ها در فرآیند حفاظت و توسعه میراث فرهنگی را مورد توجه قرار داد.



دانشگاه کاوین المللی نور